

تاریخ تشریع دین اسلام

از دیدگاه قرآن و حدیث

(تفسیر موضوعی المیزان)

به اهتمام : سید مهدی امین

با نظارت : دکتر محمد بیستونی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ تشریع دین اسلام و وقایع مهم آن از دیدگاه قرآن و حدیث

نویسنده:

مهدی امین

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
تاریخ تشریع دین اسلام و وقایع مهم آن از دیدگاه قرآن و حدیث	۱۰
مشخصات کتاب	۱۰
فهرست مطالب	۱۰
تقدیم به	۱۵
متن تأییدیه حضرت آیة‌الله محمد یزدی	۱۵
متن تأییدیه حضرت آیة‌الله مرتضی مقتدایی	۱۶
متن تأییدیه حضرت آیة‌الله سیدعلی اصغر دستغیب نماینده محترم خبرگان رهبری در استان فارس	۱۶
مقدمه ناشر	۱۷
مقدمه مؤلف	۱۸
فصل اول: تاریخ تشریع نماز	۲۰
نماز رسول الله قبل از بعثت	۲۰
اولین دستور نماز در اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله	۲۰
نمازهای چهارگانه اولیه	۲۱
وجوب نمازهای یومیه، زمان و تقسیمات آن	۲۱
تشریع نماز جمعه	۲۲
فصل دوم: تاریخ تغییر قبله	۲۴
تغییر قبله مسلمین از بیت المقدس به کعبه	۲۴
تغییر قبله، و پی آمدهای آن	۲۵
فلسفه تغییر قبله	۲۶
تکلیف نمازهای گذشته	۲۶
اطلاع یهود از تغییر قبله مسلمین	۲۶
منافع مسلمین در تغییر قبله	۲۷

۲۷	نیاز به داشتن قبله و طرز قبله‌یابی
۲۸	سال تغییر قبله
۲۹	تغییر قبله و منازعات یهود
۳۰	پاسخ اعتراضات یهود درباره قبله
۳۱	توطئه یهود در امر قبله
۳۲	فصل سوم: تشریع روزه
۳۲	مقرر شدن روزه بر مسلمین
۳۲	سابقه روزه در ادیان دیگر
۳۲	مقدمه‌چینی برای تشریع روزه
۳۳	فرمان تشریع روزه ماه رمضان
۳۴	تغییر شرایط روزه در جنگ خندق
۳۴	فصل چهارم: تاریخ کعبه و تشریع حج
۳۴	اولین خانه عبادت در جهان
۳۵	اولین خانه عبادت در جهان
۳۵	۱ - هدف بنای کعبه
۳۵	۲ - نامگذاری کعبه
۳۵	۳ - مبارک بودن کعبه
۳۵	۴ - راهنما بودن کعبه
۳۶	۵ - آیات الهی در کعبه
۳۷	مشخصات کعبه
۳۷	۱ - شکل کعبه
۳۸	۲ - پیراهن کعبه
۳۸	۳ - عظمت خانه کعبه
۳۹	۴ - ریاست خانه کعبه

تاریخ ساختمان کعبه	۴۰
تاریخ ساختمان کعبه	۴۰
۱ - اولین بنای کعبه	۴۰
۲ - تجدید بنای کعبه قبل از اسلام	۴۰
۳ - تجدید بنای کعبه در عصر رسول الله صلی الله علیه و آله	۴۱
۴ - تخریب خانه خدا به وسیله یزید	۴۱
۵ - تغییرات زمان حجاج بن یوسف	۴۲
۶ - توسعه حرم در زمان عباسیان	۴۲
۷ - تعمیرات و تغییرات زمان سلاطین عثمانی	۴۲
۸ - تعمیرات مسجدالحرام در زمان آل سعود	۴۲
تشریع حج ابراهیمی و حج محمدی صلی الله علیه و آله	۴۳
تاریخ تشریع حج	۴۴
تشریع حج تمتع	۴۵
تغییرات در حج تمتع در زمان عمر	۴۶
فصل پنجم: تشریع زکات و خمس	۴۷
حکم زکات مالی	۴۷
نیازهای مالی جامعه در اسلام و حق مالکیت فردی	۴۹
امتیازات قوانین مالی اسلام	۴۹
مالیات، خراج و باج‌های غیر مشروع	۵۰
محل مصرف وجوهات اسلامی	۵۰
فلسفه توزیع ثروت اسلامی	۵۰
توزیع شخصی و اختیاری ثروت	۵۱
تشریع خمس	۵۱
محل مصرف خمس در جامعه اسلامی	۵۲

۵۳	فصل ششم: تشریع محرمات در اسلام
۵۳	تاریخ تحریم شرابخواری و قمار
۵۵	تدریج در تحریم محرمات
۵۶	رَجُسُ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ!
۵۷	بر آن چه گذشته حرجی نیست!
۵۷	چهار محرمه در اسلام و سابقه محرمات در یهود
۵۸	روزی‌های حلال و تحریم‌های خلاف شرع
۶۰	تاریخ تحریم ربا و فلسفه آن
۶۱	تصدیق تاریخ بر نظریه قرآن در آثار رباخواری
۶۱	آیات قرآنی و روایات در منع و تحریم ربا
۶۲	فصل هفتم: تشریع حکم قصاص
۶۲	تشریع حکم قصاص در جامعه اسلامی
۶۳	مفهوم عفو در قصاص
۶۳	اثر قصاص در حیات انسان‌ها
۶۳	سابقه تاریخی قصاص در ملل و ادیان
۶۴	فصل هشتم: تشریع جهاد و آغاز جنگ‌های صدر اسلام
۶۴	تاریخ تشریع جهاد
۶۶	تدریج در صدور فرمان جهاد
۶۹	ممانعت کفار از مراسم حج مسلمانان
۷۰	پیش درآمد جنگ‌های صدر اسلام
۷۱	اولین اجازه دفاع برای مسلمین
۷۲	دفاع یا جنگ تهاجمی
۷۲	و اما این که چگونه ظلم می‌شدند؟
۷۳	تشریع جهاد و منابع مالی آن

۷۳	جنگ با اهل کتاب
۷۴	دلایل جنگ با اهل کتاب
۷۵	جنگ‌های تهاجمی اسلام (شمشیرهای سه‌گانه)
۷۶	شش فرمان جنگی
۷۶	شش رمز پیروزی اسلام
۷۷	فرمان اول: ثبات قدم در جبهه
۷۷	فرمان دوم: ذکر و یاد خدا
۷۸	فرمان سوم: اطاعت خدا و رسول
۷۹	فرمان چهارم: نهی از اختلاف
۷۹	فرمان پنجم و ششم: نهی از اتخاذ رویه مشرکین و سد راه خدا
۷۹	موقعیت تاریخی نزول سوره آل عمران و جنگ‌های اسلام
۸۰	وجوب جهاد در تورات و انجیل و قرآن
۸۱	شدت عمل مسلمانان در برابر کفار
۸۱	تشریع جهاد، و برخورد دوگانه ترسودلان
۸۲	خیانت و جاسوسی در جنگ‌های صدر اسلام
۸۴	مسئله غنائم در جنگ‌های صدر اسلام
۸۵	امدادهای الهی و نقش ملائکه در جنگ‌های اسلام
۸۶	چگونگی یاری ملائکه در جنگ‌ها
۸۶	امداد ملائکه در جنگ بدر
۸۶	امداد ملائکه در جنگ احزاب و حنین و أحد
۸۷	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

تاریخ تشریع دین اسلام و وقایع مهم آن از دیدگاه قرآن و حدیث

مشخصات کتاب

سرشناسه : امین، سیدمهدی، ۱۳۱۶، -گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور : تاریخ تشریع دین اسلام و وقایع مهم آن از دیدگاه قرآن و حدیث: تفسیر موضوعی المیزان/ به اهتمام سیدمهدی امین با نظارت محمد بیستونی.

مشخصات نشر : قم: بیان جوان ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۲۵۶ ص. ۱۱×۱۶/۵ س.م.

فروست : تفسیر علامه [ج. ۳۲].

شابک : ۸-۱۲۵-۲۲۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : این کتاب براساس کتاب "المیزان فی التفسیر القرآن" تألیف محمدحسین طباطبایی است.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : تفسیر موضوعی المیزان.

موضوع : تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴

موضوع : اسلام -- مسائل متفرقه

شناسه افزوده : بیستونی محمد، ۱۳۳۷، -ناظر

شناسه افزوده : طباطبائی محمدحسین ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰. المیزان فی تفسیر القرآن

شناسه افزوده : تفسیر علامه [ج. ۳۲].

رده بندی کنگره : BP۹۸/الف ۸۳ ت ۷ ج ۳۲ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۷۹

شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۱۷۴۷۷

فهرست مطالب

موضوع صفحه

تأییدیه آیه‌الله محمد یزدی رئیس شورایعالی مدیریت حوزه علمیه ۵۰۰۰

تأییدیه آیه‌الله مرتضی مقتدائی مدیریت حوزه علمیه قم ۶۰۰۰

تأییدیه آیه‌الله سیدعلی اصغر دستغیب نماینده خبرگان رهبری ۷۰۰۰

مقدمه ناشر ۸۰۰۰

مقدمه مؤلف ۱۲۰۰۰

فصل اول : تاریخ تشریع نماز ۱۷۰۰۰

نماز رسول الله قبل از بعثت ۱۷۰۰۰

(۲۹۷)

اولین دستور نماز در اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۰

نمازهای چهارگانه اولیه ۲۱۰۰۰

وجوب نمازهای یومیه، زمان و تقسیمات آن ۲۲۰۰۰

تشریع نماز جمعه ۲۶۰۰۰

(۲۹۸)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

فصل دوم: تاریخ تغییر قبله ۳۱۰۰۰

تغییر قبله مسلمین از بیت المقدس به کعبه ۳۱۰۰۰

تغییر قبله، و پی آمدهای آن ۳۷۰۰۰

فلسفه تغییر قبله ۳۹۰۰۰

تکلیف نمازهای گذشته ۴۰۰۰۰

اطلاع یهود از تغییر قبله مسلمین ۴۱۰۰۰

منافع مسلمین در تغییر قبله ۴۲۰۰۰

نیاز به داشتن قبله و طرز قبله یابی ۴۳۰۰۰

(۲۹۹)

سال تغییر قبله ۴۷۰۰۰

تغییر قبله و منازعات یهود ۵۰۰۰۰

(۳۰۰)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

پاسخ اعتراضات یهود درباره قبله ۵۳۰۰۰

توطئه یهود در امر قبله ۵۵۰۰۰

فصل سوم: تشریع روزه ۵۹۰۰۰

مقرر شدن روزه بر مسلمین ۵۹۰۰۰

سابقه روزه در ادیان دیگر ۶۰۰۰۰

مقدمه چینی برای تشریع روزه ۶۲۰۰۰

فرمان تشریع روزه ماه رمضان ۶۴۰۰۰

تغییر شرایط روزه در جنگ خندق ۶۶۰۰۰

(۳۰۱)

فصل چهارم: تاریخ کعبه و تشریع حج ۶۹۰۰۰

اولین خانه عبادت در جهان ۶۹۰۰۰

(۳۰۲)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

- ۱- هدف بنای کعبه ۶۹۰۰۰
 - ۲- نامگذاری کعبه ۷۰۰۰۰
 - ۳- مبارک بودن کعبه ۷۱۰۰۰
 - ۴- راهنما بودن کعبه ۷۲۰۰۰
 - ۵- آیات الهی در کعبه ۷۳۰۰۰
 - مشخصات کعبه ۷۶۰۰۰
 - ۱- شکل کعبه ۷۶۰۰۰
 - ۲- پیراهن کعبه ۷۹۰۰۰
- (۳۰۳)

- ۳- عظمت خانه کعبه ۸۱۰۰۰
 - ۴- ریاست خانه کعبه ۸۳۰۰۰
- (۳۰۴)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

- تاریخ ساختمان کعبه ۸۷۰۰۰
 - ۱- اولین بنای کعبه ۸۸۰۰۰
 - ۲- تجدید بنای کعبه قبل از اسلام ۸۸۰۰۰
 - ۳- تجدید بنای کعبه در عصر رسول الله صلی الله علیه و آله ۹۰۰۰۰
 - ۴- تخریب خانه خدا به وسیله یزید ۹۱۰۰۰
 - ۵- تغییرات زمان حجاج بن یوسف ۹۳۰۰۰
 - ۶- توسعه حرم در زمان عباسیان ۹۴۰۰۰
 - ۷- تعمیرات و تغییرات زمان سلاطین عثمانی ۹۴۰۰۰
- (۳۰۵)

- ۸- تعمیرات مسجدالحرام در زمان آل سعود ۹۵۰۰۰
 - تشریع حج ابراهیمی و حج محمدی صلی الله علیه و آله ۹۷۰۰۰
- (۳۰۶)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

- تاریخ تشریع حج ۱۰۰۰۰۰
- تشریع حج تمتع ۱۰۴۰۰۰
- تغییرات در حج تمتع در زمان عمر ۱۰۷۰۰۰

فصل پنجم: تشریع زکات و خمس ۱۱۳۰۰۰

حکم زکات مالی ۱۱۳۰۰۰

نیازهای مالی جامعه در اسلام و حق مالکیت فردی ۱۱۷۰۰۰

امتیازات قوانین مالی اسلام ۱۱۹۰۰۰

مالیات، خراج و باج‌های غیر مشروع ۱۲۱۰۰۰

(۳۰۷)

محل مصرف وجوهای اسلامی ۱۲۲۰۰۰

فلسفه توزیع ثروت اسلامی ۱۲۳۰۰۰

(۳۰۸)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

توزیع شخصی و اختیاری ثروت ۱۲۴۰۰۰

تشریع خمس ۱۲۵۰۰۰

محل مصرف خمس در جامعه اسلامی ۱۲۷۰۰۰

فصل ششم: تشریع محرمات در اسلام ۱۳۳۰۰۰

تاریخ تحریم شرابخواری و قمار ۱۳۳۰۰۰

تدریج در تحریم محرمات ۱۳۹۰۰۰

رَجَسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ ۱۴۲۰۰۰

بر آن چه گذشته حرجی نیست ۱۴۴۱۰۰۰

(۳۰۹)

چهار محرمه در اسلام و سابقه محرمات در یهود ۱۴۶۰۰۰

روزی‌های حلال و تحریم‌های خلاف شرع ۱۵۰۰۰۰

(۳۱۰)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

تاریخ تحریم ربا و فلسفه آن ۱۵۵۰۰۰

تصدیق تاریخ بر نظریه قرآن در آثار رباخواری ۱۵۹۰۰۰

آیات قرآنی و روایات در منع و تحریم ربا ۱۶۰۰۰۰

فصل هفتم: تشریع حکم قصاص ۱۶۳۰۰۰

تشریع حکم قصاص در جامعه اسلامی ۱۶۳۰۰۰

مفهوم عفو در قصاص ۱۶۴۰۰۰

اثر قصاص در حیات انسان‌ها ۱۶۵۰۰۰

سابقه تاریخی قصاص در ملل و ادیان ۱۶۶۰۰۰

(۳۱۱)

فصل هشتم: تشریع جهاد و آغاز جنگ‌های صدر اسلام ۱۶۹۰۰۰

تاریخ تشریع جهاد ۱۶۹۰۰۰

(۳۱۲)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

تدریج در صدور فرمان جهاد ۱۷۶۰۰۰

ممانعت کفار از مراسم حج مسلمانان ۱۸۶۰۰۰

پیش‌درآمد جنگ‌های صدر اسلام ۱۸۹۰۰۰

اولین اجازه دفاع برای مسلمین ۱۹۲۰۰۰

دفاع یا جنگ تهاجمی ۱۹۵۰۰۰

و اما این که چگونه ظلم می‌شدند ۱۹۷۴۰۰۰

تشریع جهاد و منابع مالی آن ۱۹۸۰۰۰

جنگ با اهل کتاب ۲۰۱۰۰۰

(۳۱۳)

دلایل جنگ با اهل کتاب ۲۰۲۰۰۰

(۳۱۴)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

جنگ‌های تهاجمی اسلام (شمشیرهای سه گانه ۲۰۷۰۰۰)

شش فرمان جنگی: شش رمز پیروزی اسلام ۲۱۰۰۰۰

فرمان اول: ثبات قدم در جبهه ۲۱۳۰۰۰

فرمان دوم: ذکر و یاد خدا ۲۱۵۰۰۰

فرمان سوم: اطاعت خدا و رسول ۲۱۸۰۰۰

فرمان چهارم: نهی از اختلاف ۲۱۹۰۰۰

فرمان پنجم و ششم: نهی از اتخاذ رویه مشرکین و سد راه خدا ۲۲۰۰۰۰

موقعیت تاریخی نزول سوره آل عمران و جنگ‌های اسلام ۲۲۱۰۰۰

(۳۱۵)

وجوب جهاد در تورات و انجیل و قرآن ۲۲۵۰۰۰

(۳۱۶)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

شدت عمل مسلمانان در برابر کفار ۲۲۷۰۰۰

تشریع جهاد، و برخورد دوگانه ترسودلان ۲۲۹۰۰۰

خیانت و جاسوسی در جنگ‌های صدر اسلام ۲۳۲۰۰۰

مسئله غنائم در جنگ‌های صدر اسلام ۲۳۶۰۰۰

امدادهای الهی و نقش ملائکه در جنگ‌های اسلام ۲۴۲۰۰۰

چگونگی یاری ملائکه در جنگ‌ها ۲۴۲۰۰۰

امداد ملائکه در جنگ بدر ۲۴۳۰۰۰

امداد ملائکه در جنگ احزاب و حنین و احد ۲۴۵۰۰۰

(۳۱۷)

(۳۱۸)

تقدیم به

إِلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللَّهِ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَى مَوْلَانَا

وَ مَوْلَى الْمُؤَحِّدِينَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى بَضْعَةِ

الْمُصْطَفَى وَ بِهِجَةِ قَلْبِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِلَى سَيِّدَتِي

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ إِلَى الْأَيْمَةِ الشَّعْبَةِ

الْمَغْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ لَا سَيِّمًا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ وَارِثِ عُلُومِ

الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، الْمَعْدَّة لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ وَ الْمُدْخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَائِضِ وَ مَعَالِمِ الدِّينِ ،

الْحُجَّجَةُ بْنُ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعِزَّ

الْأَوْلِيَاءِ وَيَا مُدِلَّ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ قَدْ مَسَّنَا

(۴)

وَ أَهْلَنَا الضَّرَّ فِي غَيْبَتِكَ وَ فِرَاقِكَ وَ جِئْنَا بِبِضَاعِهِ

مُرْجَاهُ مِنْ وَلَائِكَ وَ مَحَبَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَفِيلَ مِنْ مَنَّكَ وَ

فَضْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرِهِ رَحْمَةً مِنْكَ

إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

متن تأییدیه حضرت آیه‌الله محمد یزدی

رییس دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری و رییس شورای عالی مدیریت حوزه علمیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن کریم این بزرگ‌ترین هدیه آسمانی و عالی‌ترین چراغ هدایت که خداوند عالم به وسیله آخرین پیامبرش برای بشریت فروفرستاده است؛ همواره انسان‌ها را دستگیری و راهنمایی نموده و می‌نماید. این انسان‌ها هستند که به هر مقدار بیشتر با این نور و

رحمت

(۵)

ارتباط برقرار کنند بیشتر بهره می‌گیرند. ارتباط انسان‌ها با قرآن کریم با خواندن، اندیشیدن، فهمیدن، شناختن اهداف آن شکل می‌گیرد. تلاوت، تفکر، دریافت و عمل انسان‌ها به دستورالعمل‌های آن، سطوح مختلف دارد. کارهایی که برای تسهیل و روان و آسان کردن این ارتباط انجام می‌گیرد هر کدام به نوبه خود ارزشمند است. کارهای گوناگونی که دانشمند محترم جناب آقای دکتر بیستونی برای نسل جوان در جهت این خدمت بزرگ و امکان ارتباط بهتر نسل جوان با قرآن انجام داده‌اند؛ همگی قابل تقدیر و تشکر و احترام است. به علاقه‌مندان بخصوص جوانان توصیه می‌کنم که از این آثار بهره‌مند شوند.

توفیقات بیش از پیش ایشان را از خداوند متعال خواهانم.

محمد یزدی

رییس دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری ۱/۲/۱۳۸۸

(۶)

متن تأییدیه حضرت آیه‌الله مرتضی مقتدایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توفیق نصیب گردید از مؤسسه قرآنی تفسیر جوان بازدید داشته باشم و مواجه شدم با یک باغستان گسترده پرگل و متنوع که به‌طور یقین از معجزات قرآن است که این ابتکارات و روش‌های نو و جالب را به ذهن یک نفر که باید مورد عنایت ویژه قرار گرفته باشد القاء نماید تا بتواند در سطح گسترده کودکان و جوانان و نوجوانان و غیرهم را با قرآن مجید مأنوس به‌طوری که مفاهیم بلند و باارزش قرآن در وجود آنها نقش بسته و روش آنها را الهی و قرآنی نماید و آن برادر بزرگوار جناب آقای دکتر محمد بیستونی است که این توفیق نصیب ایشان گردیده و ذخیره عظیم و باقیات الصالحات جاری برای آخرت ایشان هست. به امید این که همه اقدامات با خلوص قرین و مورد توجه

(۷)

ویژه حضرت بقیةالله‌الاعظم ارواحنا فداه باشد.

مرتضی مقتدایی

به تاریخ یوم شنبه پنجم ماه مبارک رمضان المبارک ۱۴۲۷

(۸)

متن تأییدیه حضرت آیه‌الله سیدعلی اصغر دستغیب نماینده محترم خبرگان رهبری در استان فارس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (۸۹ / نحل)

تفسیر المیزان گنجینه گرانبھائی است که به مقتضای این کریمه قرآنی حاوی جمیع موضوعات و عناوین مطرح در زندگی انسان‌ها می‌باشد. تنظیم موضوعی این مجموعه نفیس اولاً موجب آن است که هر کس عنوان و موضوع مدّ نظر خویش را به سادگی پیدا کند و ثانیاً زمینه مناسبی در راستای تحقیقات موضوعی برای پژوهشگران و اندیشمندان جوان حوزه و دانشگاه خواهد بود.

این توفیق نیز در ادامه برنامه‌های مؤسسه قرآنی تفسیر جوان در تنظیم و نشر آثار

(۹)

قرآنی مفسّرین بزرگ و نامی در طول تاریخ اسلام، نصیب برادر ارزشمندم جناب آقای دکتر محمد بیستونی و گروهی از همکاران

قرآن پژوه ایشان گردیده است. امیدوارم همچنان از توفیقات و تأییدات الهی برخوردار باشند.

سیدعلی اصغر دستغیب

۲۸/۹/۸۶

(۱۰)

مقدمه ناشر

براساس پژوهشی که در مؤسسه قرآنی تفسیر جوان انجام شده، از صدر اسلام تاکنون حدود ۱۰/۰۰۰ نوع تفسیر قرآن کریم منتشر گردیده است که بیش از ۹۰٪ آنها به دلیل پرحجم بودن صفحات، عدم اعرابگذاری کامل آیات و روایات و کلمات عربی، نثر و نگارش تخصصی و پیچیده، قطع بزرگ کتاب و... صرفاً برای «متخصصین و علاقمندان حرفه‌ای» کاربرد داشته و افراد عادی جامعه به ویژه «جوانان عزیز» آنچنان که شایسته است نمی‌توانند از این قبیل تفاسیر به راحتی استفاده کنند.

مؤسسه قرآنی تفسیر جوان ۱۵ سال برای ساده‌سازی و ارائه تفسیر موضوعی و کاربردی در کنار تفسیر ترتیبی تلاش‌های گسترده‌ای را آغاز نموده است که چاپ و انتشار تفسیر جوان (خلاصه ۳۰ جلدی تفسیر نمونه، قطع جیبی) و تفسیر نوجوان (۳۰ جلدی، قطع جیبی)

جیبی

(۱۱)

کوچک) و بیش از یکصد تفسیر موضوعی دیگر نظیر باستان‌شناسی قرآن کریم، رنگ‌شناسی، شیطان‌شناسی، هنرهای دستی، ملکه گمشده و شیطانی همراه، موسیقی، تفاسیر گرافیکی و... بخشی از خروجی‌های منتشر شده در همین راستا می‌باشد. کتابی که ما و شما اکنون در محضر نورانی آن هستیم حاصل تلاش ۳۰ ساله «استادارجمند جناب آقای سیدمهدی امین» می‌باشد. ایشان تمامی مجلدات تفسیرالمیزان را به دقت مطالعه کرده و پس از فیش برداری، مطالب را «بدون هیچ گونه دخل و تصرف در متن تفسیر» در هفتاد عنوان موضوعی تفکیک و برای نخستین بار «مجموعه ۷۰ جلدی تفسیر موضوعی المیزان» را تدوین نموده که هم به صورت تک موضوعی و هم به شکل دوره‌ای برای جوانان عزیز قابل استفاده کاربردی است.

«تفسیر المیزان» به گفته شهید آیه الله مطهری (ره) «بهترین تفسیری است که در میان

(۱۲) تاریخ تشریع دین اسلام

شیعه و سنی از صدر اسلام تا امروز نوشته شده است». «المیزان» یکی از بزرگ‌ترین آثار علمی علامه طباطبائی (ره)، و از مهم‌ترین تفاسیر جهان اسلام و به حق در نوع خود کم‌نظیر و مایه مباهات و افتخار شیعه است. پس از تفسیر تبیان شیخ طوسی (م ۴۶۰ه) و مجمع‌البیان شیخ طبرسی (م ۵۴۸ه) بزرگ‌ترین و جامع‌ترین تفسیر شیعی و از نظر قوت علمی و مطلوبیت روش تفسیری، بی‌نظیر است. ویژگی مهم این تفسیر به کارگیری تفسیر قرآن به قرآن و روش عقلی و استدلالی است. این روش در کار مفسر تنها در کنار هم گذاشتن آیات برای درک معنای واژه خلاصه نمی‌شود، بلکه موضوعات مشابه و مشترک در سوره‌های مختلف را کنار یکدیگر قرار می‌دهد، تحلیل و مقایسه می‌کند و برای درک پیام آیه به شیوه تدبیری و اجتهادی توسل می‌جوید.

یکی از ابعاد چشمگیر المیزان، جامعه‌گرایی تفسیر است. بی‌گمان این خصیصه از

مقدمه ناشر (۱۳)

اندیشه و گرایش‌های اجتماعی علامه طباطبائی (ره) برخاسته است و لذا به مباحثی چون حکومت، آزادی، عدالت اجتماعی، نظم اجتماعی، مشکلات امت اسلامی، علل عقب ماندگی مسلمانان، حقوق زن و پاسخ به شبهات مارکسیسم و ده‌ها موضوع روز، روی آورده و به‌طور عمیق مورد بحث و بررسی قرار داده است.

شیوه مرحوم علامه به این شرح است که در آغاز، چند آیه از یک سوره را می‌آورد و آیه، آیه، نکات لغوی و بیانی آن را شرح می‌دهد و پس از آن، تحت عنوان بیان آیات که شامل مباحث موضوعی است به تشریح آن می‌پردازد.

ولی متأسفانه قدر و ارزش این تفسیر در میان نسل جوان ناشناخته مانده است و بنده در جلسات فراوانی که با دانشجویان یا دانش آموزان داشته‌ام همواره نیاز فراوان آنها را به این تفسیر دریافته‌ام و به همین دلیل نسبت به همکاری با جناب آقای

(۱۴) تاریخ تشریع دین اسلام

سید مهدی امین اقدام نموده‌ام.

امیدوارم این قییل تلاش‌های قرآنی ما و شما برای روزی ذخیره شود که به جز اعمال و نیات خالصانه، هیچ چیز دیگری کارساز نخواهد بود.

دکتر محمد بیستونی

رئیس مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

تهران - تابستان ۱۳۸۸

مقدمه ناشر (۱۵)

مقدمه مؤلف

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ

فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ

لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

این قرآنی است کریم

در کتابی مکنون

که جز دست پاکان و فهم خاصان بدان نرسد!

(۷۷ - ۷۹ / واقعه)

این کتاب به منزله یک «کتاب مرجع» یا فرهنگ معارف قرآن است که از «تفسیر المیزان» انتخاب و تلخیص، و بر حسب موضوع طبقه‌بندی شده است.

(۱۶)

در تقسیم‌بندی به عمل آمده از موضوعات قرآن کریم قریب ۷۰ عنوان مستقل به دست آمد. هر یک از این موضوعات اصلی، عنوان مستقلی برای تهیه یک کتاب در نظر گرفته شد. هر کتاب در داخل خود به چندین فصل یا عنوان فرعی تقسیم گردید. هر فصل نیز به سرفصل‌هایی تقسیم شد. در این سرفصل‌ها آیات و مفاهیم قرآنی از متن تفسیر المیزان انتخاب و پس از تلخیص، به روال منطقی، طبقه‌بندی و درج گردید، به طوری که خواننده جوان و محقق ما با مطالعه این مطالب کوتاه وارد جهان شگفت‌انگیز آیات و معارف قرآن عظیم گردد. در پایان کار، مجموع این معارف به قریب ۵ هزار عنوان یا سرفصل بالغ گردید.

از لحاظ زمانی: کار انتخاب مطالب و فیش‌برداری و تلخیص و نگارش، از

مقدمه مؤلف (۱۷)

اواخر سال ۱۳۵۷ شروع و حدود ۳۰ سال دوام داشته، و با توفیق الهی در لیالی مبارکه قدر سال ۱۳۸۵ پایان پذیرفته و آماده چاپ و نشر گردیده است.

هدف از تهیه این مجموعه و نوع طبقه‌بندی مطالب در آن، تسهیل مراجعه به شرح و تفسیر آیات و معارف قرآن شریف، از جانب علاقمندان علوم قرآنی، مخصوصاً محققین جوان است که بتوانند اطلاعات خود را از طریق بیان مفسری بزرگ چون علامه فقید آیه الله طباطبائی دریافت کنند، و برای هر سؤال پاسخی مشخص و روشن داشته باشند.

سال‌های طولانی، مطالب متعدد و متنوع درباره مفاهیم قرآن شریف می‌آموختیم اما وقتی در مقابل یک سؤال درباره معارف و شرایع دین مان قرار می‌گرفتیم، یک جواب مدون و مشخص نداشتیم بلکه به اندازه مطالب متعدد و متنوعی که شنیده بودیم باید (۱۸) تاریخ تشریع دین اسلام

جواب می‌دادیم. زمانی که تفسیر المیزان علامه طباطبائی، قدس الله سره الشریف، ترجمه شد و در دسترس جامعه مسلمان ایرانی قرار گرفت، این مشکل حل شد و جوابی را که لازم بود می‌توانستیم از متن خود قرآن، با تفسیر روشن و قابل اعتماد فردی که به اسرار مکنون دست یافته بود، بدسیم. اما آنچه مشکل می‌نمود گشتن و پیدا کردن آن جواب از لابلای چهل (یا بیست) جلد ترجمه فارسی این تفسیر گرانمایه بود. لذا این ضرورت احساس شد که مطالب به صورت موضوعی طبقه‌بندی و خلاصه شود و در قالب یک دائرةالمعارف در دسترس همه دین‌دوستان قرار گیرد. این همان انگیزه‌ای بود که موجب تهیه این مجلدات گردید.

بدیهی است این مجلدات شامل تمامی جزئیات سوره‌ها و آیات الهی قرآن نمی‌شود، بلکه سعی شده مطالبی انتخاب شود که در تفسیر آیات و مفاهیم قرآنی، علامه بزرگوار مقدمه مؤلف (۱۹)

به شرح و بسط و تفهیم مطلب پرداخته است.

اصول این مطالب باتوضیح و تفصیل در «تفسیر المیزان» موجود است که خواننده می‌تواند برای پی‌گیری آن‌ها به خود المیزان مراجعه نماید. برای این منظور مستند هر مطلب با ذکر شماره مجلد و شماره صفحه مربوطه و آیه مورد استناد در هر مطلب قید گردیده است.

ذکر این نکته لازم است که چون ترجمه تفسیر المیزان به صورت دو مجموعه ۲۰ جلدی و ۴۰ جلدی منتشر شده بهتر است در صورت نیاز به مراجعه به ترجمه المیزان، بر اساس ترتیب عددی آیات قرآن به سراغ جلد مورد نظر خود، صرف‌نظر از تعداد مجلدات بروید. و مقدر بود که کار نشر چنین مجموعه آسمانی در مؤسسه‌ای انجام گیرد که با هدف نشر معارف قرآن شریف، به صورت تفسیر، مختص نسل جوان،

(۲۰) تاریخ تشریع دین اسلام

تأسیس شده باشد، و استاد مسلم، جناب آقای دکتر محمد بیستونی، اصلاح و تنقیح و نظارت همه‌جانبه بر این مجموعه قرآنی شریف را به عهده گیرد.

مؤسسه قرآنی تفسیر جوان با ابتکار و سلیقه نوین، و به منظور تسهیل در رساندن پیام آسمانی قرآن مجید به نسل جوان، مطالب قرآنی را به صورت کتاب‌هایی در قطع جیبی منتشر می‌کند. این ابتکار در نشر همین مجلدات نیز به کار رفته، تا مطالعه آن در هر شرایط زمانی و مکانی، برای جوانان مشتاق فرهنگ الهی قرآن شریف، ساده و آسان گردد...

و ما همه بندگان هستیم هر یک حامل وظیفه تعیین شده از جانب دوست، و آنچه انجام شده و می‌شود، همه از جانب اوست! و صلوات خدا بر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و خاندان جلیلش باد که نخستین حاملان این

مقدمه مؤلف (۲۱)

وظیفه الهی بودند، و بر علامه فقید آیه الله طباطبائی و اجداد او، و بر همه وظیفه‌داران این مجموعه شریف و آباء و اجدادشان باد، که مسلمان شایسته‌ای بودند و ما را نیز در مسیر شناخت اسلام واقعی پرورش دادند!

لیله قدر سال ۱۳۸۵

سید مهدی حبیبی امین

(۲۲) تاریخ تشریع دین اسلام

فصل اول: تاریخ تشریع نماز

نماز رسول الله قبل از بعثت

«أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى، عَبْدًا إِذَا صَلَّى؟» (۹ و ۱۰/علق)

در اولین سوره قرآن کریم، خدای تعالی اشاره می‌کند به بنده‌ای که نماز می‌خواند. مراد به عبدی که نماز می‌خواند، به طوری که از آخر آیات سوره

(۲۳)

علق بر می‌آید، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است، چون در آخر آیات آنجناب را از اطاعت آن شخص نهی نموده، و امر به سجده و نزدیک شدن به خدا فرموده است.

بنابراین فرض که سوره علق اولین سوره نازل شده از قرآن شریف باشد، و نیز بنابراین که از اول تا به آخر سوره یکباره نازل شده باشد، سیاق این آیات دلالت دارد بر این که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله قبل از نزول قرآن نماز می‌خواند، و همین امر دلالت دارد بر این که آن جناب قبل از رسیدنش به مقام رسالت با نزول قرآن، یعنی قبل از حادثه بعثت، از انبیای الهی بوده است.

بعضی گفته‌اند که نماز قبل از بعثت آن جناب نماز واجب نبوده است، و به طوری که از اخبار بر می‌آید نمازهای واجب در شب معراج واجب شده است. این سخن درست نیست! برای این که آن‌چه از داستان شب معراج مسلم است تنها این است که نمازهای

(۲۴) تاریخ تشریع دین اسلام

پنجگانه یومیه در آن شب با شکل خاص خود، دو رکعت دو رکعت واجب شد، و هیچ دلالتی ندارد بر این که قبل از آن شب به صورت دیگر تشریع نشده باشد، بلکه در بسیاری از آیات سوره‌های مکی، و از آن جمله در سوره‌هایی که قبل از سوره اسری نازل شده، نظیر سوره مدثر و مزمل و غیر آن دو، سخن از نماز رفته، و به تعبیرهایی مختلف از آن یاد نموده است، هر چند که کیفیت آن را ذکر نفرموده است، اما این قدر هست که نمازهای قبل از معراج مشتمل بر مقداری تلاوت قرآن کریم، و نیز مشتمل بر سجده بوده است.

در بعضی از روایات هم آمده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در اوایل بعثت با خدیجه سلام‌الله علیها و علی علیه‌السلام نماز می‌خواند. در این روایات هم نیامده که نماز آن روز به چه صورت بوده است. (۱)

نماز رسول الله قبل از بعثت (۲۵)

۱- المیزان ج: ۴۰، ص: ۳۱۲.

(۲۶) تاریخ تشریع دین اسلام

اولین دستور نماز در اهل بیت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله

«فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ...!» (۱۳۰ تا ۱۳۲ / طه)

- «به آن‌چه می‌گویند صبر نشان بده، و به حمد پروردگارت تسبیح گوی! و اهل خود را به نماز خواندن امر کن!» «وَأْمُرْ أَهْلَكَ

بِالصَّلَاةِ!

این آیه در مکه نازل شده است، و عبارت «اهل خود» بر حسب انطباق آن با هنگام نزولش، شامل حضرت خدیجه کبری همسر رسول الله صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام است. چون علی علیه السلام هم اهل آن جناب و در خانه آن جناب بود. احتمال دارد علاوه بر آن دو بزرگوار شامل بعضی از دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله هم باشد. چون از همسران رسول اولین دستور نماز در اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله (۲۷) خدا صلی الله علیه و آله فقط حضرت خدیجه (س) در مکه همسری آن جناب را داشته لذا این آیه شامل همسران و یا پیروان و خویشاوندان او نمی شود.

نمازهای چهارگانه اولیه

آیه شریفه در بیان زمان اقامه نمازها می گوید:

«بر آن چه می گویند صبر کن! و پیش از طلوع شمس، و پیش از غروب آن، به ستایش پروردگارت تسبیح گوی! و کناره های شب، و اواخر روز، نیز تسبیح گوی! شاید که خشنود شوی!» (۱۳۰ تا ۱۳۲ / طه)

در آیه فوق نماز ظهر را که وسط روز است، قید نکرده است. شاید آن چه از نمازهای (۲۸) تاریخ تشریع دین اسلام یومیه در هنگام نزول سوره طه، و نیز سوره هود، که قبل از سوره اسری نازل شده اند، واجب شده بود، چهار نماز بوده است، و تا نزول سوره اسری نماز ظهر واجب نشده بود. ظاهر دو آیه سوره طه و سوره هود هم همین است.

این سوره از سوره های اولی است که در مکه نازل شده است، و اخبار وارده از شیعه و سنی نیز دلالت دارد بر این که واجبات روزانه در معراج، پنج نماز تشریع شده است. هم چنان که می بینیم در سوره اسری که بعد از معراج نازل شده است، پنج نماز ذکر شده است. (۱)

وجوب نمازهای یومیه، زمان و تقسیمات آن

۱- المیزان ج: ۲۸، ص: ۵۴.

وجوب نمازهای یومیه، زمان و تقسیمات آن (۲۹)

«اقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ...!» (۷۸ / اسری)

بنا بر روایات وارده از ائمه اهل بیت علیهم السلام، آیه شریفه از اول ظهر تا نصف شب را شامل می شود. و نمازهای واجب یومیه که در این قسمت از شبانه روز باید خوانده شود، چهار نماز است: ظهر و عصر و مغرب و عشاء، و با انضمام نماز صبح، که جمله «قرآن الفجر» بر آن دلالت دارد، نمازهای پنجگانه یومیه کامل می شود.

مراد از «قرآن الفجر» نماز صبح است، و چون مشتمل بر قرائت قرآن است آن را قرآن صبح خوانده است، چون روایات همه متفقند بر این که مراد به «قرآن الفجر» همان نماز صبح است.

(۳۰) تاریخ تشریع دین اسلام

آخر آیه ختم می شود به عبارت: «إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا!» که روایات از طرق عامه و خاصه متفقا این عبارت را تفسیر کرده اند به این که نماز صبح را هم ملائکه شب (در موقع مراجعت) و هم ملائکه صبح (در موقع آمدن) می بینند.

تفسیر «مشهود» بودن قرآن الفجر در روایات شیعه و سنی به این که هم ملائکه شب آن را می بینند و هم ملائکه روز، آن قدر در این

دو طایفه زیاد است که نزدیک است به حد تواتر برسد، و در بعضی از آن‌ها شهادت خدا و دیدن مسلمین نیز اضافه شده است. در این آیه، وجوب نمازهای پنجگانه و اوقات آن‌ها بیان شده است، و مؤید آن روایتی است که از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است، که فرمود: خداوند چهار نماز واجب کرده است. در یک قسمت زمانی که ابتدایش اول ظهر و آخرش نصف شب است، دو تا از ظهر تا غروب، یکی قبل از دیگری، و دو تا از اول غروب آفتاب تا نصف شب، که آن‌ها هم یکی از قبل از دیگری است.

وجوب نمازهای یومیه، زمان و تقسیمات آن (۳۱)

در روایات اسلامی، در تفسیر عیاشی از سعید بن مسیب از حضرت علی بن الحسین علیه‌السلام روایت کرده که گفت، به حضورش عرض کردم:

– نماز چه وقت بر مسلمانان واجب شد، آن طور که امروز واجب است؟ فرمود: – در مدینه، و بعد از قوت یافتن دعوت اسلام و وجوب جهاد بر مسلمانان، چیزی که هست آن روز به این صورت فعلی واجب نشد، بلکه هفت رکعت کمتر بود، و آن هفت رکعت را رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله اضافه نمود – دو رکعت در ظهر، دو رکعت در عصر، یک رکعت در مغرب، و دو رکعت در عشاء، ولی نماز صبح را به همان صورت که در مکه واجب شده بود، گذاشت، چون در هنگام صبح ملائکه روز در آمدن و ملائکه شب در رفتن عجله دارند، و لذا نماز صبح را برای این که هم آیندگان آن را با رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله درک کنند، و هم روندگان، به دو رکعت باقی گذاشت.

(۳۲) تاریخ تشریع دین اسلام

معنی آیه «إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا!» همین است، که هم مسلمانان آن را شاهدند و هم ملائکه شب و هم ملائکه روز! (۱)

۱- المیزان ج: ۴۰، ص: ۳۱۲.

وجوب نمازهای یومیه، زمان و تقسیمات آن (۳۳)

تشریع نماز جمعه

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ!» (۹/جمعه)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! وقتی در روز جمعه برای نماز جمعه اذان گفته می‌شود، تندتر بدوید و برای رسیدن به نماز از خرید و فروش و هر عملی که شما را از نماز باز دارد، دست بردارید!»

«جُمُعَه» روزی از هفته است که در عرب قدیم آن را «يَوْمُ الْعُرْوَةِ» می‌گفتند، و سپس جمعه‌اش خواندند، و این نام بیشتر مورد استعمال قرار گرفت.

(۳۴) تاریخ تشریع دین اسلام

«نماز جمعه» همان نمازی است که برای خصوص ظهر روز جمعه تشریع شد. «سعی به سوی ذکر خدا» دویدن به سوی نماز جمعه است.

«ذکر خدا» همان نماز است.

«ذَرُوا الْبَيْعَ» امر به ترک کسب و تجارت است، و به طوری که از سیاق بر می‌آید در حقیقت نهی از هر عملی است که انسان را از نماز باز دارد، حال چه خرید و فروش باشد و چه عملی دیگر، و اگر نهی را مخصوص به خرید و فروش کرد از این باب بوده که خرید و فروش روشن‌ترین مصداق اعمالی است که آدمی را از نماز باز می‌دارد.

این آیه وجوب نماز جمعه و حرمت معامله را در هنگام حضور نماز تأکید نموده است. در ضمن کسانی را که در حال خطبه نماز آن را رها کرده و به دنبال لهو و تجارت می‌روند، عتاب نموده و عملشان را عمل بسیار ناپسند دانسته است.

تشریع نماز جمعه (۳۵)

اما بعد از اتمام نماز می‌فرماید:

«چون نماز به پایان رسید، در زمین پراکنده شوید، و از فضل خدا طلب کنید، و خدا را بسیار یاد کنید، تا شاید رستگار شوید!» (۱۰ / جمعه)

مراد به پراکنده شدن در زمین، متفرق شدن مردم از مسجد به بیرون، و مشغول شدن در کارهای روزانه برای به دست آوردن فضل خدا، یعنی رزق و روزی است.

اگر از میان همه کارهای روزانه خصوصاً طلب رزق را نام برد، برای این بود که مقابل ترک کسب و بیع در آیه قبلی واقع شود، لکن از آن جایی که منظور از ترک کسب، همه کارهایی است که آدمی را از نماز باز دارد، لاجرم منظور از طلب رزق هم همه کارهایی است که عطیه خدای تعالی را در پی دارد، چه طلب رزق و چه عیادت مریض، و یا سعی در برآوردن حاجات مسلمین، و یا زیارت برادر دینی، یا حضور در

(۳۶) تاریخ تشریع دین اسلام

مجالس علم و کارهایی از این قبیل.

وقتی می‌فرماید: «خدا را زیاد یاد کنید!» این یاد خدا در نفس آدمی رسوخ می‌کند، و در ذهن نقش می‌بندد، و عوامل غفلت را از دل ریشه کن می‌سازد، و باعث تقوای دینی می‌شود، که خود مایه فلاح است: «وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ!» روایات وارده از ائمه اهل بیت علیهم‌السلام، و هم‌چنین از طریق اهل سنت متفقند که کاروانی از تجار وارد مدینه شد، و آن روز جمعه بود، و مردم در نماز جمعه شرکت کرده بودند، و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مشغول خطبه نماز بود. کاروانیان به منظور اعلام آمدن خود طبل و دایره کوبیدند، و مردم مسجد نماز و رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله را رها کرده و به طرف کاروانیان متفرق شدند. آیه زیر نازل شد:

«و چون در حین نماز از تجارت و لهوی با خبر می‌شوند، به سوی آن متفرق گشته و تو را

تشریع نماز جمعه (۳۷)

در حال خطبه سر پا رها می‌کنند، بگو!

«آن‌چه نزد خداست از لهو و تجارت بهتر است! و خدا بهترین روزی‌رسان است!» (۱۱ / جمعه)

در این قسمت از آیه، به رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله امر می‌کند که مردم را به خطائی که مرتکب شدند، آگاه کند، و بفهماند که کارشان چه قدر زشت بوده است!

منظور از عبارت «آن‌چه نزد خداست» ثوابی است که خدای تعالی در برابر شنیدن خطبه و موعظه در نماز جمعه عطا می‌فرماید. در کتاب فقیه روایت آمده که در مدینه هر وقت مؤذن در روز جمعه اذان می‌گفت، شخصی ندا در می‌داد که دیگر خرید و فروش نکنید، حرام است!

در روایت ابی‌الجارود از امام باقر علیه‌السلام آمده که... در آیه سوره جمعه عبارت

(۳۸) تاریخ تشریع دین اسلام

«فَاسْتَعِزَّوا» معنایش این است که برای نماز جمعه شارب (سیل) خود را کوتاه کنید، و موی زیر بغل را زایل سازید، و ناخن بگیرد و غسل کنید. این‌ها «سعی» برای نماز جمعه است. «سعی» برای روز قیامت هم همین است که آدمی خود را برای آن روز مهیا سازد!

۱- المیزان ج: ۴۰، ص: ۳۱۲.

تشریع نماز جمعه (۳۹)

فصل دوم: تاریخ تغییر قبله

تغییر قبله مسلمین از بیت المقدس به کعبه

«قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا» (۱۴۲ تا ۱۵۱/بقره)

ایامی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه بود، مسلمانان رو به قبله یهود و نصاری یعنی «بیت المقدس» نماز می خواندند. این برنامه تا چند ماهی بعد از هجرت آن جناب به

(۴۰)

مدینه نیز دوام داشت.

برگشتن قبله از بیت المقدس به «کعبه» یکی از بزرگترین رخدادهای دینی، و اهم احکام تشریعی است که مردم بعد از هجرت رسول الله صلی الله علیه و آله به مدینه با آن روبه رو شدند.

در این ایام بود که اسلام دست به انقلابی ریشه دار می زند، و معارف و حقایق خود را نشر می دهد. معلوم است که یهود و غیر یهود در مقابل این انقلاب ساکت نمی نشینند، چون می بینند اسلام یکی از بزرگترین مفاخر دینی آنان را که همان قبله ایشان بود از بین می برد، قبله ای که سایر ملل به خاطر آن تابع یهود بودند، و یهود در این شعار دینی متقدم بر آنان بودند.

این تغییر قبله باعث تقدم مسلمانان و دین اسلام می شود، و توجه تمامی امت

تغییر قبله مسلمین از بیت المقدس به کعبه (۴۱)

را یکجا جمع می کند، و همه در مراسم دینی به یک نقطه رو می کنند، و این تمرکز همه توجه ها به یک سو باعث نجات ایشان از تفرقه می شود، هم تفرق وجوه شان در ظاهر، و هم تفرق کلمه شان در باطن!

مسلمانان وحدت قبله، مخصوصا قبله شدن «کعبه» بر اتحاد مسلمین تأثیر بیشتر و قوی تری به جای می گذارد، و از سایر مراسم، مانند: دعا، و طهارت و غیره، بیشتر اهمیت پیدا می کند، و یهود و مشرکین را نگران می سازد، مخصوصا یهود را که به شهادت تاریخی که قرآن از آنان نقل می کند، مردمی هستند در تمام ادوار اگر حکمی از جانب خدا درباره امور محسوس آمده، مانند: قتال و هجرت و سجده و امثال آن، زیربار نرفته، و به شدیدتری وجهی مقاومت کرده اند.

در آیات پیشین همین سوره در قرآن کریم دیده می شود که زمینه سازی و

(۴۲) تاریخ تشریع دین اسلام

مقدمه چینی برای چنین تحول عظیمی تدارک دیده می شود: نزول آیات مربوط به داستان آمدن ابراهیم به مکه، و ساختن بنای کعبه، و مأموریت یافتن ابراهیم و اسماعیل در خصوص تطهیر خانه خدا برای عبادت، دعای آن دو بزرگوار برای کعبه، و امن شدن مکه، و اشاره به امت مسلمه ای که در دعایشان از آن یاد می کنند؛ همه و همه نشان می دهد که مسئله عظیمی در پیش است، و این نشانه های تاریخی که خدای تعالی درباره کعبه، در آیات مفصلی از قرآن کریم، از آن خبر داد، ذهن ها را برای پذیرش این تحول عظیم آماده ساخته بود، و شایستگی و واقعیت قبله شدن کعبه را در آیات مزبور به طور واضح نشان داده بود:

- «پس، تو را به زودی به سوی قبله ای بر می گردانیم، که دوست می داری، اینک! همین امروز! روی خود به سوی قسمتی از مسجد الحرام کن! و هر جا بودید، رو بدان سو کنید!

تغییر قبله مسلمین از بیت المقدس به کعبه (۴۳)

کسانی که «اهل کتاب» هستند، می‌دانند که این برگشتن به طرف کعبه حق است، و حکمی است از ناحیه پروردگارشان، و خدا از آن چه می‌کنند، غافل نیست!» (۱۴۴ / بقره)

از بررسی تحلیلی در آیات فوق فهمیده می‌شود که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله قبل از نازل شدن حکم تغییر قبله، یعنی نازل شدن این آیات، روی خود را در اطراف آسمان می‌گردانده، و گویا انتظار رسیدن چنین حکمی را می‌کشیده است، و یا توقع رسیدن وحیی در امر قبله داشته است، چون دوست می‌داشته خدای تعالی با دادن قبله‌ای مختص به او و امتش، احترامش کند، نه این که از قبله بودن بیت المقدس ناراضی بوده باشد، چون حاشا به رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله از چنین تصویری! فقط از آیه فهمیده می‌شود که آن جناب قبله اختصاصی را دوست می‌داشته است!

از روایات وارده در مورد این حادثه تاریخی، و در مورد شأن نزول آیه آن بر می‌آید

(۴۴) تاریخ تشریع دین اسلام

که یهودیان مسلمانان را سرزنش می‌کرده‌اند که شما قبله ندارید، و از قبله ما استفاده می‌کنید، و با بیت المقدس به مسلمانان فخر می‌فروختند، و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از این بابت ناراحت می‌شد.

شبی، آن نبی رحمت در تاریکی از خانه بیرون شد، و رو به سوی آسمان گردانید، منتظر بود وحیی از ناحیه خدای سبحان برسد، و این اندوهش را زایل سازد، پس آیه فوق نازل شد.

آیه شریفه، قبله‌ای جدید برای مسلمانان معرفی کرد، و سرزنش یهود و تفاخر آن‌ها را خاتمه داد!

آیه شریفه، بار اول حکم را مختص به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله کرده و سپس حکم را عمومیت داده، و به آن جناب و به عموم مؤمنین خطاب شده است. این خود مؤید این احتمال است

تغییر قبله مسلمین از بیت المقدس به کعبه (۴۵)

که آیه نامبرده وقتی نازل شد که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله با مسلمانان مشغول نماز بوده است. معلوم است در چنین وضعی اول باید به پیش‌نماز بگویند: روی خود به جانب مسجد الحرام بکن، و بعدا به عموم بگویند: شما هم روی خود را برگردانید، و برای همیشه، و بر همه مسلمانان واجب است که این کار را بکنند:

- «هرجا بودید، روی خود بدان سو کنید!» (۱۴۴ و ۱۵۰ / بقره) (۱)

۱- المیزان ج: ۲، ص: ۱۹۰.

(۴۶) تاریخ تشریع دین اسلام

تغییر قبله، و پی‌آمدهای آن

«ما جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ...!»

(۱۴۳ و ۱۵۰ / بقره)

خدای متعال، فلسفه تغییر قبله، و تحولی را که بدین سان در شئون جامعه اسلامی بار آورد، و مسائلی را که در این زمینه وجود داشت، و توهم و ابهاماتی را که احیاناً در سینه مؤمنین ممکن بود خلجان کند، با آیات بالا پاسخ گفته و دفع فرموده است. آن توهم این بود که فلسفه برگرداندن قبله، و نسخ قبله قبلی چه بوده است؟ تکلیف نمازهایی که تاکنون به قبله قبلی، یعنی بیت المقدس، خوانده شده، چه خواهد بود؟

تغییر قبله، و پی‌آمدهای آن (۴۷)

وقتی بنا بود خدای تعالی کعبه را قبله مسلمین قرار دهد، چرا از همان روز اول نکرد، و گذاشت تا مدتی مسلمانان رو به بیت المقدس نماز بخوانند...؟

خدای تعالی چنین فرمود:

«... و ما آن قبله را که رو به آن می‌ایستادی، (یعنی بیت المقدس را) قبله نکردیم، مگر برای این که معلوم کنیم، چه کسی رسول را پیروی می‌کند، و چه کسی به عقب بر می‌گردد، هر چند که این آزمایش جز برای کسانی که خدا هدایتشان فرموده، بسیار بزرگ است...!» - «... و کسانی که اهل کتابند، می‌دانند که این برگشتن به طرف کعبه حق است، و حکمی است از ناحیه پروردگارشان، و خدا از آن چه می‌کنند، غافل نیست!»

«... و از هر جا بیرون شدی، رو به سوی مسجدالحرام کن! و هر جا هم که بودید روی بدان سوی کنید، تا دیگر مردم را حجتی علیه شما نباشد، مگر آنان که ستمکارند، پس از آنان

(۴۸) تاریخ تشریع دین اسلام

مترس و فقط از من بترس، تا نعمتم را بر شما تمام کنم؛ باشد که راه را بیابند!»

فلسفه تغییر قبله

خدای تعالی برای روشن شدن فلسفه این تغییر قبله، خاطرنشان فرمود که - تشریع احکام جز به خاطر مصالحی که برگشتش به تربیت و تکمیل مردم است، صورت نمی‌گیرد. و منظور از تشریع احکام هم تربیت و تکمیل مردم است، و هم جداسازی مؤمنین از غیر مؤمنین، و هم مشخص کردن فرمانبران از عاصیان متمرّد، و آن سببی که باعث شد قبله یهودیان را مدتی قبله شما مسلمانان قرار دادیم عیناً همین‌ها بود که گفتیم.

خدای تعالی با تأکید بر کلمه «رسول» در آیه مشخص فرموده که «صفت رسالت» در این جداسازی دخالت داشته است! فلسفه تغییر قبله (۴۹)

تکلیف نمازهای گذشته

یکی دیگر از توهّمات این بود که آن نمازهایی که مسلمانان به سوی بیت المقدس خواندند، تکلیفش چیست؟ چون ظاهراً نماز به غیر قبله بوده و باید باطل باشد، که خدای تعالی از این ابهام پاسخ فرموده: قبله مادام که نسخ نشده قبله است، چون خدای تعالی هر وقت حکمی را نسخ می‌کند، از همان تاریخ نسخ از اعتبار می‌افتد نه این که وقتی امروز نسخ کرد دلیل باشد بر این که در سابق هم بی اعتبار بوده است. و این خود از رأفت و رحمتی است که به مؤمنین دارد!

- «خداوند ایمان شما را ضایع نمی‌گرداند، خدا به مردم رثوف و رحیم است!» (۱۴۳/بقره)

(۵۰) تاریخ تشریع دین اسلام

اطلاع یهود از تغییر قبله مسلمین

یهود در کتاب‌های آسمانی خود خوانده بودند که قبله پیامبر اسلام «کعبه» است، نه بیت المقدس، هم چنان که قرآن شریف می‌فرماید:

- «آن‌ها که دارای کتاب آسمانی هستند، می‌دانند که آن حق است، و از جانب پروردگارشان می‌باشد!» (۱۴۴/بقره)

اگر حکم تغییر قبله نازل نمی‌شد، حجت یهود علیه مسلمین تمام بود، یعنی می‌توانستند بگویند که این شخص پیغمبری نیست که

انبیاء گذشته وعده آمدنش را داده بودند، ولی بعد از آمدن حکم تغییر قبله و التزام به آن، و عمل بر طبق آن، حجت یهود را از دستشان می‌گیرد، مگر افراد ستمگری از ایشان که زیر بار نروند!

اطلاع یهود از تغییر قبله مسلمین (۵۱)

(۵۲) تاریخ تشریع دین اسلام

منافع مسلمین در تغییر قبله

مسلمین با آمدن این فرمان به سه نعمت از طرف خداوند مهربان نایل شدند: اول: این که وعده‌ای که پروردگارشان در کتاب‌های آسمانی قبلی داده بود، به وقوع پیوست، و حجت علیه یهود تمام شد.

دوم: این که پی‌گیری و ملازمت این حکم، مسلمانان را به سوی تمامیت نعمتشان، و کمال دینشان سوق می‌دهد.

سوم: این که در آخر آیه فرمود: «لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ!» بدین ترتیب خدای تعالی اظهار امیدواری به هدایت مسلمانان به سوی صراط مستقیم کرده است. (۱)

۱- المیزان ج: ۲، ص: ۲۰۳.

منافع مسلمین در تغییر قبله (۵۳)

نیاز به داشتن قبله و طرز قبله‌یابی

تشریع قبله در اسلام، و اعتبار وجوب خواندن نماز رو به قبله، نمازی که عبادت عموم مسلمین جهان است، و هم‌چنین وجوب ذبح حیوان رو به قبله، و سایر مستحبات مانند: خوابیدن، نشستن، و وضو گرفتن رو به قبله، (و حرام بودن نشستن در توالی رو به قبله)، جملگی باعث شده که مردم برای پیدا کردن قبله شهر خود، اقدام کنند.

چون در ابتدای امر، تشخیص قطعی قبله برای مردم دور از مکه فراهم نبود، ناگزیر با حدس و گمان به تخمین آن اکتفا می‌کردند. رفته‌رفته ریاضی‌دانان با استفاده از جدول‌هایی که در «زیج» نجم به کار می‌رفت، اقدام به تهیه عرض و طول جغرافیایی شهرها کردند،

(۵۴) تاریخ تشریع دین اسلام

و با مقایسه عرض آن با خط استوا و انحراف به سوی شرق یا غرب از طریق حساب «جوب و مثلثات» نسبت به تعیین دقیق‌تر قبله اقدام نمودند. سپس به وسیله «دائرة هندیه» این حساب را برای تمامی افق‌ها و شهرهای مسلمان‌نشین به عمل آوردند.

بعد از آن به جای این حساب از «قطب‌نما» استفاده کردند، ولی عملاً به اشتباهاتی برخوردند که صحت قطعی نظریه خود را نتوانستند به ثبوت برسانند.

در زمینه تعیین چگونگی درجات کم کم مشکل پیدا کردن قبله صحیح شهرها نیز به صحت بیشتری نزدیک شد، تا این که شیخ فاضل و استاد شهیر ریاضی، «مرحوم سردار کابلی» برای حل این مشکل کمر همت بست، و انحراف قبله را با اصول جدید استخراج نمود، و در رساله‌ای در این باره به نام «تُخْفَةُ الْأَجَلَّةِ فِي مَعْرِفَةِ الْقِبْلَةِ» در اختیار همگان گذاشت، که در آن طریقه استخراج قبله را با بیان ریاضی

نیاز به داشتن قبله و طرز قبله‌یابی (۵۵)

روشن ساخت و جدول‌هایی برای تعیین قبله هر شهری رسم کرد.

از جمله رموزی که وی موفق به کشف آن گردید - و خدا جزای خیرش دهد! - کرامت و معجزه باهره‌ای بود که برای رسول الله صلی الله علیه و آله در خصوص قبله محرابش در مسجد مدینه اثبات و اظهار کرد.

دانشمندان قبلاً با حساب‌هایی که می‌کردند به نتیجه رسیده بودند که محراب مسجدالنبی در مدینه رو به قبله نبوده است، ولی از طرف دیگر چون ممکن نبود رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله در ایستادن به طرف قبله و بنای مسجد رو به آن طرف اشتباه کند، لذا مسئله پیچیده شده بود، که مرحوم «سردار کابلی» این معنا را روشن ساخت که محاسبات دانشمندان اشتباه بوده است، و محراب مسجد النبى با محاسبه ایشان دقیقاً رو به کعبه بوده است.

(۵۶) تاریخ تشریع دین اسلام

آن وقت روشن شد که در قرن‌ها قبل که اثری از این محاسبات نبود، و در حالی که آن‌جناب در حال نماز بود، وقتی به طرف کعبه برگشت، درست به طرفی برگشته که اگر خطی از آن طرف به طرف کعبه کشیده شود، به خود کعبه برمی‌خورد، و این خود کرامت باهر و روشن است، «صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ!»

بعد از مرحوم سردار کابلی، مرحوم مهندس فاضل «سرتیپ عبدالرزاق بغیری» برای بیشترین نقطه زمین قبله‌ای استخراج کرد، و در رساله‌ای در شناخت قبله نوشت و در آن جدول‌هایی ترسیم کرد که حدود ۱۵۰۰ نقطه از نقاط مسکونی زمین را نام برد. با تدوین این رساله بحمد الله نعمت تشخیص قبله به کمال رسید - مثلاً شهر تهران با عرض جغرافیایی (۳۵ درجه و ۴۱ دقیقه و ۳۸ ثانیه) و طول جغرافیایی (۵۱ درجه و ۲۸ دقیقه و ۵۸ ثانیه) مشخص گردید - و محاسبات ریاضی و نجومی تکمیل یافت.

نیاز به داشتن قبله و طرز قبله‌یابی (۵۷)

از لحاظ استفاده از قطب‌نما نیز اشکال این بود که دو قطب مغناطیسی زمین با دو قطب جغرافیایی آن منطبق نیست، و در عین حال که قطب مغناطیسی به مرور زمان تغییر می‌کند، بین قطب شمال جغرافیایی با آن حدود هزار مایل فاصله وجود دارد. بالاخره، مهندس فاضل و ریاضی‌دان عالیقدر «مرحوم سرتیپ حسینعلی رزم‌آرا» در سال ۱۳۳۲ شمسی این مشکل را حل کرد، و انحراف قبله را از دو قطب مغناطیسی در هزار نقطه مسکونی کره زمین مشخص ساخت، برای سهولت کار «قبله‌نمایی» اختراع کرد که به تخمین نزدیک به یقین می‌تواند قبله را در هر جا مشخص کند. و این «قبله‌نما» در حال حاضر مورد استفاده می‌باشد. (۱)

۱- المیزان ج: ۲، ص: ۲۲۳. بحث علمی

(۵۸) تاریخ تشریع دین اسلام

سال تغییر قبله

«قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...!» (۱۴۹/بقره)

از روایاتی که از ائمه اهل بیت علیهم‌السلام نقل شده، جزئیات بیشتری از لحاظ زمان وقوع رویداد تاریخی تغییر قبله مسلمین به طرف کعبه و چگونگی الهام‌وحی آن به رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله مشخص می‌گردد، که ذیلاً این جزئیات نقل می‌شود: - «قبله وقتی از بیت المقدس به سوی کعبه برگشت که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله سیزده سال در مکه نماز به سوی بیت المقدس خوانده بود، و بعد از مهاجرت به مدینه نیز،

سال تغییر قبله (۵۹)

هفت ماه به همان سو نماز خواند، و آن وقت خدای تعالی او را به طرف مکه برگردانید.

یهودیان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را سرزنش می‌کردند و می‌گفتند: تو تابع مایی و به سوی قبله ما نماز می‌گزاری! رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از این سرزنش دچار اندوهی سخت شد، و در نیمه شبی از خانه بیرون شد، و به آفاق آسمان نگاه می‌کرد، و منتظر بود از ناحیه خدای تعالی در این خصوص امری صادر شود.

فردای آن شب، وقتی هنگام نماز ظهر شد، آن جناب در مسجد «بنی سالم» بود، و دو رکعت از نماز ظهر را خواند، که جبرئیل نازل

شده و دست به دو شانه آن حضرت گذاشت، و او را به طرف کعبه برگردانید، و آیه «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ...» را بر او نازل کرد، و در نتیجه آن حضرت دو رکعت از یک نماز را به سوی بیت المقدس، و دو رکعت دیگرش را به سوی کعبه خواند.

(۶۰) تاریخ تشریع دین اسلام

بعد از این جریان سر و صدای یهود و مردم نفهم بلند شد که چرا از قبله‌ای که داشت، برگردید! (نقل از امام صادق علیه السلام در مجمع البیان از تفسیر قمی) از نظر تاریخ تغییر قبله، روایات زیادی نقل شده که بیشتر آن‌ها تاریخ تحویل قبله را در ماه رجب سال دوم از هجرت، یعنی ماه هفدهم از هجرت می‌دانند، و صحیح‌تر هم همین است. در کتاب فقیه آمده که:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله سیزده سال در مکه و نوزده ماه در مدینه به طرف بیت المقدس نماز خواند... (بعد از شرح جزئیات شب مورد اشاره در آیه می‌گوید):

... فردای آن شب هم نماز صبح را رو به بیت المقدس خواند، و هم دو رکعت از نماز ظهر را، سر دو رکعت، جبرئیل آمد و آیه را وحی کرد و آن گاه دست آن جناب را

سال تغییر قبله (۶۱)

گرفت و رو به کعبه‌اش کرد.

مردمی هم که پشت سرش به نماز ایستاده بودند، رو به کعبه شدند، به طوری که زنان جای فعلی مردان را گرفتند، و مردان جای فعلی زنان را، و این نماز ظهر اولش به سوی بیت المقدس، و آخرش به سوی کعبه واقع شد. بعد از نماز ظهر خبر به مسجدی دیگر در مدینه رسید، اهل آن مسجد دو رکعت از عصر را خوانده بودند، دو رکعت دیگر را به طرف کعبه برگشتند. آن‌ها نیز اول نمازشان به سوی بیت المقدس و آخرش به سوی کعبه شد... و مسجد قبلتین همان مسجد است.»

قمی نظیر این روایت را کرده ولی گفته که رسول خدا صلی الله علیه و آله خودش (در مدینه) بلکه در مسجد بنی سالم نماز می‌خواند که این جریان واقع شد. (۱)

۱- المیزان ج: ۲، ص: ۲۱۶.

(۶۲) تاریخ تشریع دین اسلام

تغییر قبله و منازعات یهود

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ...»

(۹۶ و ۹۷ / آل عمران)

موضوع تبدیل و تحویل قبله، یکی از اساسی‌ترین موضوعاتی بود که در حیات مادی و معنوی اهل کتاب - مخصوصاً یهود - تأثیرات عمیقی داشت. یهودیان «نسخ» در دین را مخالف دین می‌دانستند، لذا پس از نزول حکم قبله و تحویل آن به سوی کعبه، تغییر قبله و منازعات یهود (۶۳)

بحث‌ها و مشاجرات بین آنان و مسلمان تا زمان طولانی ادامه داشت.

یهود این موضوع را در بین مسلمانان برای ایجاد شبهه در دین اسلام القاء می‌کرد که - چگونه خانه کعبه در دین ابراهیم می‌توانست قبله باشد، با این که خداوند بیت المقدس را قبله قرار داده است؟ آیا چنین سخنی غیر از قائل شدن به وجود حکم نسخ در دین حق ابراهیم چیز دیگری خواهد بود؟ با این که نسخ خود محال و باطل است! (این بود نظر یهود)

اما قرآن شریف پاسخ شبهات آن‌ها را در آیات فوق داده و فرموده:

- «اول خانه‌ای که جهت عبادتگاه مردم نهاده شده، خانه «مکه» است، که در آن برکت و هدایت جهانیان است. در آن آیات الهی مشخصی وجود دارد: مقام ابراهیم، امنیت کسانی که وارد مکه می‌شوند، تشریع حج از طرف خدا برای صاحبان استطاعت (۶۴) تاریخ تشریع دین اسلام

مالی، که هر کس کفر ورزد - یعنی آن را ترک کند - خدا از جهانیان بی‌نیاز است! پس جواب یهود چنین داده شد که: بدون شک «کعبه» را ابراهیم قبل از بنای بیت المقدس محل عبادت قرار داد، چنانکه در آن نشانه‌هایی برای این موضوع هست، مانند: «مقام ابراهیم» و غیر آن. اما بیت المقدس را سلیمان نبی بنا کرده است که قرن‌ها بعد از ابراهیم علیه‌السلام بوده است! قرآن کریم دلالت دارد بر این که عمل تشریع حج نیز به وسیله ابراهیم علیه‌السلام پس از پایان یافتن بنای خانه کعبه صورت گرفته است: «وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ!» (۱۲۵ / بقره) (۱)

۱- المیزان ج: ۲، ص: ۲۱۶.

تغییر قبله و منازعات یهود (۶۵)

پاسخ اعتراضات یهود درباره قبله

«سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّيَهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا؟» (۱۴۲ / بقره)

خدای تعالی در قرآن کریم خبر داد که به زودی یهود بر مسئله تغییر قبله اعتراض خواهند کرد، لذا به رسول گرامی خود تعلیم کرد که چگونه اعتراض آن‌ها را پاسخ گوید.

اعتراض آن‌ها این بود که خدای تعالی از قدیم الایام بیت المقدس را برای انبیای

(۶۶) تاریخ تشریع دین اسلام

گذشته‌اش قبله قرار داده بود، و تغییر آن به سوی کعبه، چه وجهی داشت؟ اگر این تغییر به امر خدا باشد، چگونه حکم شرعی خود را عوض می‌کند؟ و اگر به امر خدا نیست، آیا پیامبر از جانب خود حکم خدا را عوض کرده است...؟ خدای تعالی قبلاً در آیات زیر برای آن‌ها پاسخ لازم نازل و بر پیامبر گرامی خود یاد داده بود:

- «به زودی سفیهانی از میان مردم خواهند پرسید: چه انگیزه‌ای مسلمانان را از قبله‌ای که رو بدان نماز می‌کردند، برگردانید؟ بگو! - مشرق و مغرب از آن خداست، او هر که را خواهد به صراط مستقیم هدایت می‌کند.

- ما شما را امتی وسط قرار دادیم تا شاهدان بر سایر مردم باشید، و رسول بر شما شاهد باشد، و ما، آن قبله را که رو به آن می‌ایستادی، قبله نکردیم مگر برای این که معلوم کنیم چه کسی رسول را پیروی می‌کند! و چه کسی عقب بر می‌گردد، هر چند این آزمایش جز برای

پاسخ اعتراضات یهود درباره قبله (۶۷)

کسانی که خدا هدایتشان کرده، بسیار بزرگ است، و خدا هرگز ایمان شما را بی‌اثر نمی‌گذارد، که خدا به مردم بسیار رئوف و رحیم است...!»

خداوند متعال به رسول گرامی خود تعلیم داده بود که این را بگوید تا بفهمند که تمامی جهات ملک خداست، و او هر حکمی را که می‌راند، هر زمان طبق مصلحت، و به منظور هدایت به سوی صراط مستقیم و کوتاه‌ترین راه به سوی کمال قوم و صلاح ایشان است.

دلیل خطاب آن‌ها به سفاهت، که منظور یهود و مشرکین عرب است، بدان جهت بوده که آن‌ها فطرتشان مستقیم نیست، و رأی‌شان

در مسئله تشریع دین خطاست. (۱)

۱- المیزان ج: ۲، ص: ۱۹۲.

(۶۸) تاریخ تشریع دین اسلام

توطئه یهود در امر قبله

«وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ...» (۷۲ و ۷۳/آل عمران)

در موضوع تغییر قبله مسلمین از بیت المقدس به کعبه، یهودیان مدینه به توطئه‌هایی علیه مسلمین و رسول اکرم اسلام صلی الله علیه و آله دست زدند که قرآن شریف در آیات فوق پرده از روی این اعمال برداشته است:

«طائفه‌ای از اهل کتاب (یهود) بعضی به بعض دیگر گفتند: پیغمبر و پیروانش را در نماز

توطئه یهود در امر قبله (۶۹)

اول روز که به جانب بیت المقدس خواندند، تصدیق کنید، و لکن نماز آخر روزشان را که به جانب کعبه خواندند، تصدیق مکنید!

هم چنین گفتند: به غیر خودتان وثوق و اطمینان نکنید (یعنی به مؤمنین)، و به آنان خبر تحویل قبله را به سوی کعبه که از شواهد نبوت پیغمبر موعود است، اظهار مدارید! زیرا در تصدیق نمودن امر کعبه و افشاء و اظهار داشتن آن، دو محذور برایتان پیش می‌آورد: یکی این که در آن صورت برای مؤمنین هم قبله‌ای مانند قبله شما درست می‌شود، و در نتیجه آقایی و تقدمتان در موضوع قبله از بین می‌رود.

دوم آن که اگر افشاء و اظهار حقانیت تحویل قبله را به جانب کعبه نمودید، نزد پروردگارتان با شما احتجاج کرده و می‌گویند: خدایا، اینان با عالم بودن به حقانیت قبله جدید، ایمان نیاوردند!

(۷۰) تاریخ تشریع دین اسلام

خدای متعال هم از سخن ابتدایی آن‌ها (ایمان آوردن به نماز اول روز و تصدیق نمودن نماز به سوی کعبه، و هم چنین موضوع کتمان داشتن آن به منظور هدایت پیدا نکردن مؤمنین)، پاسخ داده و می‌فرماید:

«هدایتی که مؤمنین بدان محتاجند، و در واقع هدایت و راهنمایی حقیقی نیز همان است، همان هدایت الهی می‌باشد، نه هدایت و راهنمایی شما، که مؤمنین از راهنمایی شما بی‌نیازند.

شما چه ایمان آورید و چه راه کفر را طی کنید، چه امر قبله را افشا کنید و چه مخفی دارید، به هر حال برای آنان چندان تأثیری ندارد.

خدای متعال سپس از سخن دیگر ایشان (یعنی ترس از قبله‌دار شدن مؤمنین و قدرت بر احتجاج نمودن با یهود نزد پروردگارشان)، پاسخ می‌دهد و می‌فرماید:

«فضل در دست خداست، و به هر که خواهد عطا می‌کند، نه آن که در دست

توطئه یهود در امر قبله (۷۱)

شما باشد، تا قدرت بر نگهداری آن برای خود و منع نمودن از دیگران داشته باشید! (۱)

۱- المیزان ج: ۲، ص: ۲۱۶.

(۷۲) تاریخ تشریع دین اسلام

(۷۳)

فصل سوم: تشریع روزه

مقرر شدن روزه بر مسلمین

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ...!» (۱۸۳ تا ۱۸۵ / بقره)

خداوند متعال در قرآن شریف می‌فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما مقرر گردیده، همانگونه که بر پیشینیان شما

(۷۴)

مقرر شده، شاید پرهیزکاری کنید، در روزهایی چند، و هر کس از شما بیمار یا در سفر بود، چندی از روزهای دیگر، و بر کسانی که روزه بر ایشان طاقت فرساست، بدلی مقرر شده، و آن خوراک بینوایی است! و هر کس به دلخواه کار نیکی را انجام دهد، برایش بهتر است، و روزه داشتن نیک است، اگر بدانید!»

سابقه روزه در ادیان دیگر

به طوری که از ظاهر آیه استفاده می‌شود، منظور از این که فرمود: «روزه به امت‌های پیشین نیز واجب بوده»، امت‌های پیشین از پیروان پیغمبران قبل از اسلام است، مانند: امت موسی و عیسی علیهما السلام، ولی این آیه در مقام بیان این معنی نیست که تمام امت‌های گذشته و پیروان جمیع پیامبران، مکلف به روزه گرفتن بوده‌اند

سابقه روزه در ادیان دیگر (۷۵)

و یا در صدد بیان این که روزه‌ای که بر ایشان واجب بوده، از هر حیث مثل روزه‌ای است که بر این امت واجب شده، نیز نمی‌باشد، بلکه از نظر اصل روزه است، نه از نظر وقت و سایر مشخصات.

در قرآن کریم تعیین نشده که این پیشینیان چه کسانی هستند، جز این که از ظاهر عبارت «كَمَا كُتِبَ» بر می‌آید که اهل دین آسمانی بوده‌اند، و روزه بر ایشان واجب بوده است.

در تورات و انجیل فعلی که در دست یهودیان و مسیحیان است چیزی که دلالت بر وجوب روزه بکند، نیست، فقط آن را بزرگ شمرده و ستوده‌اند. ولی در عین حال تا به امروز در سال چند روزی را به اشکال مختلف روزه می‌گیرند. مثل روزه‌ای که در آن خوردن گوشت یا خوردن شیر یا مطلق خوردن و آشامیدن را ترک می‌نمایند.

(۷۶) تاریخ تشریع دین اسلام

در قرآن کریم از قضیه روزه زکریا علیه السلام و روزه مریم سلام الله علیها، فقط ترک سخن گفتن آنان را نقل فرموده است. اساساً عبادت بودن روزه امری است که فطرت انسانی خود به آن پی می‌برد، و از طوایفی هم که پیرو ادیان آسمانی نبوده‌اند، مثل مصر و یونان و روم قدیم نیز نقل شده است. بت پرستان هند نیز به روزه معتقد بوده‌اند، و هم‌اکنون طبق عقاید خود روزه می‌گیرند.

مقدمه چینی برای تشریع روزه

دو آیه فوق‌الذکر در قرآن کریم، نسبت به آیه سومی جنبه مقدمه دارد، چون که گوینده در صدد بیان وظیفه‌ای نسبتاً سنگین و دشوار بوده و احتمال تمرد

مقدمه چینی برای تشریع روزه (۷۷)

و سرپیچی درباره آن می‌رفته است، لذا برای این که شنوندگان آماده دریافت حکم شوند، و دچار اضطراب و نگرانی نگردند، مطالبی را به طور مقدمه بیان فرموده است، تا ذهن مخاطب را با ملایمت متوجه تشریع حکم روزه بکند. مطالبی که ذکر شده انواع تخفیفات و تسهیلاتی است که در تشریع این حکم به کار رفته، و منافعی است که در دو جهان برای او در بر خواهد داشت.

از این رو، بعد از ذکر واجب شدن روزه، بلافاصله می‌فرماید: شما تنها امتی نیستید که مکلف به روزه گرفتن شده‌اید، بلکه این حکم درباره پیشینیان شما از امت‌های گذشته نیز بوده است.

علاوه بر این که امید است در سایه عمل به حکم روزه «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ!» چیزی را که به مقتضای ایمانتان می‌جوئید، بیابید، و آن همان «تقوی» است، که بهترین توشه کسانی

(۷۸) تاریخ تشریع دین اسلام

است که به خدا و روز جزا ایمان دارند.

سپس اشاره می‌کند به مدت معدود و اندک آن که شامل همه اوقات نخواهد شد.

آن‌گاه، تخفیفاتی را که در نظر گرفته شده، می‌شمارد، و می‌فرماید: ما رعایت حال کسانی را که مشکل دارند، کرده‌ایم، حتی کسانی که اصلاً طاقت روزه را ندارند باید «فدیه» بدهند، و بینوایی را غذا دهند.

پس سزاوار است روزه را از روی علاقه و رغبت به جای آورید، و در انجامش سنگینی و کراهت به خود راه ندهید!

مقدمه‌چینی برای تشریع روزه (۷۹)

فرمان تشریع روزه ماه رمضان

بعد از این مقدمات هفتگانه، دستور روزه گرفتن را با عبارت «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ!» در آیه سوم صادر می‌فرماید، که فرمان تشریع است:

– «... ماه رمضان، که قرآن در آن نازل شده... هر کس از شما ماه رمضان را درک کند، باید روزه بدارد...!» (۱۸۵ / بقره)

تشریع این حکم برای این است که کسانی که ایمان آورده‌اند، متقی و پرهیزکار شوند، نه این که پروردگار عالمیان نیازی به روزه گرفتن مؤمنین داشته باشد! لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ!

آن‌چه به حال عموم مردم مناسب است، این است که در امور مورد نیاز همگان

(۸۰) تاریخ تشریع دین اسلام

مانند: خوردن و آشامیدن و تمایل جنسی، از شهوات مشروع خودداری کنند، تا به واسطه این تمرین اراده‌شان تقویت شود، و بتوانند از شهوت‌های نامشروع نیز خودداری نمایند، و به سوی پروردگارشان تقرب جویند، زیرا کسی که بخواهد با عالم قدس و طهارت ارتباط پیدا کند، باید از هر چیز که او را از خدا باز می‌دارد، دوری گیرند!

کسی که در امور مشروع و مباح دعوت خدا را اجابت کند و خودداری نماید، می‌تواند در امور غیرمشروع و حرام، بهتر جلو خود را بگیرد، و اطاعت فرمان خدا را بنماید! زمان اجرای این فرمان را خدای متعال، شهر رمضان قرار می‌دهد، و روزهای معدودی که در آیه ذکر می‌فرماید، همان روزهای ماه مبارک رمضان است.

ماه رمضان، ماه نهم از ماه‌های عربی است، که بین شعبان و شوال واقع شده است. در قرآن کریم، هیچ ماهی جز ماه رمضان با نام ذکر نشده است.

فرمان تشریع روزه ماه رمضان (۸۱)

ماه رمضان ماه نزول قرآن است. حقیقت قرآن در ماه رمضان دفعتاً بر قلب پیغمبر گرامی خدا نازل شد، ولی تفصیل آن در مدت پیغمبری آن حضرت به تدریج نازل گردید. (۱)

تغییر شرایط روزه در جنگ خندق

«أَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ...!» (۱۸۷ / بقره)

در تفسیر قمی از حضرت امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «خوردن و

۱- المیزان ج: ۳، ص: ۲.

(۸۲) تاریخ تشریع دین اسلام

آمیزش در شب‌های ماه رمضان بعد از خواب حرام بود، یعنی هر کس نماز عشاء را می‌خواند و افطار نکرده می‌خوابید، موقعی که بیدار می‌شد، حرام بود افطار کند، و هم‌چنین آمیزش با زنان در شب و روز ماه رمضان ممنوع بود.

مردی از یاران پیغمبر صلی الله علیه و آله به نام «خوات بن جبر انصاری» پیرمرد سالخورده‌ای ناتوان بود، و در جنگ خندق مانند پیغمبر صلی الله علیه و آله روزه دار بود. شامگاهان نزد همسرش آمد و غذا خواست، گفتند: نخواب تا غذایی تهیه کنیم. ولی او خسته بود، و آوردن غذا هم قدری طول کشید و خواب او را در ربود. وقتی که بیدار شد به همسرش گفت: امشب افطار بر من حرام شد، و بامدادان با همان حال گرسنگی برای کندن خندق حاضر شد، و در این بین از شدت گرسنگی بیهوش گردید. حضرت او را دید و بر حالش رقت آورد.

یک دسته از جوانان هم بودند که شب‌های ماه رمضان پنهانی با زنان خود در

تغییر شرایط روزه در جنگ خندق (۸۳)

می‌آمیختند، لذا خدای متعال این آیه را نازل فرمود:

– «آمیزش با زنان در شب روزه برای شما حلال شد، ایشان پوشاک شما هستند، و شما پوشاک ایشانید، خدا دانست که شما به خودتان خیانت می‌کردید، بر شما عطف توجه کرد، و از شما درگذشت. اکنون با آنان درآمیزید، و آنچه خدا برایتان مقرر فرموده، بجویند و بخورید و بیاشامید تا رشته سیاه از رشته سفید صبحدم برایتان نمایان گردد، سپس روزه را تا شامگاه به پایان رسانید، و در حالی که در مسجدها معتکف هستید با زنان درنمایید! این‌ها حدود خدا هستند، بدانها نزدیک نشوید! بدینسان، خدا آیات خود را برای مردم بیان می‌کند، شاید پرهیزکاری کنند!» (۱۸۷ / بقره)

بدین ترتیب، اجازه آمیزش در شب روزه داده شد، و هم‌چنین خوردن بعد از خواب تا طلوع فجر جایز گردید.

(۸۴) تاریخ تشریع دین اسلام

مضمون این حدیث را کلینی و عیاشی و دیگران نیز در روایات متعددی نقل کرده‌اند، و همه آن‌ها معتقدند که سبب نازل شدن آیه فوق داستان «خوف انصاری» و سبب نازل شدن حلیت آمیزش، قضیه جوانان است. (۱)

۱- المیزان ج: ۳، ص: ۶۷.

تغییر شرایط روزه در جنگ خندق (۸۵)

فصل چهارم: تاریخ کعبه و تشریع حج

اولین خانه عبادت در جهان

اولین خانه عبادت در جهان

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ...!»

(۹۶ تا ۹۷ / آل عمران)

قرآن کریم در آیه فوق تاریخ بنای کعبه و هدف از ساخت آن را به مردم اعلام می‌دارد.

(۸۶)

۱- هدف بنای کعبه

منظور از این که می‌فرماید:

«اول خانه‌ای که جهت عبادتگاه مردم نهاده شده، خانه مکه است.» بنا کردن آن برای عبادت و پرستش خداست، تا مردم آن را وسیله عبادت حق قرار داده، و از مسافت‌های دور به قصد زیارتش بیایند، و در آن مکان به پرستش خدای متعال بپردازند. دلیل بر این موضوع، خود آیه شریفه می‌باشد، که خانه کعبه را «مبارک و میمون» معرفی کرده است، و در عین حال آن را «راهنما و هدایت کننده جهانیان» دانسته است!

خود لفظ «بکّه» نیز دلیل دیگری به این معناست، زیرا در کلمه «بکّه» اشاره‌ای

اولین خانه عبادت در جهان (۸۷)

به ازدحام آوردن مردم نزد خانه کعبه می‌باشد، که برای طواف و نماز و سایر عبادات به آنجا هجوم می‌آورند.

۲- نامگذاری کعبه

منظور از کلمه «بکّه» زمین خانه می‌باشد. این که آن را قرآن «بکّه» نامیده به جهت ازدحامی است که مردم در آنجا می‌کنند. بعضی کلمه «بکّه» را همان کلمه و لفظ «مکه» گفته‌اند، و بعضی‌ها نیز «بکّه» را اسم «حرم» و بعض دیگر اسم «مسجد الحرام» و بعضی آن را «مطاف» یعنی جای گردیدن و دور زدن دانسته‌اند.

(۸۸) تاریخ تشریع دین اسلام

۳- مبارک بودن کعبه

کعبه را «مبارک» گویند، چون خیر کثیر و فراوانی بر آن افزوده شده است. گرچه مبارک بودن خانه کعبه، شامل برکات دنیوی و اخروی است اما از تقابل آن با عبارت «هُدًى لِّلْعَالَمِينَ» روشن می‌شود که مراد تنها برکات دنیوی است، که عمده آن، وفور ارزاق و توجه مردم به عمران و آبادی آن به واسطه حج است. بنابراین، مبارک شدن کعبه، همانا جامه عمل پوشاندن به دعای حضرت ابراهیم علیه السلام است که در آیات سوره ابراهیم بدان تصریح شده است.

۴- راهنما بودن کعبه

موضوع راهنما بودن کعبه برای جهانیان به واسطه نشان دادن سعادت اخروی

اولین خانه عبادت در جهان (۸۹)

آنان، و رساندنشان به کرامت قرب الهی است، زیرا خدای متعال آن را برای عبادت و پرستش حق قرار داده است، و نزد آن انواع و اقسام عبادت را تشریع فرموده است. از این که در تمام ادوار تاریخ مقام کعبه محترم و محل عبادت بوده است، اولاً نشان آن است که، هدایت و راهنمایی آن هم راجع به سعادت دنیوی است، و هم اخروی، چنانکه نحوه هدایتش عمومیت داشته، و جمیع مراتب هدایت را شامل می‌شود. ثانیاً هدایت آن مربوط به عالم خاص و دسته مخصوصی چون فرزندان ابراهیم یا عرب یا مسلمانان نبوده، بلکه شامل تمام جهانیان است!

۵- آیات الهی در کعبه

«فیه آیاتٌ بَیِّنَاتٌ...!»

(۹۰) تاریخ تشریع دین اسلام

از آیه شریفه بر می‌آید که «نشانه‌های روشن» در خانه کعبه وجود دارد و این نشانه‌ها، هر یک برای غرض خاصی بوده و چنین شرح شده است:

۱- مقام ابراهیم

۲- امنیت کعبه

۳- واجب شدن حج برای توانگران

مقام ابراهیم سنگی است که اثر پاهای حضرت ابراهیم خلیل علیه‌السلام بر آن بوده است. و چنانکه معروف است، آن سنگ در مکان مشهور به «مقام ابراهیم» کنار خانه کعبه مدفون است.

چنانکه ابوطالب عم بزرگوار پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در قصیده لامیه خود بدان اشاره اولین خانه عبادت در جهان (۹۱)

کرده و گفته: «وَمَوْطِئًا إِبْرَاهِيمَ فِي الصَّخْرِ وَطِئَهُ عَلَى قَدَمَيْهِ حَافِيَا غَيْرَ فَاعِلٍ». و چه بسا از عبارت «مقام ابراهیم» فهمیده می‌شود که خود خانه کعبه، یا قسمتی از آن جایگاه عبادت کردن ابراهیم علیه‌السلام بوده است.

امنیت خانه خدا هم از نشانه‌های روشن است که در کعبه وجود دارد. البته، جمله «وَمَنْ دَخَلَ كَانَ آمِنًا...» برای بیان یک حکم تشریعی است، نه آن که بخواهد امنیت تکوینی خانه را بیان کند، لکن از ظاهر آن می‌توان پی برد که اخبار از تشریع قبلی می‌دهد، و حکم امنیت آن از دوران پیشین پا بر جا بوده است، چنانکه از دعای حضرت ابراهیم (مذکور در سوره بقره و سوره ابراهیم) چنین بر می‌آید.

این مطلب پیش از بعثت رسول اکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله بین اعراب جاهلیت محفوظ

(۹۲) تاریخ تشریع دین اسلام

بوده است، و تا زمان حضرت ابراهیم سابقه دارد.

اما این که بعضی‌ها گمان کرده‌اند مراد از «امنیت خانه» نرسیدن حوادث و فتنه بر آن است، مطلبی است که تاریخ جنگ‌ها و اختلال امنیت‌ها در مکه آن را رد می‌کند، مخصوصاً حادثه‌ای که پیش از نزول آیه زیر در آن جا روی داد:

- «آیا کافران مکه ندیدند که ما آن شهر را حرم امن و امان قرار داده‌ایم، در صورتی که از اطرافشان مردم دیگر را می‌ربایند؟» (۶۷ / عنکبوت)

آیه فوق زاید بر امنیت و استقرار و استمرار آن در حرم، دلالت بیشتری ندارد، و روشن است که این امر هم به واسطه احترامی است که مردم برای خانه کعبه قائل شده، و تعظیم آن را - که در شریعت ابراهیم ثابت بوده - واجب می‌شمردند، نه این که امنیت آن

تکوینی باشد!

اولین خانه عبادت در جهان (۹۳)

تشریع حج برای توانگران هم از نشانه‌های روشنی است که در کعبه وجود دارد. آیه شریفه دلالت دارد بر این که تشریع عمل حج سابقه‌دار بوده است، هم‌چنان که در شریعت ابراهیم علیه‌السلام بوده، در شریعت اسلام نیز با آیه شریفه امضا شده است، و آن بر توانگران و کسانی که استطاعت این راه را داشته باشند، واجب گشته است! (۱)

مشخصات کعبه

۱- شکل کعبه

۱- المیزان ج: ۶، ص: ۲۵۲.

(۹۴) تاریخ تشریع دین اسلام

شکل کعبه تقریباً مربع است، و با سنگ‌های کبود بسیار محکمی درست شده است. ارتفاع فعلی آن ۱۶ متر است. (در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله ارتفاع آن بسیار کوتاه بوده است، به طوری که رسول الله صلی الله علیه و آله به علی علیه‌السلام دستور می‌دهد بر شانه مبارکش بالا رود، و بت‌هایی را که بر سقف کعبه نهاده شده بودند، بشکند و پایین بیاورد.) طول ضلعی که «ناودان» در آن قرار دارد، و هم‌چنین ضلع مقابل آن، ده متر و ۱۰ سانتی‌متر است، ولی طول دو ضلع دیگر آن دوازده متر می‌باشد.

«درب» خانه مبارکه در ارتفاع دو متر از کف زمین واقع شده است.

«حجرالاسود» در رکنی که طرف چپ درب خانه (برای کسی که می‌خواهد وارد خانه شود)، قرار گرفته، و در ارتفاع یک متر و نیمی نصب شده است.

مشخصات کعبه (۹۵)

سنگ «حجرالاسود» سنگ ثقیلی است که شکل بیضی غیرمنظمی دارد. رنگ آن سیاه مایل به سرخی است، و روی آن نقطه‌های سرخ و خط‌های زردرنگ وجود دارد. قطر آن قریب سی سانتی‌متر است.

زوایای کعبه از قدیم به «رکن» معروفند. زاویه شمالی را «رکن عراقی» و زاویه غربی را «رکن شامی» و زاویه جنوبی را «رکن یمانی» و زاویه شرقی را - که حجرالاسود در آن قرار دارد - «رکن اسود» می‌نامند.

مقدار مسافتی که بین «درب خانه» و «رکن حجرالاسود» می‌باشد، «ملتزم» نامیده می‌شود، زیرا شخص طواف کننده برای دعا و استغاثه به خداوند، بیشتر در آن جا متوقف می‌شود.

اما «ناودان» خانه، بر دیوار شمالی قرار دارد و به «میزاب رحمت» موسوم است.

(۹۶) تاریخ تشریع دین اسلام

آن را حجاج بن یوسف احداث کرده و سپس سلطان سلیمان عثمانی در سال ۹۵۴ آن را به ناودانی از نقره تبدیل نمود، و بعد از او سلطان احمد در سال ۱۰۲۱ ناودان دیگری که از طلا ساخته و میناکاری شده بود، به جای آن نصب کرد. بعداً سلطان عبدالحمید عثمانی در سال ۱۲۷۳ هجری قمری ناودانی از طلا آورد و بر آن نصب کرد که اکنون همان ناودان برجاست.

در مقابل ناودان دیوار قوسی شکلی کشیده شده که به «حطیم» موسوم است. دو طرف این دیوار به دو زاویه شمالی و غربی خانه منتهی است، که فاصله دو طرف آن تا زاویه خانه به دو متر و سه سانتی‌متر می‌رسد. ارتفاع آن یک متر است، که از طرف داخل به

سنگ‌های مرمر منقش، پوشانده شده، و مسافت وسط آن تا وسط ضلع خانه هشت متر و ۴۴ سانتی متر است.

مشخصات کعبه (۹۷)

فضای واقع بین دیواره حطیم و دیوار خانه کعبه را «حجر اسماعیل» گویند. در اولین ساختمانی که حضرت ابراهیم علیه‌السلام بنا فرمود، قریب سه متر از حجر اسماعیل در داخل خانه بود، و باقی آن جایگاه گوسفندان هاجر و فرزندش اسماعیل بوده است. گویند هاجر و اسماعیل همان جا، یعنی در «حجر اسماعیل» دفن هستند.

۲- پیراهن کعبه

در روایاتی که راجع به تاریخ زندگی هاجر و اسماعیل و آمدنشان به سرزمین مکه است، نقل شده که پس از پایان بنای کعبه «هاجر» عبای خود را به در خانه کعبه آویزان کرد.

گویند اولین کسی که به کعبه «پیراهن» پوشانید، «تُبَّع، ابوبکر اشعد» است که با

(۹۸) تاریخ تشریع دین اسلام

بردهایی که به نخ‌های نقره مزین شده بود، آن را پوشانید، و بعد از او جانشینانش نیز همین عمل را انجام می‌دادند، و سپس مردم با جامه‌های مختلف آن را می‌پوشاندند، و بعضی را روی هم می‌انداختند، و هر زمان که یکی از آن قطعات کهنه می‌شد، قطعه تازه‌ای روی آن آویزان می‌کردند.

این عمل تا زمان «قُصَیِّ بْنِ كِلَاب» ادامه داشت. او مردم عرب را مأمور کرد تا سالانه پارچه‌ای تهیه کرده و پیراهن کعبه قرار دهند. قانون وی همچنان میان فرزندان‌ش ادامه داشت. «ابوربیعه بن مغیره» یک سال و قبایل قریش سال دیگر به نوبت این عمل را انجام می‌دادند.

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز آن را با جامه‌های یمانی پوشانید، پیراهنی که پیغمبر اکرم اسلام بر آن نهاد همچنان بر خانه کعبه آویزان بود تا وقتی که مهدی عباسی به حج

مشخصات کعبه (۹۹)

خانه خدا آمد و خادمان کعبه شکایت کردند که قطعات آن متفرق شده و روی پیراهن خانه متراکم گشته و بیم سقوط آن می‌رود. مهدی دستور داد تا آن را برداشته و به جای آن پیراهن واحدی بیاویزند و هر سال یک بار آن را عوض کنند. این عمل همچنان ادامه پیدا کرد و تاکنون نیز به همان وضع سالی یک بار عوض می‌شود.

خانه کعبه پیراهنی هم از طرف داخل دارد. اول نفری که آن را از داخل پوشانید، مادر عباس بن عبدالمطلب بود. او به واسطه نداری که برای فرزندش عباس کرده بود، این عمل را انجام داد.

۳- عظمت خانه کعبه

خانه کعبه نزد تمام مردم و طوایف مختلف بزرگ و مقدس بوده است: هندی‌ها

(۱۰۰) تاریخ تشریع دین اسلام

آن را با دیده عظمت نگریسته و معتقد بودند که روح «سیوا» که پیش آنان سومین «اقتوم» شمرده می‌شود، هنگامی که با زنش بلاد حجاز را می‌گشت، در حجرالاسود حلول کرده است.

ستاره‌پرستان فرس و کلدانیان خانه کعبه را یکی از بیوت هفتگانه معظم می‌دانستند، که به واسطه قدمت و طول بقای آن می‌گفتند: کعبه خانه «زحل» است.

(بیوت هفتگانه آنان عبارت بود از: ۱ - کعبه، ۲ - مارس، واقع در بالای کوهی در اصفهان، ۳ - مندوسان، در طرف‌های هند، ۴ - نوبهار، در شهر بلخ، ۵ - بیت غمدان، در شهر صنعا، ۶ - کاوسان، واقع در شهر فرغانه خراسان، ۷ - خانه‌ای در بالاترین قسمت‌های کشور چین).

فارسیان نیز کعبه را احترام می‌نمودند، زیرا عقیده داشتند که روح «هرمز» در

مشخصات کعبه (۱۰۱)

آن حلول کرده است. بسا می‌شد که به عزم زیارت به آن‌جا مسافرت می‌کردند.

یهودیان هم خانه کعبه را بزرگ می‌شمردند، و در آن‌جا خدا را طبق مراسم دین ابراهیم پرستش می‌کردند. صورت‌ها و اشکالی هم در آن‌جا قرار داشت که از جمله صورت ابراهیم و اسماعیل (در حالی که به دست‌هایشان تیرها گرفته بودند)، به نظر می‌رسید. هم‌چنین دو صورت از «مریم و مسیح» در آن‌جا بود، که از آن استفاده می‌شود مسیحیان نیز آن‌جا را مقدس می‌دانستند.

عرب‌ها بالاترین تعظیم را درباره آن انجام می‌دادند، و آن را «خانه خدا» می‌دانستند، و از هر سوی به عنوان حج به آن‌جا روی می‌آوردند، و خانه را هم بنای ابراهیم می‌دانستند. موضوع «حج» را نیز از دین ابراهیم می‌شمردند. این عقاید به طور توارث بین آن‌ها باقی مانده بود.

(۱۰۲) تاریخ تشریع دین اسلام

۴ - ریاست خانه کعبه

ریاست خانه کعبه در زمان اسماعیل علیه‌السلام برای او، و بعداً برای فرزندانش ثابت بود، تا این که عرب‌های «جرهم» بر آنان غالب شده و ریاستش را به دست گرفتند. بعدها «عمالقه» که طایفه‌ای از «بنی کرکر» بودند و در قسمت‌های پایین مکه سکونت داشتند، پس از جنگ‌های متعددی بر «جرهم»، که در قسمت بالای مکه اقامت داشتند، پیروز شده، و ریاست خانه کعبه را به دست گرفتند.

این ریاست برای عمالقه دوام چندانی نداشت، و به زودی به جرهم منتقل شد و آن‌ها قریب ۳۰۰ سال ریاست خانه را به دست گرفتند، و در این مدت به ساختمان آن افزوده و ارتفاع آن را بالا بردند.

مشخصات کعبه (۱۰۳)

کم کم فرزندان اسماعیل علیه‌السلام کثرت پیدا کردند و نیرومند شدند، و از طرفی هم جای سکونتشان تنگ و در مضیقه واقع گشتند، و به ناچار با جرهم جنگ کرده و بر آن‌ها غالب شدند و از مکه خارجشان کردند.

رئیس فرزندان اسماعیل در آن وقت «عمرو بن لحي» بود و از طائفه «خزاعه» محسوب می‌شد. «عمرو» بر مکه مسلط شد و ریاست کعبه را به دست گرفت. همین عمرو اولین کسی بود که بر خانه کعبه بت‌هایی قرار داد و مردم را به پرستش آن دعوت کرد.

اول بتی که در آن‌جا نصب کرد به نام هبل موسوم بود که آن را از شام به مکه آورد و بعداً بت‌های دیگری به آن افزود و بالاخره بت‌پرستی در اعراب شایع و عبادت و پرستش خدا مطابق دین حنیف ابراهیم متروک شد.

(۱۰۴) تاریخ تشریع دین اسلام

ریاست خانه کعبه در بین طائفه خزاعه تا زمان حلیل خزاعی ادامه داشت. حلیل پس از خود ریاست آن را به دخترش که زن قصی بن کلاب بود مقرر نمود، و گشودن و بستن درب خانه کعبه را به مردی از خزاعه که نامش ابوغبشان بود محول کرد. ابوغبشان این حق را در برابر شتر و مشگی پر از شراب به قصی بن کلاب فروخت، که در میان عرب ضرب‌المثل معروف «زیان بارت‌تر از معامله ابوغبشان» از آن زمان شایع گشت.

پس از آن ریاست خانه کعبه به قریش منتقل شد، قصی بن کلاب ساختمان کعبه را تجدید کرد.

وضع خانه کعبه به همین نحو ادامه داشت تا زمانی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله مکه را فتح کرد و داخل آن شد. حضرت فرمان داد تا تصاویری که بر خانه خدا بود پایین آورده و محو کردند و بت‌ها را شکستند.

مشخصات کعبه (۱۰۵)

«مقام ابراهیم» که عبارت از سنگی است که اثر قدم‌های حضرت ابراهیم علیه السلام بر آن باقی مانده، در آن زمان در جوار کعبه نمایان بود، لکن آن را در محلی که فعلاً به مقام ابراهیم معروف است، دفن کردند.

اخبار و داستان‌های مربوط به کعبه زیاد است، لکن ما به قسمت‌هایی که برای شخص محقق برای فهم آیات حج و کعبه لازم بود، اکتفا کردیم.

این نکته شایان ذکر است که در مورد خانه کعبه هیچ یک از فرق اسلامی با هم اختلاف نظر ندارند، و این از خصوصیات کعبه است که مورد اتفاق تمام مسلمین جهان است. (۱)

۱- المیزان ج: ۶، ص: ۲۵۲. بحث تاریخی و تحقیقی

(۱۰۶) تاریخ تشریع دین اسلام

تاریخ ساختمان کعبه

تاریخ ساختمان کعبه

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ...!»

(۹۶ و ۹۷ / آل عمران)

این بحث تاریخی از روایات و تواریخ اسلامی در ذیل آیه شریفه فوق نقل شده که نشان دهنده جزئیات تاریخی ساختمان کعبه در ادوار مختلف تاریخ بوده و در ضمن مشخصات عمومی حرم مقدس الهی را نیز شامل است.

آیه شریفه متذکر این نکته است که - اول خانه‌ای که جهت عبادتگاه مردم

تاریخ ساختمان کعبه (۱۰۷)

نهاده شده، خانه مکه است - اما این که خانه کعبه اولین خانه است که در روی زمین بنا شده تا مردم از آن منتفع شوند، و قبل از آن خانه دیگری ساخته نشده باشد، معنایی است که لفظ آیه به آن دلالتی ندارد.

۱ - اولین بنای کعبه

آنچه مسلم و قطعی است، این است که بناکننده خانه کعبه ابراهیم خلیل الرحمان علیه السلام است. کسانی هم که در آن موقع اطراف آن اقامت کرده و توطن نموده‌اند، تنها فرزندش اسماعیل و عده‌ای از قبایل یمن بودند که به «جُزْهُم» شهرت داشتند. خود خانه مبارکه بنایی است تقریباً مربع شکل، و زوایای چهارگانه آن به سوی چهار جهت (شمال و جنوب و مشرق و مغرب) واقع شده، و به این

(۱۰۸) تاریخ تشریع دین اسلام

واسطه بادها هر اندازه تند و سریع باشند، زوایای خانه آن‌ها را شکافته و نمی‌گذارند به خانه لطمه‌ای وارد شود.

۲ - تجدید بنای کعبه قبل از اسلام

ساختمان کعبه در قرون متمادی هم بنایی بود که حضرت ابراهیم خلیل علیه‌السلام نهاده بود، و بعدها رو به خرابی رفته یا بر اثر حادثه‌ای خراب شده که تجدید ساختمان آن را روایتی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام چنین تعریف می‌کند. «خانه کعبه اولین خانه‌ای نیست که در روی زمین ساخته شده بلکه پیش از آن هم خانه‌ها بودند لکن خانه کعبه اولین خانه مبارکی است که برای پرستش و عبادت کردن مردمان درست شد. در آن جا هدایت و رحمت و برکت جمع است. اول کسی که آن را بنا تاریخ ساختمان کعبه (۱۰۹)

کرد ابراهیم علیه‌السلام بود، بعدا که خراب شد، قومی از عرب «جُزْهَم» آن را ساختند، برای مرتبه سوم «عَمَالِقَه» آن را بنا کردند، و پس از آن «قُرَیْش» آن را درست کردند.» (نقل از شهر آشوب)

چون ریاست کعبه به «قُصَیْ بَنِی کِلَاب» - یکی از اجداد رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در قرن دوم پیش از هجرت - رسید آن را خراب کرد و مجدداً به طرزی محکم بنا نمود، و سقف آن را با چوب‌های ضخیم درخت خرما و غیر آن پوشانید.

هم‌چنین در جوار کعبه ساختمان «دَارُالْأَنْدَوَه» را که محل حکومت و مشورت با اصحابش بود، ساخت. سپس چهار جهت خانه کعبه را بین طوایف قریش قسمت کرد، تا خانه‌هایشان را در اطراف آن بسازند، و درهای خانه‌ها را به جانب کعبه باز کنند. (۱۱۰) تاریخ تشریع دین اسلام

۳ - تجدید بنای کعبه در عصر رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله

پنج سال قبل از بعثت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، سیلی خانه کعبه را خراب کرد. طوایف عرب برای بنای آن اقدام کرده و با مشارکت هم آن را ساختند. بنایی آن را «باقوم رومی» به عهده داشت که یک نجار مصری هم او را کمک می‌کرد.

چون موقع نصب «حجرالاسود» رسید، هر یک از طوایف نامبرده می‌خواست تا افتخار نصب آن را به خود اختصاص دهد، بدین جهت بین آن‌ها مشاجره و نزاع در گرفت، تا بالاخره همه حاضر شدند که در آن موضوع محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را، که در آن وقت جوانی سی و پنج ساله بود، حکم قرار دهند، و به حکمت او راضی شوند، زیرا به خردمندی و درستی رأی او معترف بودند.

محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله بالاپوشی خواست و حجرالاسود را در میان آن نهاد، و دستور داد تا تاریخ ساختمان کعبه (۱۱۱)

قبایل عرب با شرکت یکدیگر اطراف آن را بلند کنند. چون حجرالاسود به محل نصبش نزدیک شد، خود حضرت آن را گرفته و در جایش نصب فرمود.

از طرفی چون از لحاظ بودجه و هزینه ساختمان در مضیقه افتاده بودند، به ناچار ارتفاع آن را کوتاه گرفتند، و مقداری هم از مساحت خانه را که واقع در «حجر اسماعیل» بود، از حدود بناء و ساختمان خارج کردند.

۴ - تخریب خانه خدا به وسیله یزید

بنای خانه کعبه به همین صورت بود تا «عبداله بن زبیر» در عهد یزید بن معاویه بر حجاز مسلط شد. فرمانده یزید که حصین نام داشت به فرمان او با عبدالله به جنگ پرداخت و خانه کعبه را هدف منجنیق قرار داد. در این حادثه ساختمان کعبه (۱۱۲) تاریخ تشریع دین اسلام

خراب شد و پیراهن کعبه و مقداری از چوبهایش آتش گرفت.

در اثنای جنگ بود که خبر مرگ یزید منتشر شد و حصین از ادامه جنگ منصرف شد.

عبدالله تصمیم گرفت که خانه کعبه را تماماً خراب کند و آن را مجدداً بسازد. برای این منظور دستور داد تا از یمن کج اعلاء آورند و خانه کعبه را با آن ساختند.

عبدالله در وضع خانه کعبه تغییراتی هم داد. او «حجر اسماعیل» را داخل در بنای خانه کرد، و درب آن را هم از کف زمین قرار داد، و در مقابل آن از طرف دیگر، درب دیگری درست نمود تا مردم از یکی داخل و از دیگری خارج شوند.

ارتفاع خانه را نیز تا ۲ ذراع بالا برد. چون از بنای آن فارغ شد، داخل و خارج خانه مبارکه را به مشک و عنبر معطر ساخت، و پیراهنی از دیا به آن پوشانید.

بنای آن در ۱۷ ماه رجب سال ۶۴ هجری پایان یافت.

تاریخ ساختمان کعبه (۱۱۳)

۵- تغییرات زمان حجاج بن یوسف

چون عبدالملک بن مروان به خلافت رسید. فرمانده خود حجاج بن یوسف مشهور را به جنگ عبدالله بن زبیر فرستاد. حجاج بر عبدالله غلبه کرد و او را کشت. چون خانه کعبه را دید به اطلاع عبدالملک رسانید که عبدالله در آن تغییراتی داده است، عبدالملک دستور داد تا آن را به شکل اولیه برگردانند.

حجاج بن یوسف از جانب شمالی خانه، شش ذراع و یک وجب خراب کرد، و آن دیوار را مطابق بنای قریش ساخت. درب شرقی خانه را هم از کف زمین بالا برد، و درب غربی آن را مسدود کرد. سپس زمین آن را با سنگ‌هایی که اضافه آمده بود، پر کرد.

(۱۱۴) تاریخ تشریع دین اسلام

۶- توسعه حرم در زمان عباسیان

از روایت عبدالصمد در تفسیر عیاشی برمی آید که ابوجعفر منصور عباسی، به توسعه مسجدالحرام اقدام کرده، و برخی از خانه‌های اطراف آن را هم تخریب و جزو مسجد نموده است. سپس مهدی عباسی اقدامات شروع شده را تکمیل کرده و او نیز برخی از خانه‌هایی را که تا آن زمان مشمول توسعه نشده بود، خریداری و جزو قسمت‌های مشمول توسعه بنای مسجدالحرام ساخته است.

۷- تعمیرات و تغییرات زمان سلاطین عثمانی

چون سلطان سلیمان عثمانی در سنه ۹۶۰ هجری به پادشاهی رسید، سقف کعبه را تغییر داد. سپس سلطان احمد عثمانی که در سنه ۱۰۲۱ هجری به پادشاهی رسید در تاریخ ساختمان کعبه (۱۱۵) آنجا ترمیمی کرد.

در سال ۱۰۳۹ هجری سیل عظیمی دیوارهای شمالی و شرقی و غربی خانه کعبه را خراب نمود، در این زمان سلطان مراد چهارم که از پادشاهان آل عثمان بود، خرابی آن را ترمیم کرد.

۸- تعمیرات مسجدالحرام در زمان آل سعود

(از سال ۱۰۳۹ هجری به این طرف تغییراتی در شکل مسجدالحرام و خانه کعبه به عمل نیامده بود، تا این که در سالهای بین ۱۴۰۰ و ۱۴۲۷ قمری - سالهای بعد از انقلاب اسلامی ایران - سلاطین آل سعود تغییرات زیادی در اطراف مسجدالحرام داده و باب و

مساجدی را به نام سلطان فهد و دیگر ملوک آل سعود نامگذاری کرده‌اند.

(۱۱۶) تاریخ تشریع دین اسلام

ناگفته نماند، در سال تحریر این مباحث یعنی دهه هشتاد شمسی، تغییرات شهرسازی که در شهر مکه و مدینه منوره، صورت گرفته، شهر مکه را از یک طرف به جده متصل کرده، و از طرف دیگر خیابانها و ساختمانهای آن به «منی» و «عَرَفَات» وصل شده است، و شهر مکه تقریباً قیافه شهر مذهبی و قدیمی خود را از دست داده، و تبدیل به یک شهر به ظاهر غربی گردیده است. اغلب شرکتها و مؤسسات داخلی و خارجی در آنجا سرمایه‌گذاری کرده‌اند. ظواهر فرهنگی غربی بر اغلب کوچه‌ها و محلات و بازارهای مکه و مدینه منوره مسلط شده است.

از بالای بام مساجد حرم مقدسه، هتل‌های خارجی «هایت» و غیره سر برکشیده، و چنان به نظر زایل می‌آید که جزو ساختمان حرم شده است!

جز بازار ابوسفیان که هنوز به نام نامی‌ترین دشمن اسلام با فروشگاههای سنتی تاریخ ساختمان کعبه (۱۱۷)

خود پابرجا نگه داشته شده، در قسمت‌های دیگر مکه اثر چندانی از تاریخ و سنن اسلامی به چشم زایل نمی‌خورد! مؤلف (۱)

تشریع حج ابراهیمی و حج محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله

ابراهیم خلیل الله علیه‌السلام در پایان سیر بندگی خود به سوی خدای تعالی، از طرف خداوند سبحان مأمور می‌شود برای مردم عمل حج را تشریع کند، که قرآن کریم این فرمان را چنین حکایت می‌کند:

۱- المیزان ج: ۶، ص: ۲۶۴.

(۱۱۸) تاریخ تشریع دین اسلام

«وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ!»

- «در میان مردم اعلام حج کن تا پیادگان و سوارگان بر مرکب‌های لاغر از هر ناحیه‌ای دور بیایند!» (۲۷ / حج)

چیزی که هست، خصوصیتی را که آن جناب در عمل حج تشریع کرده برای ما نامعلوم است، ولی این عمل همچنان در میان عرب جاهلیت یک شعار دینی بود، تا آن که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله مبعوث شد و احکامی در آن تشریع کرد، که نسبت به آنچه ابراهیم علیه‌السلام تشریع کرده بود، مخالفتی نداشت، بلکه در حقیقت مکمل آن بود.

این را ما بدین دلیل می‌گوییم که خدای تعالی به طور کلی اسلام و احکام اسلام را «ملت ابراهیم» خوانده و فرموده است:

- «بگو پروردگارم مرا به سوی صراط مستقیم هدایت کرده، و دینی استوار، که ملت

تشریع حج ابراهیمی و حج محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله (۱۱۹)

ابراهیم و معتدل است!» (۱۶۱ / انعام)

و نیز فرموده:

- «برای شما از دین، همان را تشریع کرد که نوح و ابراهیم و موسی و عیسی را نیز بدان سفارش کرده بود، به اضافه احکامی که به خصوص تو وحی کردیم!» (۱۳ / شوری) به هر حال، آنچه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از مناسک حج تشریع فرمود، یعنی احرام بستن از میقات، توقف در عرفات، به سر بردن در مشعر، قربانی، سنگ انداختن به سه جمره، سعی میان صفا و مروه، طواف بر دور کعبه، و نماز در مقام؛ هر یک به یکی از گوشه‌های سفر ابراهیم علیه‌السلام به مکه اشاره دارد، و مواقف و مشاهد او و خانواده‌اش را مجسم می‌سازد.

و به راستی چه موافقی، و چه مشاهدی! چه قدر پاک و الهی بود! موافقی

(۱۲۰) تاریخ تشریع دین اسلام

که راهنمایش به سوی آن مواقف جذبه ربوبیت، و سائقش ذلت عبودیت بود!

آری، عباداتی که تشریع شد - و بر همه تشریع کنندگان آن بهترین سلام‌ها باد! صورت‌هایی از توجه کمترین از انبیاء به سوی پروردگارشان است، تمثال‌هایی است که مسیر انبیاء علیه‌السلام را از هنگام شروع تا ختم مسیر حکایت می‌کند، سیری که آن حضرات به سوی مقام قرب و زلفی داشتند:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ!»

- «برای شما هم در رسول الله اقتدایی نیکو بود!» (۲۱ / احزاب)

و می‌فهماند آن چه امت اسلام به عنوان عبادت انجام می‌دهند، تمثالی از سیر پیامبرشان است!

و این خود اصلی است که در اخباری که حکمت و اسرار عبادات را بیان می‌کند، و

تشریع حج ابراهیمی و حج محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله (۱۲۱)

علت تشریع آن را شرح می‌دهد، شواهد بسیاری بر آن دیده می‌شود، که کاوشگر بینا می‌خواهد تا به آن شواهد وقوف و اطلاع یابد! (۱)

تاریخ تشریع حج

«وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» (۹۷ / آل عمران)

قرآن شریف تاریخ تشریع حج را پس از پایان یافتن بنای خانه کعبه به دست ابراهیم علیه‌السلام و پسر اسماعیل علیه‌السلام بیان فرموده است:

۱- المیزان ج: ۲، ص: ۱۵۴. بحث علمی

(۱۲۲) تاریخ تشریع دین اسلام

- «از ابراهیم و فرزندش اسماعیل پیمان گرفتیم، که خانه مرا برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و رکوع کنندگان و سجود کنندگان، پاکیزه دارید!» (۱۲۵ / بقره)

از وقتی که حضرت ابراهیم علیه‌السلام خانه کعبه را بنا کرد، همیشه مقصد مردم و محل عبادت کنندگان بوده است.

خدای متعال خانه کعبه را برای عبادت و پرستش حق قرار داده، و در آن جا انواع و اقسام عبادات را تشریع فرموده است.

آیه زیر نشان می‌دهد که پس از دعوت ابراهیم علیه‌السلام و اعلام حج، به زودی مورد قبول عامه مردم واقع شده، و عده زیادی از بلاد نزدیک و دور، چادر نشین و شهری، برای انجام دادن عمل حج خواهند آمد:

- «در میان مردم اعلام حج کن! تا پیادگان و سوارگان بر مرکب‌های لاغر از هر

تاریخ تشریع حج (۱۲۳)

ناحیه‌ای دور بیایند!» (۲۷ / حج)

از قرآن شریف، در تاریخ پیامبران و ادیان، استنباط می‌شود که این شعار الهی در زمان «شعیب پیغمبر و موسی» معروفیت کامل داشته و پا بر جا و مستقر بوده است، زیرا در آیه ۲۷ سوره قصص: «أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَّاجٍ» که سخن شعیب را در مقام عقد قرارداد با موسی علیه‌السلام نقل می‌کند، از لفظ «حج» به جای سال استفاده شده که روشن می‌کند در آن اوان، شماره سال‌ها را با تکرار شدن عمل حج حساب می‌کردند.

در دعای حضرت ابراهیم علیه السلام هم نکات زیادی است که می‌رساند خانه کعبه همیشه به عبادت الهی معمور، و نشانه‌های هدایت و راهنمایی مردم بوده است.

ناگفته نماند که عرب جاهلیت نیز خانه کعبه را بزرگ شمرده، و عمل حج را به عنوان این که از شرع ابراهیم است، انجام می‌دادند. تاریخ هم گویاست که سایر مردم نیز کعبه

(۱۲۴) تاریخ تشریع دین اسلام

را محترم می‌دانستند، و عمل حج - به واسطه توجه به خدا و یاد او - خود نوعی هدایت و راهنمایی است.

اما پس از ظهور اسلام، داستان عظمت آن روشن تر از آن است که بیان شود! ذکرش شرق و غرب عالم را پر کرده، و در جمیع عبادات و طاعات و نشست و برخاست مسلمین، و در سایر شئون زندگی، آنان را به خود مشغول داشته است، و به جمیع مراتب هدایت و رهبری آنان را رهنمون گشته و در مرحله عبودیت و پرستش ذات ربوبی از مرحله نازل آن که خطور ذهنی باشد، گرفته، و تا سرحد عبودیت کامل، که «انْقِطَاعَ إِلَى اللَّهِ» و بریدن از جمیع ماسوای او و پیوستن به ذات اقدسش باشد، پیش برده و به مقامی که جز پاکان و پاکدلان نرسند، و جز مخلصان آن را مس نکنند، رسانده است!

تاریخ تشریع حج (۱۲۵)

در حقیقت، مسلمانان را به سعادت دنیوی که همان وحدت کلمه و یگانگی امت باشد، رهبری کرده، و غیر مسلمانان را هم بیدار می‌کند، تا به نتایج وحدت اسلامی و هماهنگی قوای مختلف آن پی برده، و از خواب غفلت بیدار شوند! (۱)

تشریع حج تمتع

«وَاتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ!» (۱۹۶ تا ۲۰۳ / بقره)

این آیات در «حَجَّةُ الْوُدَاع» یعنی آخرین حجی که پیامبر اکرم اسلام صلی الله علیه و آله به جای

۱- المیزان ج: ۶، ص: ۲۵۳.

(۱۲۶) تاریخ تشریع دین اسلام

آورده، نازل شده، و بسیاری از احکام حج را تشریع فرموده است.

«حج» همان عمل معروفی است که ابراهیم خلیل علیه السلام آن را وضع فرمود. و بعد از آن حضرت، در میان اعراب متداول بوده است. هنگام ظهور اسلام، از طرف خدا الی الابد برای این امت قرار داده شده است.

این عبادت، با احرام شروع می‌شود، و با اعمالی مانند وقوف در عرفات و مشعر انجام می‌یابد، و اعمال دیگری نیز مانند: قربانی، طواف خانه خدا، نماز طواف، سعی بین صفا و مروه و غیره، از واجبات آن است.

حج به سه قسم است:

۱ - حج افراد، ۲ - حج قرآن، ۳ - حج تمتع

«حج تمتع» همان است که در اواخر زمان حیات پیامبر گرامی اسلام تشریع شد.

تشریع حج تمتع (۱۲۷)

«عمره» عبارت است از زیارت خانه خدا در حال احرام، به جای آوردن طواف و نماز طواف، سعی بین صفا و مروه و تقصیر.

(عمره در حقیقت قسمت اول مراسم حج است یعنی بدون وجوب رفتن حجاج به عرفات و منی و اعمال آن محل، انجام می‌گیرد.)

آیه «تمتع» با این که جز حکمی از احکام حج را بیان نمی‌کند، ولی با بیان بسیار تهدیدآمیزی پایان می‌یابد، و خدای تعالی می‌فرماید:

«وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ!» (۱۹۶/بقره)

این تشدید و تهدید حاکی از آن است که از افراد مورد خطاب انتظار انکار این حکم یا لااقل توقف در قبول آن می‌رفت. و جهت انکار این بود که اعراب از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام با حج خانه خدا مأنوس بودند، و در زمان جاهلیت آن را به جای می‌آوردند، بعد از طلوع

(۱۲۸) تاریخ تشریع دین اسلام

اسلام هم این حکم امضا شد، و تا آخر عمر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به همین منوال انجام می‌گرفت.

چنین حکم ریشه‌داری با همه سوابق ممتد و انس و عادت مردم به آن تغییر وضعیت کار سهلی نبود، و عرب‌ها به این آسانی آن را نمی‌پذیرفتند، لذا پیغمبر صلی الله علیه و آله مجبور شد برای تبلیغ آن در مجمعی عمومی سخنرانی کند و خاطر نشان سازد که حکم در دست خداست، و آن طور که دستور می‌دهد باید عمل شود، و به همین جهت در آخر آیه امر به تقوی و پرهیزکاری شده است، و سختی عقوبت پروردگار را یادآوری کرده است! عرب‌های جاهلیت بعد از انجام حج چند روزی در «منی» توقف کرده و با بیانات مختلف از شعر و نثر به پدرانشان افتخار می‌کردند، خدای متعال، در مقابل این عمل زشت آنان، دستور داد مسلمانان بعد از فراغت از حج به ذکر او مشغول باشند. (۱)

تشریع حج تمتع (۱۲۹)

تغییرات در حج تمتع در زمان عمر

«وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ!» (۱۹۶ / بقره)

در تاریخ حج یکی از مسائل مهمی که تحولی در مراسم آن به شمار می‌رود، تشریع حج تمتع است. با این که تشریع این امر به وسیله وحی الهی و دستور پیامبر گرامی خدا صلی الله علیه و آله تأکید گردیده است، لکن در زمان حکومت عمر از انجام آن جلوگیری می‌شد.

۱- المیزان ج: ۳، ص: ۱۰۴.

(۱۳۰) تاریخ تشریع دین اسلام

بحث‌های روایتی ذیل آیه فوق گوشه‌هایی از این تاریخ و نیز اختلاف پیش آمده را روشن می‌سازد:

امام صادق علیه السلام فرمود:

«هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله خواست حج واجب را به جای آورد، چهار روز به آخر ماه ذیقعد مانده حرکت کرد. نماز را در «شجره» گزارد، آن‌گاه مرکب به طرف «بیداء» راند، و از آنجا احرام بست و تلبیه گفت و صد شتر برای قربانی برد. همه مردم احرام حج بستند و ابدانیت عمره‌ای نداشتند، و از موضوع «متع» (حج تمتع) مطلع نبودند.

هنگامی که به مکه رسید، طواف به جای آورد، و مردم نیز با آن حضرت طواف کردند. بعد دو رکعت نماز طواف در «مقام

ابراهیم» به جای آورد، و استلام حجر

تغییرات در حج تمتع در زمان عمر (۱۳۱)

کرد و سپس فرمود:

«به آن‌چه خدا ابتدا کرده ابتدا می‌کنم. و به طرف «صفا» حرکت کرد، و هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کرد. همین که سعی

هفتمین به مروه خاتمه یافت، برای سخنرانی ایستاد و فرمود:

– احرام را بشکنید، و عملتان را عمره قرار دهید، این دستور خداست! مردم احرام را شکستند، حضرت فرمود:

– من اگر آن‌چه را در آخر دریافت داشتم در اول داشته بودم، و «قربانی با خود نیاورده بودم»، مانند شما احرام را می‌شکستم، ولی خدا می‌فرماید: – سر نتراشید، احرام نشکنید، تا قربانی به جایگاه خود برسد! سراقه بن جعثم کنانی گفت:

(۱۳۲) تاریخ تشریع دین اسلام

– هم‌اکنون دین خود را فرا گرفتم، گویا امروز آفریده شده‌ایم! بفرما بینیم این دستور مختص به همین سال است یا همیشه باید چنین کنیم! حضرت فرمود: – این دستور ابدی است! مردی به پا خاست و عرض کرد: یا رسول الله، برای حج بیرون شویم در حالی که از سرهایمان آب غسل جنایت می‌چکد؟ حضرت فرمود: – تو هرگز به این حکم ایمان نخواهی آورد!

(نقل از امام جعفر صادق علیه‌السلام در کافی، از حلبی)

«سُیوطی» در «جَمْعُ الْجَوَامِع» از سعید بن مسیب نقل کرده که: «عمر از تمتع در ماه‌های حج نهی کرد و گفت:

من خودم با رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله به جا آوردم، و هم خودم از آن نهی می‌کنم! و جهتش این است که مسلمانی که از گوشه دنیا خسته و غبار آلوده در ماه حج

تغییرات در حج تمتع در زمان عمر (۱۳۳)

برای عمره می‌آید، خستگی و کوفتگی‌اش در حال به جای آوردن عمره است، و تلبیه‌ای را که در آن حال می‌گوید به حساب عمره گذاشته می‌شود، بعد می‌آید و طواف می‌کند، و از احرام بیرون می‌آید، و لباس‌هایش را می‌پوشد و بوی خوش استعمال می‌کند، و با خانواده‌اش در صورتی که همراه باشد آمیزش می‌نماید، تا روز «ترویّه» که از نو برای حج تلبیه می‌گوید، در حالی که غبار سفر فرو شسته و از خستگی راه بیرون آمده است. و حجتی را که بر عمره برتری دارد این گونه بر گزار می‌کند؟! اگر مردم را به حال خود بگذاریم با زنان خود در زیر درخت «اراک» در می‌آمیزند؟! علاوه بر آن که اهل مکه نه گله‌ای دارند و نه زراعتی؛ بهارشان هنگامی است که مردم از اطراف به آن‌جا می‌آیند، و اگر مردم تمتع نکنند و حج و عمره را در دو وقت انجام دهند به نفع ایشان است.»

(۱۳۴) تاریخ تشریع دین اسلام

در «سنن بیهقی» از مسلم از ابی‌نضره روایت شده که گفت: «به «جابر» گفتم: «ابن زبیر» از «متعّه» (حج تمتع) نهی می‌کند، ولی «ابن عباس» امر می‌فرماید؟ جابر گفت: جریان قضیه در دست من است. ما با رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله تمتع کردیم. ابوبکر هم با ما بود. عمر که به خلافت رسید گفت:

– پیغمبر همین پیغمبر، و قرآن همین قرآن است، ولی دو «متعّه» در زمان پیامبر بود که من از آن‌ها جلوگیری می‌کنم، و هر که را مرتکب شود، به کیفر می‌رسانم! یکی متعه زنان است، و بر کسی که نکاح منقطع کند دست نیابم جز این که او را زیر سنگ گم کنم! و دیگری متعه حج است!» (۱)

۱- المیزان ج: ۳، ص: ۱۱۵.

تغییرات در حج تمتع در زمان عمر (۱۳۵)

(۱۳۶)

فصل پنجم: تشریع زکات و خمس

حکم زکات مالی

«خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ...!» (۱۰۳ و ۱۰۴ / توبه)

این آیه شریفه متضمن حکم زکات مالی است، که خود یکی از ارکان شریعت و ملت اسلام است. هم ظاهر آیه این معنا را می‌رساند و هم اخباری بسیاری که از طرق امامان (۱۳۷)

اهل بیت علیهم السلام و از غیر ایشان، آیه را چنین تفسیر کرده‌اند.

- «از اموال آن‌ها زکات بگیر، تا بدین وسیله پاکشان کنی، و اموالشان را نمو دهی، و درباره آنان دعای خیر کن، که دعای تو مایه آرامش آنان است، و خدا شنوا و داناست!»

خدای سبحان رسول گرامی خود را امر می‌کند به این که صدقه را از اموال مردم بگیرد. صدقه از انواع و اصفافی از مال‌ها گرفته می‌شود: یک صنف نقدینه، یعنی طلا و نقره، صنف دیگر شتر و گاو و گوسفند، نوع سوم غلات چهارگانه، یعنی گندم و جو و خرما و کشمش است.

خطاب به رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

- ای محمد! از اصناف مال‌های مردم زکات بگیر و ایشان را پاک و اموالشان را پر برکت گردان!

(۱۳۸) تاریخ تشریع دین اسلام

مقصود از این که فرمود: «صَلِّ عَلَيْهِمْ» دعای خیر به جان و مال ایشان است. هم‌چنان که از سنت چنین به یادگار رسیده که آن جناب

در برابر کسی که زکات می‌داده چنین دعا می‌کرده که: خدا به مالت خیر و برکت مرحمت فرماید! خدای سبحان می‌فرماید:

- نفوس ایشان به دعای تو سکونت و آرامش می‌یابد! این خود نوعی تشکر از مساعی ایشان است. هم‌چنان که عبارت آخر آیه «وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ!» مایه آرامشی است که دل‌های متکلفینی که این آیه را می‌شنوند و یا می‌خوانند به وسیله آن سکونت می‌یابد. سپس با آیه زیر مردم را به دادن زکات تشویق می‌کند:

- «مگر ندانسته‌اند که آن کس که توبه از بندگانش می‌پذیرد، و زکات‌ها را می‌گیرد، خداست!» (۱۰۴ / توبه)

حکم زکات مالی (۱۳۹)

اگر زکات می‌دهند، بدین جهت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و یا عامل و مأمور وصول آن حضرت از ناحیه خدا مأمور به گرفتن آن است، لذا در این آیه به عنوان تشویق می‌فرماید که مگر نمی‌دانید که این صدقات را خدا می‌گیرد؟ و گرفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز گرفتن خداست، پس در حقیقت گیرنده آن خود خداست!

در روایات اسلامی از حضرت امام صادق علیه السلام در کافی نقل شده که فرمود:

- وقتی آیه فوق نازل شد رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داد منادی در میان مردم ندا در دهد که خداوند زکات را بر شما واجب کرده است، هم‌چنان که نماز را واجب کرده است. و از همان موقع زکات در طلا و نقره و شتر و گاو و گوسفند و گندم و جو و خرما و کشمش واجب گردید.

(۱۴۰) تاریخ تشریع دین اسلام

منادی هم این معنا را به گوش مردم رسانید و در خاتمه اعلام داشت که خدا از غیر این چند چیز زکات نمی‌خواهد! آن‌گاه می‌گوید:

- بر سایر اموالشان زکاتی مقرر نکرد تا آن که یک سال گذشت. مردم رمضان بعدی را روزه گرفتند و افطار کردند، پس آن‌گاه منادیش را فرمود ندا در دهد:

- ای گروه مسلمین! زکات اموالتان را بدهید تا نمازهایتان قبول شود! آن‌گاه مأموریت وصول را روانه کرد تا زکات و

مالیات اراضی را جمع کنند. (۱)

نیازهای مالی جامعه در اسلام و حق مالکیت فردی

۱- المیزان ج: ۱۸، ص: ۳۰۳.

نیازهای مالی جامعه در اسلام و حق مالکیت فردی (۱۴۱)

شریعت مقدس اسلام مبتکر و پیشقدم شناسایی هویت و واقعیت جامعه در مقابل فرد، و تشریع احکام مالی برای اجتماع و قوانین و نظاماتی برای آن، است.

اسلام در قرآن کریم اعلام داشته که با ترکیب عناصر افرادی که دور هم زندگی می‌کنند موارد جدیدی پیدا می‌شود به نام اجتماع که مانند خود افراد حیات و مماتی دارد، و وجود و عدمی، و شعور و اراده‌ای، و ضعف و قدرتی، و عینا مانند افراد تکالیفی دارد، و خوبی‌ها و بدی‌ها و سعادت و شقاوت و امثال آن. در بیان همه این امور آیات بسیاری در قرآن کریم هست.

اسلام همان طور که برای افراد حقوقی مقرر نمود، برای اجتماع نیز حقوقی مقرر داشت. سهمی از منافع اموال و عایدات افراد را به عنوان صدقات واجبه، که همان زکات باشد، و به عنوان خمس غنیمت، و غیر آن را به اجتماع اختصاص داد، و هر چند قوانین

(۱۴۲) تاریخ تشریع دین اسلام

اجتماعی به آن صورت کاملی که اسلام آورد، سابقه نداشت، و از ابتکارات اسلام بود، لکن اصل آن ابتکاری و نوظهور نبود، و فطرت بشر به طور اجمال آن را در می‌یافت و در شرایع قبل از اسلام از قبیل شریعت حمورابی و قوانین روم قدیم، جسته و گریخته، چیزهایی درباره اجتماع دیده می‌شود، بلکه می‌توان گفت هیچ سنت قومی در هیچ عصری و در میان هیچ طایفه‌ای جاری نبوده مگر آن که در مالی حقی برای اجتماع رعایت می‌شده است، و بنابراین مجتمع هر جور که بوده، در قیام و رشدش نیازمند به هزینه مالی بوده است.

نیازهای مالی جامعه در اسلام و حق مالکیت فردی (۱۴۳)

امتیازات قوانین مالی اسلام

شریعت اسلام در میان سایر سنت‌ها و شریعت‌ها در چند مورد ممتاز است: اسلام در تأمین جهات مالی اجتماع تنها اکتفا کرده به روز پیدایش و حدوث ملک، و از آن تجاوز نکرده است. یعنی، وقتی مالی در ظرفی از ظروف اجتماع به دست آمد، مثلاً از زراعت غله‌ای یا از تجارتی سودی عاید شد، در همان حال به دست آمدنش سهمی را ملک اجتماع دانسته است، و بقیه سهام را ملک صاحبش، یعنی کسی که سرمایه‌گذاری نموده و یا کار کرده است، دانسته که جز پرداخت آن سهم، چیز دیگری از او نخواسته است، و وقتی سهم اجتماع را پرداخت کرد، دیگر برای همیشه مالک بقیه سهام خواهد بود.

(۱۴۴) تاریخ تشریع دین اسلام

بالا-تر از این از امثال آیه «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا - تمامی آنچه را که در زمین است برای شما آفرید!» (۲۹ / بقره) و آیه «اموالتان را که خداوند آن را مایه قوام شما قرار داده، به سفیهان ندهید!» (۴ / نساء) استفاده می‌شود که هر ثروتی که به دست می‌آید، در حال به دست آمدن، ملک اجتماع است، آن گاه سهمی از آن به آن فردی که ما وی را مالک یا عامل می‌نامیم، اختصاص یافته، و مابقی سهام که همان سهم زکات یا خمس باشد در ملک مجتمع باقی می‌ماند، پس یک فرد مالک، ملکیتش در طول ملک اجتماع است. خلاصه این که حقوق مالیه‌ای که شریعت اسلام برای اجتماع وضع کرده، حقوقی است که در هر ثروتی در حین پیدایش آن وضع نموده، و اجتماع را با خود شریک کرده، و آن گاه فرد را نسبت به آن سهمی که مختص به اوست مالک

دانسته، و به او آزادی داده تا در هر جا بخواهد به مصرف برساند، و حوایج مشروع خود را تأمین نماید، به طوری

امتیازات قوانین مالی اسلام (۱۴۵)

که کسی حق اعتراض نداشته باشد، مگر امر غیرمنتظره‌ای جامعه را تهدید کند، مانند: حمله دشمن یا قحطی، که زندگی افراد را تهدید کند، که باید با صرف اموال شخصی خود از آن جلوگیری کنند.

مالیات، خراج و باج‌های غیر مشروع

اما وجوهی که معمولاً به عنوان باج سرانه و یا مالیات بر درآمد و یا خراج زمین و ده که در شرایط خاصی اخذ می‌شود، و یا عشریه‌ای که در احوال معینی می‌گیرند، همه این‌ها را اسلام غیر مشروع دانسته و آن را نوعی ظلم و غصب شمرده است، که باعث محدودیت در مالکیت می‌شود.

پس در حقیقت، در اسلام، جامعه از افراد خود غیر از مال خودش و سهمی که

(۱۴۶) تاریخ تشریع دین اسلام

در غنیمت و عواید دارد، آن هم جز در اول پیدایش و به دست آمدن آن، چیز دیگری نمی‌گیرد، و وقتی سهم مالک معین شد و جدا گردید، احدی حق معترض شدن ندارد، و در هیچ شرایطی نمی‌تواند دست او را کوتاه و حریش را زایل سازد.

مالیات، خراج و باج‌های غیر مشروع (۱۴۷)

محل مصرف وجوهات اسلامی

اسلام حال افراد را نسبت به اموال خصوصی اجتماع در نظر گرفته است. می‌بینیم که زکات را به هشت سهم تقسیم کرده، و از آن تنها یک سهم را در راه خدا - فی سبیل اللّٰه - اختصاص داده و بقیه را برای فقرا و مساکین و کارمندان مالی و مؤلفه القلوب، و دیگران تعیین نمود.

هم‌چنین خمس را شش سهم کرد و از آن بیش از یک سهم برای خدا نگذاشت، و بقیه را به رسول و ذی‌القربای رسول، یتیمان، مساکین و ابن سبیل تعیین نمود.

(۱۴۸) تاریخ تشریع دین اسلام

فلسفه توزیع ثروت اسلامی

فلسفه تقسیم فوق‌بدان جهت است که فرد، یگانه عنصری است که اجتماع را تکیه می‌دهد و جز با اصلاح حال افراد، اجتماعی نیرومند پدید نمی‌آید.

رفع اختلاف طبقاتی، که خود از اصول برنامه اسلام است، و ایجاد تعادل و توازن در بین نیروهای مختلف اجتماع، و تثبیت اعتدال در سیر اجتماع با ارکان و اجزایش، صورت نمی‌گیرد؛ مگر با اصلاح حال فرد، و نزدیک به هم ساختن زندگی آن‌ها.

اگر وضع افراد اجتماع سر و صورت به خود نگیرد، و زندگی‌ها به هم نزدیک نشوند، و تفاوت فاحش طبقاتی از میان نرود، هر قدر هم برای اجتماع پول خرج شود، و بر شوکت و تزئینات مملکتی افزوده گردد، کاخ‌های مشید بالا

فلسفه توزیع ثروت اسلامی (۱۴۹)

رود، معذک روز به روز وضع جامعه وخیم‌تر می‌گردد، و به تجربه‌های طولانی و قطعی نشان داده که کوچکترین اثر نیکی

نمی‌بخشد!

توزیع شخصی و اختیاری ثروت

اسلام به خود اشخاصی که به اجتماع بدهکار شده‌اند اجازه داده تا مثلاً زکات خود را به پاره‌ای از مصارف از قبیل: فقرا و مساکین، برسانند، و محدودشان نکرده به این که حتماً بدهی خود را به حکومت و زمامدار مسلمین و یا مأمورین جمع‌آوری زکات بدهند. این خود نوعی احترام و استقلالی است که شارع اسلام نسبت به افراد مجتمع خود رعایت نموده است، نظیر احترامی است که برای امان دادن یک مسلمان به یک محارب قائل می‌شود، و هیچ فردی از افراد مسلمین نمی‌تواند آن ذمه و آن خط امان را نقض (۱۵۰) تاریخ تشریع دین اسلام

نماید، و با این که از کفار محارب است، همه مجبورند، و حتی خود زمامدار نیز محکوم است به این که آن ذمه را محترم شمارد. اما اگر زمامدار و ولی امر مسلمین در مورد خاصی مصلحت اسلام و مسلمین را در این دید که از دادن چنین ذمه‌ای جلوگیری کند، در این صورت می‌تواند نهی کند و بر مسلمین واجب می‌شود که از آن خودداری نمایند، چون اطاعت ولی امر واجب است. (۱)

تشریع خمس

۱- المیزان ج: ۱۸، ص: ۲۱۸. گفتار تحلیلی و علمی.

تشریع خمس (۱۵۱)

«وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَ...!»

(۴۱ / انفال)

این آیه مشتمل است بر وجوب دادن خمس غنیمت، و غنیمت به معنای رسیدن به درآمد از راه تجارت و یا صنعت و یا جنگ است:

- «بدانید که آن چه شما غنیمت می‌برید، هر چه باشد، پنج یک آن از آن خدا و رسول و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و ابن سبیل بوده، آن را به اهلش برگردانید اگر به خدا و به آن چه که بر بنده‌اش محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله در جنگ بدر نازل کرده، ایمان دارید!»

در روز بدر این معنی را نازل کرده بود که انفال و غنیمت‌های جنگی از آن خدا و رسول اوست، و احدی را در آن سهمی نیست، و اینک همان خدایی که امروز تصرف در

(۱۵۲) تاریخ تشریع دین اسلام

چهار سهم آن را بر شما حلال و مباح گردانیده، دستورتان می‌دهد که یک سهم آن را به اهلش برگردانید!

از ظاهر آیه برمی‌آید که تشریع در آن مانند سایر تشریعات قرآنی ابدی و دائمی است، و نیز استفاده می‌شود که حکم مورد نظر آیه مربوط به هر چیزی است که غنیمت شمرده شود، هر چند غنیمت مأخوذ از کفار نباشد، مانند استفاده‌های کسبی و مرواریدهایی که با غوص از دریا گرفته می‌شود، و کشتیرانی و استخراج معادن و گنج؛ گو این که مورد نزول آیه غنیمت جنگی است، ولیکن مورد مختص نیست.

در روایات اسلامی، در کافی از امام ابی الحسن علیه السلام نقل شده که در پاسخ به مسأله خمس فرمودند:

«خمس در هر فائده‌ای که مردم می‌برند، چه کم و چه زیاد، واجب است!»

تشریع خمس (۱۵۳)

محل مصرف خمس در جامعه اسلامی

مصارف خمس در خود آیه مشخص شده است؛

«و بدانید آن چه را که سود می‌برید برای خداست پنج یک آن، و برای رسول و خویشاوند او و یتیمان و مسکینان و راه‌ماندگان...!» (۴۱ / انفال)

از ظاهر مصارفی که در آیه برشمرده برمی‌آید که مصارف خمس منحصر در آنهاست، و برای هریک از آنها سهمی است، به این معنا که هر کدام مستقل در گرفتن سهم خود می‌باشند، نه این که منظور از ذکر مصارف از قبیل ذکر مثال باشد. «ذَوُ الْقُرْبَى» به معنای نزدیکان و خویشاوندان است، و در این آیه مراد به آن نزدیکان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و یا به طوری که از روایات قطعی استفاده

(۱۵۴) تاریخ تشریع دین اسلام

می‌شود خصوص اشخاص معینی از ایشان است.

در کافی از امام موسی بن جعفر علیه‌السلام روایت است که فرمود:

«خمس در پنج چیز واجب است: در غنیمتها و غوص و در گنجها و در معادن و کشتیرانی. از همه این چند صنف خمس گرفته می‌شود. و در مصارفی که خدا معلوم کرده، تقسیم می‌شود و چهار پنجم دیگر، اگر غنیمت است، در میان لشکریان تقسیم، و اگر غیر آن است به صاحبش رد می‌شود.

و در میان آنان به شش سهم تقسیم می‌شود؛ سهمی برای خدا و سهمی برای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، و سهمی برای ذی القربى، و سهمی برای یتیمان، و سهمی برای مسکینان، و سهمی برای درماندگان در سفر. آن گاه، سهم خدا و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را به وراثت به‌جانشین او می‌دهند. پس زمامداری محل مصرف خمس در جامعه اسلامی (۱۵۵)

که جانشین پیغمبر است سه سهم می‌برد: دو سهم از خدا و رسولش، و یک سهم از خودش!

پس، با این حساب نصف تمامی خمس به او می‌رسد، و نصف دیگر آن طبق کتاب و سنت در میان اهل بیت او سهمی به یتیمان ایشان و سهمی به مسکینان ایشان و سهمی به سادات در مانده در سفر، داده می‌شود، آن قدر که کفاف مخارج یک سال ایشان بکند.

و اگر چیزی باقی ماند آن نیز به والی داده می‌شود.

و اگر به همه آنان نرسید و یا اگر کفاف مخارج یک سال ایشان را نکرد والی (زمامدار) باید از خودش بدهد تا همه برای یک سال بی‌نیاز شوند، و اگر گفتیم: والی باید از خودش بدهد برای این است که اگر زیاد می‌آمد او می‌برد.

و اگر خداوند تعالی خمس را مخصوص اهل بیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله کرد و به مسکینان و درماندگان در سفر از غیر سادات نداد برای این بود که عوض خمس به آنان صدقات

(۱۵۶) تاریخ تشریع دین اسلام

را داد، چون خداوند تعالی می‌خواست آل محمد علیهم‌السلام به خاطر قرابتی که با آن حضرت دارند منزّه و محترم باشند، و به چرک (زکات) مردم محتاج نگردند، لذا خمس را تا حدی که رفع نیازشان را بکند برای آنان قرار داد تا به ذلت و مسکنت نیفتند، و اما صدقه دادن خود سادات به یکدیگر عیبی ندارد.

و این کسانی که خداوند خمس را برایشان قرار داده خویشاوندان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و همانها هستند که در آیه «وَأَنْذِرْ

عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ! از آنان یاد فرموده و ایشان فرزندان عبدالمطلب از ذکور و اناث هستند، و احدی از خاندان قریش و سایر تیره‌های عرب جزو آنان نیستند، و هم‌چنین موالی ایشان نیز در این خمس سهمی ندارند، صدقات مردم برای موالی ایشان حلال است و موالی با سایر مردم یکسانند.

کسی که مادرش از بنی هاشم و پدرش از سایر دودمانهای قریش باشد زکات محل مصرف خمس در جامعه اسلامی (۱۵۷)

و سایر صدقات بر او حلال است و از خمس چیزی به او نمی‌رسد، برای این که خدای تعالی می‌فرماید: «ایشان را به نام پدرانشان بخوانید!» (۵ / احزاب)

خلاصه، آن‌چه که از اخبار ائمه اهل بیت علیهم السلام رسیده متواتر است در این که:

۱ - خمس مختص به خدا و رسول و امام از اهل بیت و یتیمان و مسکینان و ابن سبیل‌ها از سادات است و به غیر ایشان داده نمی‌شود.

۲ - این که خمس به شش سهم به همان نحوی که در روایات بالا آمده تقسیم می‌شود.

۳ - این که خمس مختص به غنائم جنگی نیست، بلکه هر چیزی را که در لغت غنیمت شمرده می‌شود، شامل می‌شود، مانند: سود کسب و گنج و استخراج مروارید از دریا و معدن‌ها و کشتیرانی.

۴ - در روایات ائمه آمده که خمس موهبتی است از ناحیه خدا برای اهل بیت که بدین وسیله زکات و صدقات را برایشان حرام کرد.

(۱۵۸) تاریخ تشریع دین اسلام

این که در روایات داشت؛ خدای سبحان غرضش از تشریع خمس احترام اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و دودمان او بوده و خواسته است تا محترم‌تر از آن باشند که چرک اموال مردم را بگیرند. ظاهر این روایات این است که نکته نامبرده را از آیه زکات گرفته‌اند که خطاب به پیغمبرش می‌فرماید: «از اموالشان صدقه‌ای بگیر تا بدان وسیله پاک و پاکیزه‌شان سازی...» چون تطهیر و تزکیه (پاکیزه کردن) همیشه در چیزهایی است که چرک و آلودگی و مانند آن داشته باشند. (۱)

۱- المیزان ج: ۱۷، ص: ۱۴۱.

محل مصرف خمس در جامعه اسلامی (۱۵۹)

(۱۶۰)

فصل ششم: تشریع محرمات در اسلام

تاریخ تحریم شرابخواری و قمار

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ...!»

(۲۱۹ و ۲۲۰ / بقره)

یکی از احکام تشریع شده در اسلام که از لحاظ تأثیر تاریخی و اهمیت اجتماعی

(۱۶۱)

و روانی آن بسیار مشهور است، تشریع تحریم شرابخواری و قمار است. نکات عمده تاریخی این مطلب را ذیلاً شرح می‌دهیم و جزئیات فقهی و تفسیری آن در جلد‌های دیگر ذکر خواهد شد.

آیاتی که راجع به این موضوع است، در چهار مرحله نازل شده است:

۱ - «بگو، جز این نیست که پروردگارم «فواحش» را، آنچه از آن‌ها هویدا است، و یا آنچه پنهان است، و اثم، و بغی یا سرکشی به ناحق را، حرام فرموده است.» (۳۱ / اعراف)

در این آیه صریحا «اِثْم» تحریم شده است ولی بیان نشده که مراد از «اِثْم» چیست، و خمر دارای «اِثْم کبیر» است، و شاید این سکوت به منظور ارفاق و تسهیل بر مکلفین باشد.

۲ - «و از میوه‌های درختان خرما و انگور، که از آن‌ها شراب، و رزق خوبی بگیرید!»

(۱۶۲) تاریخ تشریع دین اسلام

(۶۷ / نحل)

در این آیه نیز اشاره به پلیدی شراب شده است. زیرا کلمه «شراب» را در مقابل «رزق خوب» قرار داده و معلوم کرده که آن از رزق‌های نیکو نیست!

دو آیه فوق در مکه نازل شده است، و گویا مردم قبل از نزول آیه زیر متوجه حرمت آن نبودند:

۳ - «لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى - به نماز نزدیک مشوید در حالی که مست هستید!» (۴۲ / نساء)

این آیه در مدینه نازل شد تا اندازه‌ای از می‌گساری و مستی جلوگیری کرد، یعنی مردم را در بهترین حالات که نماز است و بهترین جاها که مسجد است، از این عمل زشت باز داشت.

تاریخ تحریم شرابخواری و قمار (۱۶۳)

بعد از آیه فوق، آیه زیر نازل شد و خمر را به طور کلی تحریم کرد:

۴ - «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ - از تو درباره شراب و قمار می‌پرسند، بگو در آن دو گناهی کبیر است، و در ضمن سودهایی هم برای مردم دارند، ولی گناه آن‌ها از سود آن‌ها بزرگتر است!» (۲۱۹ / بقره)

دلالت آیه بر حرمت خمر از این راه است که برای آن «اِثْم کبیر» اثبات می‌کند، و در آیه اعراف تصریح شده که اثم حرام است. در قرآن شریف برای قتل و کتمان شهادت و افتراء و غیره اثبات «اِثْم» شده، ولی «اِثْم بزرگ» فقط در مورد شراب و قمار شده، و نیز «شرک» که آن را «اِثْم عظیم» خوانده است. بعد از آیه فوق، آیه زیر نازل شد:

۵ - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ... ای کسانی که ایمان آورده‌اید، جز این نیست

(۱۶۴) تاریخ تشریع دین اسلام

که شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای شانس، پلید و از کار شیطان است، از آن‌ها اجتناب کنید...!» (۹۲ و ۹۳ / مائده)

از این دستور اکید، و مخصوصا از ذیل آیه فهمیده می‌شود که مسلمانان بعد از نزول آیه سوره بقره هنوز به طور قطعی شرب خمر را ترک نکرده بودند، تا این که این آیه نازل شد.

آیین اسلام، پایه احکام خود را بر نگهداری و تقویت عقل سالم قرار داده است، و از هر چیزی که عملکرد عقل را باطل سازد، مانند: شراب و قمار و تقلب و دروغ و غیره، اکیدا منع نموده است!

از چیزهایی که بیش از هر چیز با حکومت عقل سلیم و فرمانروایی مطلق آن مخالف است، در بین افعال - شرابخواری، و در بین اقوال - دروغگویی است.

تاریخ تحریم شرابخواری و قمار (۱۶۵)

اهمیت تحریم شراب در روایات اسلامی بسیار نقل شده است. روایت زیر نشان می‌دهد هر کسی که در رابطه با آن کوچکترین عمل یا خدمتی انجام دهد، جز ملعونین خدا حساب می‌شود: (در کتاب کافی از جابر از حضرت باقر علیه‌السلام روایت شده

که:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

- خدا ده کس را درباره شراب لعن فرموده است:

۱- آن کس که درختش را کاشته،

۲- آن کس که نگهبانی اش کرده،

۳- آن کس که انگورش را فشرده،

۴- آن کس که آن را نوشیده،

۵- آن کس که در جام ریخته،

(۱۶۶) تاریخ تشریع دین اسلام

۶- آن کس که حمل کرده،

۷- آن کس که از حامل دریافت کرده،

۸- آن کس که فروخته،

۹- آن کس که خریده،

۱۰- و آن کس که از بهایش استفاده کرده است!!!

(و نیز در کافی از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده که:)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

- شراب رأس گناهان است!!! (۱)

۱- المیزان ج: ۳، ص: ۲۸۰.

تاریخ تحریم شرابخواری و قمار (۱۶۷)

تدریج در تحریم محرمات

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ...!»

(۹۰ تا ۹۳ / مائده)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، جز این نیست که شراب و قمار و بت‌ها (یا سنگ‌هایی که برای قربانی نصب شده)، و چوبه‌های

قرعه، پلید و از عمل شیطان است! پس دوری کنید از آنها، باشد که رستگاری شوید...!»

این چهار آیه از سوره مائده (از ۹۰ تا ۹۳) همگی در مقام بیان حال شراب هستند. در

(۱۶۸) تاریخ تشریع دین اسلام

بعضی از آنها قمار، و در بعضی دیگر انصاف و ازلام هم علاوه شده است.

اگر آیاتی که در سوره بقره و نساء و اعراف درباره شراب نازل شده، به این آیات اضافه کنیم و بررسی نماییم، از سیاق مختلف

آنها به این نتیجه می‌رسیم که شارع مقدس اسلام شراب را به تدریج تحریم فرموده است.

به این معنا که نخست شراب را در ضمن عنوان گناه، که عنوانی است عام، تحریم کرده و فرموده است:

- «بگو پروردگار من، «فواحش» را (چه علنی و چه در پرده)، و هم‌چنین «اثم» را تحریم نموده است.» (۳۳ / اعراف)

و آن‌گاه آن را به تحریم خاص و به صورت نصیحت بیان کرده و فرموده است:

- «بگو، گرچه برای مردم در این دو (شراب و قمار) منفعی است، الا این که گناه آن دو از

تدریج در تحریم محرمات (۱۶۹)

نفعشان بزرگتر است!» (۲۱۹ / بقره)

و نیز فرموده:

- «مبادا این که مستید در صدد نماز خواندن بر آئید، بلکه صبر کنید تا آن که به حال خود آمده و بفهمید چه می گوید!» (۴۳ /

نساء)

بار سوم آن را باز به تحریم خاص و لکن با تشدید و تأکید هر چه بیشتر بیان کرده و فرموده:

- «... شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه، پلید و از عمل شیطان است، پس دوری کنید از آن‌ها...!» (۹۰ تا ۹۳ / نساء)

این آیات آخری از چند جهت مشتمل تشدید و تأکید است:

۱ - با کلمه «انَّما» تشدید فرموده،

(۱۷۰) تاریخ تشریع دین اسلام

۲ - شراب را پلید و رجس خوانده،

۳ - آن را عمل شیطان نامیده،

۴ - امر صریح به اجتناب از آن داده است،

۵ - فرموده در این اجتناب، امید رستگاری هست،

۶ - مفاسدی را که مترتب بر آشامیدن شراب است، بیان فرموده،

۷ - پرسیده آیا این مقدار از بیان مفاسد آن شما را از این عمل زشت باز نمی‌دارد؟

۸ - بعد از آن همه تأکید آنان را به اطاعت خدا و رسول امر فرموده، و از مخالفتشان بر حذر داشته است،

۹ - فرموده: خداوند از این که او را اطاعت نکنید بی‌نیاز است،

تدریج در تحریم محرمات (۱۷۱)

۱۰ - در آیه چهارم فرموده: «بر کسانی که ایمان آورده و عمل صالح کرده‌اند، گناهی نیست در آن چه قبل از این از این محرمات

خورده‌اند و...» (۹۳/مائده) که دلیل بر تشدید است.

رَجَسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ!

- «... شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه، پلید و از عمل شیطان است، پس دوری کنید از آن‌ها...!» (۹۰ تا ۹۳ / مائده)

این عبارت، پلید بودن آن‌هایی را که در آیه شمرده بیان می‌کند، و پلید بودن آن‌ها مشتمل بر وصفی است که فطرت انسانی

نزدیکی به آن را برای خاطر آن وضعش جایز نمی‌داند، زیرا در آن هیچ خاصیت و اثری که در سعادتش دخیل باشد،

(۱۷۲) تاریخ تشریع دین اسلام

و احتمال دهد که روزی آن خاصیت از آن پلیدی جدا شود نمی‌بینید. سپس می‌فرماید:

- شیطان می‌خواهد به وسیله همین پلیدی‌ها یعنی شراب و قمار بین شما دشمنی و عداوت به وجود آورد، و مانع ذکر خدا و نماز

شود.

از این که عداوت و بغضاء را تنها از آثار شراب و قمار دانسته از این جهت است که این اثر در آن دو ظاهرتر است.

رَجَسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ (۱۷۳)

بر آن چه گذشته حرجی نیست!

خداوند متعال در پایان آیات مزبور می‌فرماید:

«لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعُمُوا...!»

- بر کسانی که ایمان آورده و عمل صالح کرده‌اند، نسبت به آن چه از شراب نوشیده و یا از سایر محرمات مرتکب شده‌اند، حرجی نیست، اما به شرطی که علاوه بر ایمان و عمل صالح در جمیع مراحل و اطوار خود ایمان به خدا و رسول و احسان در عمل را دارا باشند! (۹۳ / مائده)

با داشتن چنین فضایی، اگر قبل از نزول آیه تحریم، و رسیدن آن به گوششان، و یا قبل از این که معنی آن را فهمیده باشند، به یکی از این پلیدی‌ها که عمل شیطان است، مبتلا بوده‌اند، حرجی بر آن‌ها نیست، و خدای تعالی از گناهان گذشته

(۱۷۴) تاریخ تشریع دین اسلام

آن‌ها صرف نظر کرده است.

آن چه از آیات استفاده می‌شود این است که شراب در مکه و قبل از هجرت تحریم شده است. آیه ۳۳ سوره اعراف که مکی است بر این امر دلالت دارد. آیه ۲۱۹ سوره بقره هم آیه‌ای است که در اوایل هجرت در مدینه منوره نازل شده است، لذا شکی باقی نمی‌ماند که در اوایل هجرت شراب بر مسلمین تحریم شده بود. از آیه فوق بر می‌آید که بعد از آیه سوره بقره و قبل از آیه سوره مائده برخی از مسلمین به دنبال عادت زشت قبلی خود مبتلا بوده‌اند. (۱)

۱- المیزان ج: ۱۱، ص: ۲۰۳.

بر آن چه گذشته حرجی نیست! (۱۷۵)

چهار محرمه در اسلام و سابقه محرمات در یهود

«إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ...!»

(۱۱۵ / نحل)

«حق این است که مردار و خون و گوشت خوک، و آن چه نام غیر خدا بر آن یاد شده، برای شما حرام است، و هر که ناچار شود بدون زیاده‌روی و تجاوز، خدا آمرزگار و رحیم است.»

مفاد این آیه با چند عبارت مختلف در چهار جای قرآن ایراد شده است:

- در سوره انعام و نحل که هر دو مکی هستند، و یکی در اوایل بعثت و دیگری در اواخر توقف رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه نازل شده است.

(۱۷۶) تاریخ تشریع دین اسلام

- در سوره بقره و مائده، که یکی در اوایل هجرت به مدینه و دیگری در اواخر آن نازل شده، و هر دو شامل این مطلب هستند. این آیه به طوری که بعضی از مفسرین گفته‌اند، دلالت دارد بر انحصار محرمات در همین چهار مورد (مردار، خون، گوشت خوک، و آن چه برای غیر خدا ذبح شود)، و لکن با مراجعه به سنت به دست می‌آید که محرمات دیگری غیر از این چهار محرمه که، اصل در محرماتند، نیز وجود دارد، که رسول خدا صلی الله علیه و آله به امر پروردگارش که فرمود: «آن چه رسول به شما دستور داد بدان عمل کنید، و آن چه شما را از آن نهی کرد، ترک نمایید!» بیان نموده است. (۷ / حشر)

سپس خدای تعالی مؤمنین را از بدعت نهادن در دین احتراز می‌دهد و می‌فرماید: - «برای آن توصیف دروغ که زبان‌هایتان می‌کند،

می‌گویید: این حلال است و این حرام! که

چهار محرمه در اسلام و سابقه محرمات در یهود (۱۷۷)

دروغ بر خدا می‌بندید، کسانی که دروغ بر خدا بندند رستگار نمی‌شوند! (۱۱۶ و ۱۱۷ / نحل)

خطاب این آیه متوجه مؤمنین است، و این احتمال را تأیید می‌کند که مراد از جمله مورد بحث نهی از بدعت در دین باشد، یعنی چیزی از حلال و حرام داخل در دین نکنید، و چیزی که از دین نباشد و به وسیله وحی نرسیده باشد، در میان جامعه باب نکنید، چه این افتراء به خداست، هر چند که باب کننده‌اش آن را به خدا نسبت ندهد.

قرآن مجید آن‌گاه مسئله محرمات در یهود را مطرح کرده و می‌فرماید:

- «برای یهود آن‌چه را که قبلاً برای تو نقل کردیم، حرام کردیم، ما بر آن‌ها ستم نکردیم بلکه خودشان به خودشان ستم کردند!» (۱۱۸ / نحل)

آن‌چه را که قبلاً خداوند برای رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره محرمات یهود نقل فرموده در سوره انعام در آیه ۱۴۶ است که می‌فرماید:

(۱۷۸) تاریخ تشریع دین اسلام

- «برای یهود تمام ناخنداران را حرام کردیم، و از گاو و گوسفند، پیه آن دو را برایشان حرام کردیم، مگر آن پیه که بر پشت‌های آن دو باشد، یا چربی روده‌ها، یا آن‌چه با استخوانی آمیخته باشد، این چنین، آنان را به ظلم‌شان جزا دادیم، و البته ما راستگویانیم!» گویا گوینده‌ای پرسیده است که حال که محرمات از خوردنی‌ها منحصر بر چهار حرام است، پس چرا حرام‌های دیگری که در مورد یهود گفته شده، فرمان یافته است؟ و خدای تعالی خود در جواب می‌فرماید:

- اگر ما این‌ها را قبلاً بر بنی اسرائیل حرام کرده بودیم، ظلم‌شان نکردیم، بلکه ایشان خودشان بر خود ظلم کردند، و به کیفر ظلمشان بعضی چیزها را بر آنان حرام کردیم!

بدین معنی که همین چیزها برای آنان حلال بود، و لکن چون پروردگار خود را عصیان نمودند، لذا به عنوان عقوبت آن‌ها را برایشان حرام گردیم!

چهار محرمه در اسلام و سابقه محرمات در یهود (۱۷۹)

در جای دیگر قرآن نیز می‌فرماید:

- «و به خاطر ظلم‌هایی از یهودیان، طیبانی را که بر ایشان حلال بود، حرام کردیم!» (۱۶۰ / نساء)

و خدای مهربان در ادامه می‌فرماید:

- اگر بعد از آن عصیان، به سوی پروردگار خود رجوع می‌کردند، و از نافرمانی توبه می‌کردند، خدا هم از ایشان گذشت می‌کرد، و دوباره حرام‌ها را برایشان حلال می‌کرد، که او آمرزگار و رحیم است!

پس در بنی اسرائیل اصرار بر معصیت‌ها نتیجه‌اش تحریم حلال‌هایشان شد! (۱)

روزی‌های حلال و تحریم‌های خلاف شرع

۱- المیزان ج: ۲۴، ص: ۳۰۰.

(۱۸۰) تاریخ تشریع دین اسلام

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ...!» (۱۶۸ / بقره)

«هان ای مردم، از آن‌چه در زمین است بخورید، در حالی که حلال و طیب باشد، و گام‌های شیطان را پیروی نکنید، که او شما را

دشمنی آشکار است!»

خدای تعالی در صدر این آیه خطاب را متوجه عموم مردم کرده است، نه فقط مؤمنین، و این بدان جهت است که حکمی که در این آیه به گوش می‌رساند، و بیانش می‌فرماید، حکمی است که مورد ابتلای عموم مردم است. اما مشرکین برای این که نزد آنان اموری حرام بود که خودشان بر خود حرام کرده روزی‌های حلال و تحریم‌های خلاف شرع (۱۸۱)

بودند، و آن گاه به خدا افتراء بسته بودند، مانند آنچه در روایت آمده که قبایل ثقیف و خزاعه و بنی عامربن صعصعه و بنی مدلیج چیزهایی از رستنی‌ها و چارپایان و بحیره و سائبه و وصیله را بر خود حرام کرده بودند. البته این در میان مشرکین عرب بود، و گرنه در مشرکین غیر عرب هم اموری از این قبیل یافت می‌شد، ولی مؤمنین، آن‌ها هم با این که به اسلام در آمده بودند، اما هنوز خرافاتی چند از باب توارث اخلاقی و آداب قومی و سنت‌های منسوخه در بینشان باقی مانده بود، که مؤمنین گرفتار این بقایای خرافات قدیم بودند، لذا خطاب در آیه متوجه عموم مردم شد که آنچه در زمین هست برایشان حلال است و می‌توانند بخورند و پابند احکام خرافی قدیم نباشند. معنای آیه با توجه به معانی مختلف کلمه «اکل» این می‌شود که:

(۱۸۲) تاریخ تشریع دین اسلام

- «از آنچه خدا از نعمت‌های خود در زمین آفریده و در اختیار شما قرار داده است، بخورید و در آن تصرف کنید، که هم حلال است و هم طیب!»

یعنی هیچ مانعی به غیر از آنچه که از ناحیه طبیعت خودتان و یا از ناحیه طبیعت زمین مانع است، شما را از خوردن و تصرف آن چه حلال است جلوگیری نشود. عبارت «كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا»، یک اباحه عمومی و بدون قید و شرط است، اما چیزی که هست عبارت بعدی یعنی «وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ»، می‌فهماند که در این میان چیزهای دیگری هم وجود دارد که نامش «خطوات شیطان» است، و مربوط به همین «اکل حلال طیب» است، و این امور، یا مربوط به نخوردن به خاطر پیروی شیطان است، و یا خوردن به خاطر پیروی شیطان! و چون تا این جا معلوم نکرد که آن امور چیست؟ لذا برای این که ضابطه‌ای به دست داده باشد که چه چیزهایی عنوان پیروی

روزی‌های حلال و تحریم‌های خلاف شرع (۱۸۳)

شیطان را داراست کلمه «سوء و فحشاء و سخن بدون علم»، را خاطرنشان کرد که بفهماند که هر چیزی که بد است یا فحشاء است یا بدون علم حکم کردن، که پیروی از آن پیروی شیطان است! و وقتی نخوردن، و تصرف نکردن در چیزی که خدا دستور به اجتناب از آن نداده است، جایز نباشد، خوردن و تصرف کردن بدون دستور او نیز جایز نیست! پس هیچ اکلی حلال و طیب نیست مگر آن که خدای تعالی اجازه داده، و تشریعش فرموده، و از خوردن آن منعی نکرده است!

آیه مورد بحث و نظایر آن تشریع حلیت همه چیزهاست و در مقابلش آیه ۱۷۳ سوره بقره که می‌فرماید: «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَيْزِرِ وَمَا أَهْلَ بِهِ لَعْنِ اللَّهِ...» در آن از خوردن چیزهایی نهی فرموده است.

(۱۸۴) تاریخ تشریع دین اسلام

پس برگشت معنای آیه به این می‌شود (و خدا داناتر است) که مثلاً بگوییم:

- از همه نعمت‌های خدا که در زمین برای شما آفریده بخورید، زیرا خدا آن‌ها را برای شما حلال و طیب کرد و از خوردن هیچ حلال طیبی خودداری نکنید، که خودداری از آن هم سوء است و هم فحشاء و هم سخن گفتن بدون علم (یعنی وهم تشریع)، و

شما حق ندارید تشریع کنید، یعنی چیزی را که جزو دین نیست جزو دین کنید، که اگر چنین کنید، خطوات شیطان را پیروی کرده‌اید!

پس، آیه شریفه چند نکته را افاده می‌کند:

۱- این که، حکم می‌کند به حلیت عموم تصرفات، مگر هر تصرفی که در کلامی دیگر از آن نهی شده باشد،

۲- این که، خودداری و امتناع از خوردن و یا تصرف کردن در چیزی که دلیلی علمی

روزی‌های حلال و تحریم‌های خلاف شرع (۱۸۵)

بر منع از آن نرسیده، خود تشریع است و حرام،

۳- این که، مراد از پیروی خطوات شیطان این است که بنده خدا به چیزی تعبد کند و آن را عبادت و اطاعت خدا قرار دهد که خدای تعالی هیچ اجازه‌ای در خصوص آن نداده باشد. چون خدای تعالی هیچ‌مشی و روشی را منع نکرده مگر آن روشی را که آدمی در رفتن بر طبق آن پای خود در جای پای شیطان بگذارد، و راه رفتن خود را مطابق راه رفتن شیطان کند، در این صورت است که روش او پیروی گام‌های شیطان می‌شود. (۱)

۱- المیزان ج: ۲، ص: ۳۹۱.

(۱۸۶) تاریخ تشریع دین اسلام

تاریخ تحریم ربا و فلسفه آن

«الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا...!» (۲۷۵ تا ۲۸۱ / بقره)

اوضاع و شرایط تاریخی زمان تحریم ربا را آیات قرآن مجید و روایات اسلامی به خوبی روشن ساخته و نشان می‌دهند که علیرغم تحریم قبلی ربا از طرف پیامبر گرامی اسلام هنوز در برخی موارد این کار ممنوع ادامه داشته است.

خداوند متعال با نزول سوره روم در مکه، در مورد مسئله ربا چنین تذکر داده بود:

- «و آن سودی که شما به رسم ربا دادید، که بر اموال مردم رباخوار بیفزاید، نزد خدا هرگز نیفزاید، بلکه محو و نابود شود، ولی آن زکاتی که بی‌ریب و ربا، و از روی شوق و اخلاص، به

تاریخ تحریم ربا و فلسفه آن (۱۸۷)

فقیران دادید، ثوابش چندین برابر می‌شود، و همین زکات‌دهندگان هستند که بسیار دارائی خود را افزون کنند!» (۳۹ / روم)

از این جا معلوم می‌شود که مسئله رباخواری از همان اوایل بعثت رسول الله صلی الله علیه و آله و قبل از هجرت منفور بود، تا آن که در آیه سوره آل عمران در مدینه صریحا تحریم، و سپس در آیات فوق‌الذکر در سوره بقره در مدینه درباره آن تشدید شده است. علاوه بر این که، حرمت ربا بنا به حکایت قرآن کریم، که در بین یهود معروف بوده است، چون قرآن مجید در آیه ۱۰۶ سوره نساء می‌فرماید:

- «و رباخواری یهودیان، با این که از آن نهی شده بودند...»

هم چنین آیه:

- «لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيْنِ سَبِيلٌ...!» (۷۵ / آل عمران)

(۱۸۸) تاریخ تشریع دین اسلام

که حکایت کلام یهودیان است و اشعار بر این معنا دارد، با در نظر گرفتن این که قرآن کریم کتاب یهود را تصدیق کرده، در مورد ربا نسخ روشنی ننموده است، دلالت دارد بر این که ربا در اسلام حرام شده بود.

هم در سوره روم و سوره آل عمران، و هم در این سوره، مسئله ربا کلاً در مقابل مسئله انفاق و صدقه و ترغیب به دادن صدقه قرار گرفته است. رباخواری درست ضد و مقابل انفاق و صدقه است.

چون رباخوار پول بلاعوض می‌گیرد و انفاقگر پول بلاعوض می‌دهد، و نیز آثار سوئی که مترتب بر رباخواری است درست مقابل آثار خوبی است که بر مسئله صدقه و انفاق مترتب می‌شود. آن یکی اختلاف طبقاتی و دشمنی می‌آورد، و این یکی رحمت و محبت می‌افزاید. آن خون مسکینان را به شیشه می‌گیرد، و این باعث قوام زندگی تاریخ تحریم ربا و فلسفه آن (۱۸۹)

محتاجان و مسکینان می‌شود. آن اختلاف در نظام و ناامنی می‌آورد، ولی این انتظام در امور و امنیت می‌بخشد...! خدای سبحان در آیات سوره بقره، در امر رباخواری تشدید فرموده که درباره هیچ یک از فروع دین نکرده، مگر یک مطلب که تشدید در آن نظیر تشدید در امر رباست، و آن این است که مسلمانان دشمنان دین را بر خود حاکم سازند، و اما بقیه گناهان کبیره، هر چند قرآن کریم مخالفت خود را با آنها اعلام نموده، و در امر آنها تشدید هم کرده، و لکن لحن خدای متعال ملایم‌تر از تشدید در امر رباست، و هم‌چنین در امر حکومت دادن دشمنان خدا بر جامعه اسلامی!

حتی لحن قرآن شریف در امر زنا، شرب خمر، قمار، ظلم و گناهانی بزرگتر از این مانند کشتن افراد بی‌گناه؛ ملایم‌تر از تشدید در آن دو گناه است.

(۱۹۰) تاریخ تشریع دین اسلام

این نیست مگر برای این که فساد آن گناهان از یک نفر یا چندین نفر تجاوز نمی‌کند، و آثار شومش تنها به بعضی از جهات نفوس سرایت می‌کند، و آن عبارت است از فساد ظاهر اجتماع، و اعمال ظاهری افراد؛ برخلاف ربا و حکومت بی‌دینان، که آثار سوءاش بنیان دین را منهدم می‌سازد، و آثارش را به کلی از بین می‌برد، و نظام حیات نوع را تباه می‌سازد و پرده‌ای بر روی فطرت انسانی می‌افکند، و حکم فطرت را ساقط می‌سازد، و دین را به فراموشی می‌سپارد!

تصدیق تاریخ بر نظریه قرآن در آثار رباخواری

در میان مسلمانان، سهل‌انگاری در دین باعث شد زمام امور کشورهای اسلامی به دست دشمنان دین بیفتد، و کار مسلمانان به جایی بکشد که نه صاحب مرگ خود

تصدیق تاریخ بر نظریه قرآن در آثار... (۱۹۱)

هستند، و نه صاحب زندگی خود! نه اجازه دارند بمیرند، نه فرصت می‌دهند تا از مواهب حیات برخوردار گردند! دین از میان مسلمانان رخت بر بست و فضایل نفسانی از میان آنان کوچ کرد!

رباخواران به جمع‌آوری اموال و تراکم ثروت پرداختند، و در کسب جاه و مقام با یکدیگر مسابقه گذاشتند، و همین باعث به راه افتادن جنگ‌های جهانی شد، و جمعیت دنیا به دو قسمت تقسیم شدند و روبروی هم ایستادند: یک طرف ثروتمندان مرفه، و طرف دیگر استثمارشدگان بدبخت، که همه زندگی‌شان به غارت رفته بود!

آن‌چه قرآن شریف درباره رباخواری و سرپرستی دشمنان دین بر مسلمانان، فرموده، از پیشگویی‌های قرآن مجید است.

(۱۹۲) تاریخ تشریع دین اسلام

آیات قرآنی و روایات در منع و تحریم ربا

(جزئیات مربوط به رباخواری در قسمت مربوط به ساختار جامعه اسلامی و قوانین اسلامی در مجلدات بعدی این کتاب مورد بحث)

و بررسی قرار خواهد گرفت. ذیلاً فقط آیاتی که مربوط به تحریم رباست - علاوه بر آیات استفاده شده در متن - ذکر می‌شود، و ضمناً از لحظات تاریخی برخی جزئیات امر را نیز از روایات اسلامی می‌آوریم:

۱ - «هان! ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا را، که همان دو چندان گرفتن است، مخورید! و از خدا بترسید، شاید که رستگار شوید!» (۱۳۰ / آل عمران)

آیات قرآنی و روایات در منع و تحریم ربا (۱۹۳)

۲ - «هان! ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید، و آن زیادی ربوی که باقی مانده، رها کنید، اگر دارای ایمانید! اگر نکنید، باید بدانید که در حقیقت «اعلان جنگ» با خدا و رسول کرده‌اید! و اگر توبه کنید، اصل سرمایه‌تان حلال است، نه ظلم کرده‌اید، و نه به شما ظلمی شده است! اگر بدهکار شما در تنگی و فشار زندگی است، باید مهلتش دهید تا هر وقت داشته باشد، بدهد! البته اگر تصدق کنید برایتان بهتر است، اگر اهل عمل باشید!» (۸ - ۲۷۱ / بقره)

روایات اسلامی در این معانی بسیار است، و آنچه از روایات شیعه و سنی برمی‌آید، این است که اجمالاً - آیه درباره اموال ربوی نازل شده، که بنی مغیره (دودمانی از مردم مکه) از بنی ثقیف (مردم طائف) طلب داشتند. چون در زمان جاهلیت به آنان پول یا جنس به قرض می‌دادند و ربا می‌گرفتند. همین که اسلام آمد و باقیمانده طلب خود را از ایشان مطالبه نمودند، مردم ثقیف ندادند، چون اسلام خط بطلان بر معاملات ربوی کشیده

(۱۹۴) تاریخ تشریع دین اسلام

بود! طرفین نزد رسول الله صلی الله علیه و آله مرافعه بردند، در پاسخشان این آیات سوره بقره نازل شد.

این روایات نیز نشان می‌دهند که ربا قبل از نزول این آیات تحریم شده بود، و اگر قبلاً حرام نشده بود و به مردم ابلاغ نشده بود مردم ثقیف از دادن بدهی ربوی خود امتناع نمی‌ورزیدند! (۱)

۱- المیزان ج: ۴، ص: ۳۷۱.

آیات قرآنی و روایات در منع و تحریم ربا (۱۹۵)

(۱۹۶)

فصل هفتم: تشریع حکم قصاص

تشریع حکم قصاص در جامعه اسلامی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ...!» (۱۷۸ و ۱۷۹ / بقره)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، قصاص جنایتی که واقع می‌شود، بر شما واجب است: آزاد در مقابل آزاد، برده در مقابل برده، زن در مقابل زن! پس اگر صاحب خون از برادرش (قاتل)

(۱۹۷)

بگذرد، قاتل باید که احسان او را به خوبی تلافی کند، و خون بهایی را که بدهکار است، به طرز خوبی بپردازد! این خود تخفیفی است از ناحیه پروردگارتان، و هم رحمتی است! پس اگر بعد از عفو کردن دبه در آورد و از قاتل قصاص بگیرد، عذابی دردناک دارد! و شما را در قصاص حیات است، ای خردمندان! اگر بخواهید تقوی داشته باشید!»

در این که خطاب را متوجه خاص مؤمنین کرده، اشاره است به این که حکم قصاص مخصوص جامعه مسلمین است، کفاری که در کشورهای اسلامی به عنوان اهل ذمه زندگی می‌کنند، و غیر آنان از کفار، مشمول آیه نیستند، و آیه از کار آنان ساکت است.

این آیه به منزله تفسیر آیه ۴۹ سوره مائده است که فرمود:

«أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ...!»

(۱۹۸) تاریخ تشریع دین اسلام

مفهوم عفو در قصاص

عفو از قاتل تنها در حق قصاص است، هر حقی که باشد، چه تمامی حق قصاص باشد و چه بعضی از آن - مثل این که صاحبان خون چند نفر باشند، بعضی حق قصاص خود را به قاتل ببخشند و بعضی نبخشند، که در این صورت هم دیگر قصاص عملی نمی‌شود بلکه تنها باید دیه، یعنی خونبها بگیرند.

در آیه فوق از صاحبان خون تعبیر فرمود به «برادران قاتل»، و این برای آن است که حس محبت و رأفت آنان را به نفع قاتل برانگیزد، و نیز بفهماند که:

- در عفو لذتی است که در انتقام نیست!

حکم به انتقال از قصاص به دیه، خود تخفیفی است از پروردگار، و به همین جهت

مفهوم عفو در قصاص (۱۹۹)

تغییر نمی‌پذیرد. پس ولی خون نمی‌تواند بعد از عفو دوباره دبه در بیاورد، و از قاتل قصاص بگیرد. اگر چنین کند، او هم متجاوز است و عذابی دردناک دارد!

اثر قصاص در حیات انسان‌ها

- «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (۱۷۹ / بقره)

این آیه به حکمت و فلسفه تشریع حکم قصاص اشاره می‌کند، و هم توهمی را که ممکن است از تشریع عفو و دیه به ذهن می‌رسد، دفع می‌کند. و نیز مزیت و مصلحتی را که در عفو است، یعنی نشر رحمت و انگیزش رأفت، بیان نموده و می‌فرماید:

- عفو به مصلحت مردم نزدیک‌تر است، تا انتقام!

(۲۰۰) تاریخ تشریع دین اسلام

و حاصل معنای آیه این است که، عفو هر چند تخفیفی و رحمتی است، نسبت به قاتل، و لکن مصلحت عموم تنها با قصاص تأمین می‌شود. قصاص است که حیات را ضمانت می‌کند، نه عفو و دیه گرفتن، و نه هیچ چیز دیگر، و این حکم هر انسان دارای عقل است. و این که فرمود: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ!» معنایش این است که بلکه شما از قتل بپرهیزید.

سابقه تاریخی قصاص در ملل و ادیان

در عصر نزول آیه قصاص، و قبل از آن نیز عرب به قصاص و حکم اعدام قاتل معتقد بود، و لکن قصاص او حد و مرزی نداشت، بلکه به نیرومندی و ضعف آن‌ها بستگی داشت، و چه بسا می‌شد که یک مرد در مقابل یک مرد و یک زن در مقابل یک زن قصاص

سابقه تاریخی قصاص در ملل و ادیان (۲۰۱)

می‌شد، و چه بسا می‌شد در برابر کشتن یک مرد، ده مرد کشته می‌شد، و یا در مقابل قتل یک برده یک آزاد به قتل می‌رسید، و در

برابر مرئوس یک قبیله، رئیس قبیله قاتل قصاص می‌شد، و چه بسا می‌شد که یک قبیله قبیله‌ای دیگر را به خاطر قتل نابود می‌کرد. ملت یهود نیز به قصاص معتقد بودند. حکم قصاص در فصل ۲۱ و ۲۲ سفر خروج و فصل ۳۵ سفر عدد از تورات آمده است. قرآن کریم در آیه ۴۵ سوره مائده آن را چنین نقل فرموده است:

«در آن الواح (موسی) برایشان نوشتیم: یک نفر به جای یک نفر، چشم به جای چشم، بینی در برابر بینی، گوش در مقابل گوش، دندان در برابر دندان، زخم در برابر زخم، قصاص باید کرد!»

مسیحیان، به طوری که حکایت کرده‌اند، در مورد قتل به غیر از عفو و گرفتن خونبها

(۲۰۲) تاریخ تشریع دین اسلام

حکمی نداشتند. سایر شعوب و امت‌ها هم با اختلاف طبقاتی‌شان، فی‌الجمله حکمی برای قصاص در قتل داشتند، هر چند که ضابطه درستی حتی در قرون اخیر برای حکم قصاص معلوم نکردند.

در این میان، اسلام عادلانه‌ترین راه را پیشنهاد کرد، نه آن را به کلی لغو کرد، و نه بدون حد و مرزی اثبات کرد، بلکه قصاص را اثبات کرد، ولی تعیین اعدام قاتل را لغو نمود، و در عوض صاحب خون را مخیر کرد میان عفو و گرفتن دیه، آن‌گاه در قصاص رعایت معادله میان قاتل و مقتول را هم نمود و فرمود:

– آزاد در مقابل آزاد اعدام شود، برده در ازاء کشتن برده، و زن در مقابل کشتن زن!

(بحث تحلیلی مربوط به حکم قصاص و جواب اعتراضات مربوط به حکم اعدام، به طور مفصل از صفحه ۴۲۹ تا صفحه ۴۳۶ در جلد دوم المیزان مطرح گردیده است که

سابقه تاریخی قصاص در ملل و ادیان (۲۰۳)

خواننده محقق را به این مبحث رجوع می‌دهیم!) (۱)

۱- المیزان ج: ۲، ص: ۴۲۲.

(۲۰۴) تاریخ تشریع دین اسلام

فصل هشتم: تشریع جهاد و آغاز جنگ‌های صدر اسلام

تاریخ تشریع جهاد

«كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ...!» (۲۱۶ تا ۲۱۸ / بقره)

در این فصل، کلیات احکام مربوط به تشریع جهاد، که تأثیر آن‌ها در تاریخ اسلام بسیار زیاد بوده، بیان می‌شود. جزئیات این احکام و مسائل تفسیری و فقهی

(۲۰۵)

آن در جلد‌های بعدی در موضوع ساختار جامعه و قوانین اسلامی، بیان خواهد شد. آیاتی که واجب بودن جنگ و جهاد را بر مؤمنین تشریع فرموده، چنین شروع می‌شود:

– «مقرر گردید بر شما حکم جهاد، و حال آن‌که بر شما ناگوار و مکروه می‌آید، لکن چه بسیار می‌شود که چیزی را شما ناگوار شمارید ولی به حقیقت خیر و صلاح شما در آن بوده است، و چه بسیاری چیزی را که دوست دارید، در واقع شر و فساد شما در آن است! و خداوند به مصالح امور داناست، و شما نمی‌دانید!»

آیه شریفه دلالت دارد بر این‌که جنگ و جهاد بر همه مؤمنان واجب است مگر کسانی که مشمول دلیل استثنا باشند،

مانند آنچه آیه زیر بیان می‌فرماید:

«بر نابینا باکی نیست، و نه بر لنگ، و نه بر بیمار (که به جهاد بروند).» (۱۷ / فتح)

(۲۰۶) تاریخ تشریع دین اسلام

مردم به تصریح این آیه از تکلیف جهاد کراهت داشتند، با این که جهاد یک تکلیف الهی است، دلیل مؤمنین را می‌توان به وجه زیر توجیه کرد:

جنگ از نظر این که موجب مرگ انسان‌ها و رنج بدن‌ها و گرانی و زیان‌های مالی و بالاخره باعث ناامنی و ناراحتی است، طبعاً بر مؤمنان هم گران بوده است. با این که گروه زیادی از مؤمنین فداکاری و ایثار و شایستگی خود را در جنگ‌های بدر و احد و خندق نشان داده بودند، ولی گروهی نیز آدم‌های ضعیف و بیمار دل و منحرف در داخل جرگه مسلمان‌ها بودند که در این وظیفه بزرگ کندی و سهل‌انگاری می‌کردند....

ولی خداوند متعال، در هر صورت، این رأی آن‌ها را تخطئه کرده و بیان فرموده که دعوت و تبلیغ در این مردم شقی و نابکار تأثیری ندارد، و از بسیاری از ایشان کوچکترین نفعی عاید دیدن نخواهد شد، و آنان در جامعه انسانی همانند تاریخ تشریع جهاد (۲۰۷)

عضو فاسدی هستند که فسادش به سایر اعضاء سرایت می‌کند، و جز بریدن و دور انداختن، درمانی برایش متصور نیست. در این آیه از پیکار در ماه حرام منع و نکوهش شده، و به عنوان کفر و جلوگیری از راه خدا معرفی شده است، ولی در عین حال می‌فرماید:

«گناه بیرون کردن اهل مسجدالحرام از آن بزرگتر، و فتنه و آشوب از کشتار بالاتر است!» (۲۱۷ / بقره)

از لحاظ تاریخی، این بیان، دلیل وقوع حادثه‌ای بوده است، که موجب سؤال از جنگ در ماه حرام شده است، و نیز می‌رساند که قتلی نیز واقع شده است، ولی این قتل عمدی نبوده است.

این‌ها قرائنی از خود آیه، که نشان می‌دهد بعضی از مؤمنین در ماه حرام، به قصد

(۲۰۸) تاریخ تشریع دین اسلام

انجام وظیفه، بعضی از کافران را به قتل رسانیده بودند، و آنان مؤمنان را بر این عمل نکوهش و سرزنش می‌کردند. این تصدیق داستان «عبداله بن جحش» و همراهان اوست که جزئیات آن را در روایات زیر می‌خوانید:

«رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله عبداله بن جحش را در ماه حرام به «نخله» فرستاد، و به او فرمود در آن‌جا باش تا خبری از اخبار قریش برای ما بیاوری، و او را امر به نبرد نفرمود. پیش از آن که خبر حرکتش را به وی بدهد نامه‌ای نوشته و به او داد و آن‌گاه فرمود: - با یاران حرکت کن، و بعد از دو روز راهپیمایی این نامه را باز کن و به مضمونش عمل کن. و هیچ یک از همراهان را مجبور به آمدن با خودت مکن!

عبدالله حرکت کرد و بعد از دو روز طی مسافت نامه را گشود و دید که نوشته است:

- به سیر خود ادامه بده تا به «نخله» رسی! هنگامی که نامه را

تاریخ تشریع جهاد (۲۰۹)

برای یاران می‌خواند، گفت:

- به چشم! هر کسی که میل شهادت دارد با من بیاید، که من برای انجام فرمان پیامبر می‌روم، و هر کسی میل ندارد برگردد، زیرا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مرا از مجبور کردن شما منع فرموده است.

همراهان با او رفتند تا به «نجران» رسیدند. در آن‌جا سعد و عتبہ شتر خود را گم کرده و در جستجوی آن برآمدند و از یاران عقب

ماندند، بقیه حرکت کردند تا به نخله رسیدند. در آنجا با چهار نفر از مکیان برخورد کردند - عمرو خضرمی، حکم بن کیسان، عثمان و مغیره بن عبدالله - که از سفر طائف برگشته و روغن زیتون و نان خورش با خود آورده بودند....

همراهان عبدالله بن جحش با یکدیگر تبادل افکار کردند که چه باید کرد؟ و آن روز

(۲۱۰) تاریخ تشریع دین اسلام

روز آخر جمادی بود. گفتند که اگر آنها را بکشید، در ماه حرام کشته‌اید، و اگر به حال خود واگذارید همین امشب به مکه خواهند رفت و از شما جلوگیری خواهند کرد!

بالاخره رأی همگی بر این قرار گرفت که آنان را به قتل برسانند. واقد بن عبدالله تیری به عمرو خضرمی زد و او را از پای در آورد. عثمان بن عبدالله و حکم بن کیسان دستگیر شدند ولی مغیره فرار کرد و دیگر بر او دست نیافتند.

آن‌گاه به مدینه راندند و آن‌ها را نزد پیغمبر بردند. حضرت فرمود: به خدا قسم من شما را به نبرد در ماه حرام امر نکردم! آن‌گاه اسیران را با بارهایشان نگه داشت و تصرفی در آن‌ها نکرد. ایشان چون این سخن را از پیغمبر شنیدند از کار خویش پشیمان شدند، و آن را برای خود گناه بزرگی شمردند. و از طرفی هم مورد سرزنش و درشتی برادران مسلمانان قرار گرفتند.

تاریخ تشریع جهاد (۲۱۱)

قریش همین که از ماجرا مطلع شدند گفتند که محمد خون حرام ریخته، و مال به ناروا گرفته، و مردانی به اسارت برده، و حرمت ماه حرام را شکسته است....!

در این هنگام آیه زیر نازل شد و پیغمبر بارها گرفت و اسیران را با گرفتن عوض آزاد کرد:

- «از تو پرسند که جنگ کردن در ماه حرام چگونه است؟ بگو: جنگ کردن در آن بزرگ، و بازداشتن از راه خدا و کفر به او و به مسجد الحرام و بیرون کردن مردمش از آن نزد خدا بزرگتر است، و فتنه از کشتار بزرگتر است...!» (۲۱۷/ بقره) مسلمانان گفتند:

- یا رسول الله مگر در ماه حرام جنگ خواهیم داشت؟ آیه نازل شد:

- «کسانی که ایمان آوردند و کسانی که هجرت کردند و در راه خدا جهاد کردند، اینان امید

(۲۱۲) تاریخ تشریع دین اسلام

رحمت خدا را دارند، و خدا آمرزگار و مهربان است!» (۲۱۸/ بقره)

ایشان هشت نفر بودند و نفر نهمی امیرشان عبدالله بن جحش بود. (نقل از ابن جریر و ابن اسحق و ابن ابی حاتم و بیهقی از طریق یزید بن رومان از عروه - در تفسیر الدر المنثور) (۱)

تدریج در صدور فرمان جهاد

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا...!» (۱۹۰ تا ۱۹۵ / بقره)

۱- المیزان ج: ۳، ص: ۲۳۶.

تدریج در صدور فرمان جهاد (۲۱۳)

قرآن همواره مسلمانان را در قبال آزار مشرکان به خویشنداری و خودداری از جنگ سفارش می‌کرد، جایی می‌فرمود:

- «بگو: ای کافران! من عبادت نمی‌کنم آن‌چه را که شما عبادت می‌کنید... دین شما برای شما و دین من برای من!» (سوره کافرون) مفهوم این آیه این بود که - حالا - که ما و شما هیچکدام معبود دیگری را نمی‌پرستیم، پس خوب است که مزاحم همدیگر هم نشویم، دین من برای خودم و آیین شما از آن خودتان! در جایی دیگر فرمود:

- «بر آنچه می‌گویند صبر کن!» (۱۰/مزمّل)

نیز فرموده:

(۲۱۴) تاریخ تشریع دین اسلام

- «بسیاری از اهل کتاب، بعد از آن که حق برایشان روشن شد، از روی حسد، دوست داشتند که شما را، بعد از ایمان به حالت کفر برگردانند، پس شما عفو کنید و در گذرید تا خدا امر خود را بیاورد...!» (۱۰۹ / بقره)

ولی هنگامی که مشرکان مکه آزار و ستم را از حد گذراندند و مسلمانان را فوق‌العاده تحت فشار قرار دادند، از طرف خدای تعالی به مسلمین اجازه جنگ و دفاع از حقوق مشروعه خود صادر شد، و فرمود:

- «به کسانی که مورد حمله و نبرد قرار می‌گیرند، و به واسطه این که ستم کشیده‌اند، اذن داده شد! و خدا به یاری ایشان تواناست! همان کسان که به ناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند...!» (۳۹ و ۴۰ / حجر)

در آیه ۱۹۰ تا ۱۹۵ سوره بقره، دستور کارزار با مشرکین مکه، برای

تدریج در صدور فرمان جهاد (۲۱۵)

اولین بار، صادر شد و فرمود:

- «با کسانی که به کارزار شما پردازند، در راه خدا کارزار کنید! و تجاوز نکنید، که خدا تجاوزکاران را دوست ندارد!

- هر جا آنان را یافتید بکشیدشان! و از آن جا که شما را بیرون کردند، بیرونشان کنید! و فتنه از کشتار سخت‌تر است! و به نزدیک مسجدالحرام کارزار نکنید، مگر آن‌ها در آن جا به پیکار شما آیند! پس، اگر با شما جنگیدند، بکشیدشان! چنین است سزای کافران! اگر باز ایستادند، خدا آمرزگار و رحیم است! با ایشان نبرد کنید تا فتنه‌ای نباشد، و دین از آن خدا شود! و اگر باز ایستادند، تجاوزی بر ستمکاران نیست!»

آیات فوق حدود و اطراف و لوازم حکم جهاد را به شرح زیر بیان می‌کنند: ۱ X - اصل حکم: «قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ... جنگ کنید در راه خدا!»

(۲۱۶) تاریخ تشریع دین اسلام

۲ - نظم و محدودیت آن: «وَلَا تَغْتَدُوا... تعدی و تجاوز نکنید!»

۳ - تشدید و سختگیری: «وَأَقْتُلُوهُمْ... بکشیدشان هر جا که یافتید، و از آن جا که شما را بیرون کردند بیرونشان کنید!»

۴ - محدودیت مکانی: «وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ... نزد مسجدالحرام جنگ نکنید!»

۵ - امتداد زمانی: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ... تا فتنه از بین نرفته جنگ را ادامه دهید!»

۶ - حکم قصاص در کارزار و کشتار: «ماه حرام برابر ماه حرام، و حرمت‌ها را قصاص است، پس اگر کسی بر شما تعدی کرد، همانند تعدی که بر شما کرده بر او تعدی کنید، و تقوا ورزید، و بدانید که خدا با متقین است!» (۱۹۴ / بقره)

تدریج در صدور فرمان جهاد (۲۱۷)

۷ - تجهیز مالی و بودجه جنگ: «در راه خدا انفاق کنید، و خویشان را با دست خود به هلاکت می‌فکنید و نیکوکاری کنید، که خدا نیکوکاران را دوست دارد!» (۱۹۵ / بقره) تمامی آیات فوق بر مجوز نبرد و قتال با مشرکین مکه دور می‌زند، و هدف واحدی را دنبال می‌کند.

البته این آیات شامل جنگ با اهل کتاب نمی‌شود، زیرا علت کارزار را برچیده شدن بساط بت‌پرستی و برقرار شدن دین توحید و آیین یگانه‌پرستی، قرار داده است. با این که ایمان اهل کتاب کفر است، ولی دینشان توحیدی است، هر چند که به دین

حق نگرویده‌اند:

- «به خدا و روز بازپسین ایمان نیاورده‌اند، حرام خدا را حرام نمی‌دانند، و به دین حق نگرویده‌اند!» (۲۹/توبه)

(۲۱۸) تاریخ تشریع دین اسلام

ولی اسلام از ایشان به همین ایمان و توحید ظاهری قناعت کرده و جنگ با آنان را به منظور غلبه یافتن دین اسلام بر سایر ادیان و زبردست شدن ایشان، دستور داده، و لذا موقعی که «جزیه - مالیات» را پذیرفتند، به جنگ خاتمه داده می‌شود.

حاصل آن که قرآن می‌گوید:

- اسلام، دین توحید، بر پایه فطرت استوار است، و چنین دینی می‌تواند جامعه انسانی را اصلاح کرده و مقرون به سعادت سازد، بنابراین مهمترین و پر ارزش ترین حقوق مشروع انسانیت، برپا داشتن و نگهداری آن است.

- دین حق و آئین یگانه پرستی جز با دفاع و جلوگیری از تأثیر عوامل فساد، باقی و استوار نمی‌ماند. و این جنگ و جهاد، چه به عنوان دفاع، و چه به عنوان حمله ابتدائی، زنده کننده و باعث حیات اجتماع انسانی است. مبارزه با شرک و دفاع از حق

تدریج در صدور فرمان جهاد (۲۱۹)

فطری انسانیت، به منزله بازگشت دادن روح به قالب اجتماع و زنده کردن آن است!

- چنین مبارزه‌ای به وقوع خواهد پیوست، به دست بندگان خالص خدا! البته باید در نظر داشت که آن چه مبلغین مسیحی علیه السلام گفته و آن را دین شمشیر و خون و زور و اجبار نامیده، و برخلاف روش سایر پیامبران شمرده‌اند، یک برداشت غلط از اسلام و احکام آن است.

قرآن کریم احکام اسلام را مبتنی بر حکم صریح و تخلف ناپذیر فطرت، که به طور قطع کمال انسانیت در پیروی از آن است، می‌داند. فطرت قضاوت می‌کند که تنها پایه استوار قوانین فردی و اجتماعی توحید و یگانه پرستی است. دفاع و طرفداری از این اصل و حفظ و ترویج آن، حق مشروع انسانیت است که باید به هر وسیله‌ای ممکن شود استیفاء گردد.

(۲۲۰) تاریخ تشریع دین اسلام

اسلام برای استیفاء این حق، اول به صرف دعوت قناعت کرده و پیروان خود را در قبال اذیت و آزار مشرکین به خویشتن داری امر فرموده است. بعد برای بقاء دین و اساس آئین و حفظ جان و مال مسلمین اجازه دفاع داده است. در نهایت، برای دفاع از حق انسانیت و پیروی از قانون فطرت امر به جهاد فرموده است، تا دعوت صحیح به عمل آید، و تا حجت بر طرف مقابل تمام نشده جنگ را جایز نشمده است. روش پیامبر گرامی اسلام بهترین گواه این امر است.

تاریخ زندگی و روش سایر پیامبران گرامی خدا نیز چنین بوده است:

- مطالعه تاریخ زندگی پیامبران نخستین مانند نوح و هود و صالح علیهم السلام نشان می‌دهد که این بزرگان پیوسته از اطراف و اکناف تحت فشار بودند و هیچ گاه مجال جنگ و مبارزه‌ای برایشان دست نمی‌داد هم چنین، عیسی علیه السلام مادامی که در بین

تدریج در صدور فرمان جهاد (۲۲۱)

مردم و مشغول به دعوت و تبلیغ بود، پیروان زیادی که بتواند با کمک آنها نهضت ایجاد کند، نداشت، و عمده پیشرفت آیین آن حضرت هنگامی بود که خورشید اسلام طلوع می‌کرد و به دوران مشعلداری آن خاتمه می‌داد، و احکام آن در پشت پرده‌های نسخ مستور می‌گشت.

- ولی جمعی از پیامبران که زمینه را برای مبارزه مساعد می‌دیدند، به دستور خدای تعالی قیام می‌کردند و به نبرد می‌پرداختند.

تورات، داستان جنگ‌های ایشان را نقل کرده، و قرآن مجید نیز به شرح قسمتی از آنها پرداخته است:

- «بسی پیامبر که خدادوستان و جمعیت‌های بسیاری به همراهی آنان کارزار کردند...» (۱۴۶/آل عمران)

(۲۲۲) تاریخ تشریع دین اسلام

قرآن مجید در بیان داستان بنی اسرائیل با عمالقه از زبان حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید:

«ای قوم من! به سرزمین مقدسی که خدا برای شما مقرر کرده درآئید و به پشت برنگردید، که زیانکار شوید...! گفتند: ای موسی! مادام که آن گروه آن‌جا هستند ما هرگز بدان در نخواهیم آمد. تو و پروردگارت بروید و کارزار کنید، که ما همین‌جا نشسته‌ایم!» (۲۱ تا ۲۴/مائده) در داستان طالوت و جالوت می‌فرماید:

«مگر ندیدی آن گروه بنی اسرائیل را پس از موسی، که به پیامبرشان گفتند: پادشاهی برای ما برانگیز تا در راه خدا نبرد کنیم!» (۲۴۶ / بقره)

در داستان حضرت سلیمان و ملکه سبأ، از زبان سلیمان علیه السلام می‌فرماید: «بر من برتری مجوید و مطیعانه پیش من آئید. بازگرد به سوی ایشان! ما حتما سپاهانی که تدریج در صدور فرمان جهاد (۲۲۳)

تاب آن‌ها را نداشته باشند به‌سویشان بریم، و از آن‌جا خوار و زبون بیرونشان کنیم!» (۳۷/نمل) و این تهدید به یک جنگ ابتدایی بوده است.

از این‌جا معلوم می‌شود که جنگ در شرایع قبلی بوده، و به طور قطع در بعضی از آن‌ها، حتی حمله ابتدایی جایز بوده است. (۱)

ممانعت کفار از مراسم حج مسلمانان

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...» (۲۵ / حج)

۱- المیزان ج: ۳، ص: ۸۸.

(۲۲۴) تاریخ تشریع دین اسلام

این آیات گوشه دیگری از تاریخ صدر اسلام را یادآور می‌شود، آن‌گاه که کفار مشرک، مؤمنین را از ورود به مسجدالحرام جلوگیری می‌کردند، و عوامل مزاحمت آنان را فراهم می‌ساختند. خداوند می‌فرماید:

«کسانی که کافر شدند و لایزال مردم را از راه خدا، که همان دین اسلام است، باز می‌داشتند، و مؤمنین را از ورود به مسجدالحرام، که ما آن را معبدی برای مردم قرار دادیم، که عاکف و بادی در آن برابند، جلوگیری می‌کنند، از عذاب الیمشان بچشانیم، چون آن‌ها با مردم با الحاد و ظلم مواجه می‌شوند، و کسی که چنین باشد، ما از عذابی دردناک می‌چشانیمش!»

مراد از «کسانی که کافر شدند» مشرکین مکه است، که به نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله کفر

ممانعت کفار از مراسم حج مسلمانان (۲۲۵)

ورزیدند، و در اول بعثت، یعنی قبل از هجرت، مردم را از اسلام جلوگیری کردند. مقصود از «سبیل خدا» همان اسلام است، و نیز مؤمنین را از داخل شدن به مسجدالحرام، برای طواف کعبه و نماز خواندن در آن و سایر عبادات، باز می‌داشتند. عبارت «یصدون» استمرار در جلوگیری را می‌رساند، و نشان می‌دهد کفار به طور مداوم از ورود مسلمانان به مسجدالحرام جلوگیری می‌کردند، و مؤمنین را از راه خدا باز می‌داشتند، یعنی آن‌ها را از اداء عبادات و مناسک در کعبه باز می‌داشتند، و نمی‌گذاشتند کسی هم از خارج وارد مکه شود.

در این آیه خداوند متعال وصفی از مسجدالحرام با این عبارت می‌فرماید که: «الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ - آن را محل عبادت مردم

قرار دادیم!»

یعنی این که ملک آن را به مردم واگذار نکردیم بلکه مردم مالک این معنی هستند که

(۲۲۶) تاریخ تشریع دین اسلام

در مسجدالحرام عبادت کنند و کسی نتواند از ایشان جلوگیری کند!

خداوند متعال می‌خواهد بفهماند که عبادت مردم در مسجدالحرام حق ایشان است، و جلوگیری ایشان از این کار تجاوز و تعدی در حق و الحاد به ظلم است، و عبارت «سَبِيلُ اللَّهِ» این معنی را افاده می‌کند که جلوگیری از عبادت در مسجد تعدی به حق الله است. در تأیید این معنی ادامه می‌دهد که «سَوَاءٌ أَلْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادُ...» یعنی اهل آن، و خارجی‌هایی که داخل آن می‌شوند، در این که حق دارند در آن مسجد عبادت کنند، برابرند!

و لازمه عمل حریم و بازداری مسلمانان از ورود به مسجدالحرام برای عبادت، کفیری است که خداوند در آخر آیه می‌فرماید:

«ما به هر کس از ایشان که بخواهد در آنجا تجاوز و ستمی بکند عذابی الیم

ممانعت کفار از مراسم حج مسلمانان (۲۲۷)

خواهیم داد!» (۱)

پیش در آمد جنگ‌های صدر اسلام

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ!»

(۱۵۳ تا ۱۵۷ / بقره)

قبل از نازل شدن دستور جهاد و تشریع آن، خدای تعالی آیاتی را به عنوان ایجاد زمینه فکری جهت آمادگی جامعه نوپای اسلامی آن روز نازل فرمود، و در آن آیات پیشگویی بلایی شده بود که نزدیک بود مسلمان‌ها با آن روبه‌رو شوند.

۱- المیزان ج: ۲۸، ص: ۲۳۷.

(۲۲۸) تاریخ تشریع دین اسلام

البته این بلا- مانند قحطی و وبا و یا هر بلای عمومی دیگر نبود، بلکه بلای عامی بود که خود مسلمانان خود را بدان نزدیک کرده بودند، بلایی است که به جرم پیروی از دین توحید و اجابت دعوت حق بدان مبتلا شدند. جمعیت اندکی که همه دنیا، و مخصوصاً قوم و قبیله خود آنان، مخالفشان بودند، و همه می‌خواستند نور خدا و کلمه عدالت و دعوت حق را خاموش و نابود کنند. دشمنان برای رسیدن به هدف خود راه قتال و جنگ را برگزیده بودند، زیرا هر راه دیگری که رفته بودند نتوانسته بودند مقاومت مسلمانان را درهم بشکنند.

از طرف مسلمانان نیز چاره‌ای جز دفاع متقابل وجود نداشت، زیرا از روزی که بشر پا به دنیا نهاده این تجربه را به دست آورده که برای توسعه حق باید باطل را از محیط دور ساخت.

پیش در آمد جنگ‌های صدر اسلام (۲۲۹)

آیات فوق به طور اشاره خبر می‌دهند که چنین محنت و بلایی رو به آمدن است. سخن از قتل و جهاد در راه خدا پیش کشیده شده، ولی این بلا- را مانند بلاهای دیگر مکروه و ناگوار توصیف نکرده، و این قتال مرگ را نابودی نشمرده، بلکه آن را حیاتی معرفی کرده که مؤمنین با شناخت و معرفت به آن حیات، خود را برای جنگ و قتال آماده کنند.

به مؤمنین خبر می‌دهد که بلایی در پیش دارند و این بلاء امتحانی است که هرگز به مدارج عالی و رحمت پروردگاری و به اهداء به هدایتش نمی‌رسند، مگر آن که در برابر آن صبر کنند و مشقت‌هایش را تحمل نمایند.

این حقیقت را به مؤمنین تعلیم می‌دهد که برای رسیدن به اهداف خود از جنگ و قتال از چه کمک بگیرند، می‌فرماید:

(۲۳۰) تاریخ تشریع دین اسلام

– «ای کسانی که ایمان آوردید! از صبر و نماز استعانت جوئید، که خدا با صابران است!» (۴۵ / بقره)

صبر، عبارت است از خودداری از ناشکیبی و از دست ندادن امر تدبیر، و نماز عبارت است از توجه به سوی پروردگار، و انقطاع به سوی کسی که همه امور به دست اوست! (۱)

اولین اجازه دفاع برای مسلمین

«أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا...!» (۳۹ / حج)

۱- المیزان ج: ۲، ص: ۲۳۹.

اولین اجازه دفاع برای مسلمین (۲۳۱)

آیه فوق اذن جنگ با کفار را به مسلمانان می‌دهد. این اولین آیه‌ای است که درباره جهاد نازل شده است، چون مسلمانان مدت‌ها بود از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله درخواست اجازه می‌کردند تا با مشرکین قتال کنند، و حضرت به ایشان می‌فرمود که من مأمور به قتال نشده‌ام و در این باره هیچ دستوری نرسیده است.

آن حضرت تا در مکه بود همه روز عده‌ای از مسلمانان نزدش می‌آمدند که کتک خورده بودند و یا زخمی شده بودند، و شکنجه دیده بودند، در محضر آن جناب از وضع خود و ستم‌هایی که از مشرکین مکه، و گردن کلفت‌های آنان می‌دیدند، شکوه می‌کردند، حضرت هم آن‌ها را تسلیت می‌داد، و امر به صبر و انتظار فرج می‌کرد، تا آن‌که این آیات نازل شد و در آن اذن دفاع و جهاد داده شد.

(۲۳۲) تاریخ تشریع دین اسلام

بعضی از مفسرین آیات دیگری را به عنوان اولین دستور جهاد تلقی کرده‌اند، ولی اعتبار عقلی اقتضا می‌کند که همین آیه اولین آن‌ها باشد، برای این که صریحاً کلمه «اذن» در آن آمده و هم‌چنین در آن زمینه‌چینی لازم شده، و مردم را برای جهاد تهییج و دل‌ها را تقویت نموده، و با وعده نصرت به طور اشاره و تصریح آنان را ثابت‌قدم کرده، و رفتاری را که خدای تعالی با اقوام ستمگر گذشته نموده، یادآور شده است!

همه این‌ها از لوازم تشریع احکام مهم، و بیان و ابلاغ برای اولین بار آن است، آن هم حکم جهاد که بنای آن بر اساس فداکاری و جانبازی است، و از دشوارترین احکام اجتماعی اسلام، و مؤثرترین آن‌ها در حفظ اجتماع دینی است.

آری! ابلاغ چنین حکمی برای اولین بار بسیار احتیاج دارد به زمینه‌چینی، و بسط کلام، و بیدار کردن افکار، هم‌چنان که در همین آیات این روش به کار رفته است.

اولین اجازه دفاع برای مسلمین (۲۳۳)

چونکه اولاً کلام را با این نکته آغاز کرده است که:

– خدا مولای مؤمنان و مدافع ایشان است،

سپس به طور صریح اجازه قتال داده، و فرموده:

– شما تاکنون مظلوم بودید، و قتال تنها راه حفظ اجتماع صالح، از ظلم ستمگران است!

و در این آیه ایشان را به وصف صلاحیت ستوده، و آنان را شایسته و قابل برای تشکیل یک مجتمع دینی که در آن اعمال صالح عملی می‌شود، دانسته، و آن‌گاه رفتار خدا را نسبت به اقوام ستمگر گذشته حکایت کرده، و وعده داده است که به زودی انتقام

ایشان را از ستمگران معاصرشان خواهد گرفت، همان طور که از گذشتگان گرفت! در اولین آیه برای مطالب آیه اصلی که اذن بر قتال می‌دهد زمینه‌چینی شده است و می‌فرماید:

(۲۳۴) تاریخ تشریع دین اسلام

- «خدا از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند، و شر مشرکین را از ایشان دفع می‌کند، چونکه او ایشان را دوست می‌دارد، و مشرکین را دوست نمی‌دارد، برای این که مشرکین خیانت کردند.» (۳۸ / حج)
پس اگر او مؤمنین را دوست می‌دارد بدین جهت است که مؤمنین امانت را رعایت و نعمت خدای تعالی را شکر گذاشتند، پس در حقیقت خدا از دین خود (که امانت نزد مؤمنین است) دفاع می‌کند، و به همین جهت او ولی و مولای مؤمنین است! (۱)

دفاع یا جنگ تهاجمی

۱- المیزان ج: ۲۸، ص: ۲۶۱.

دفاع یا جنگ تهاجمی (۲۳۵)

«أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا...!» (۳۹ / حج)

«به کسانی که مورد حمله و نبرد قرار می‌گیرند، و به واسطه این که ستم کشیده‌اند، اذن داده شد! و خدا به یاری ایشان تواناست! همان کسان که به ناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند...!»

این آیه نشانگر اجازه مقابله به مثل برای مسلمانان است و می‌رساند که به آنان اجازه داده شده تا با کسانی که در حق آن‌ها ظلم می‌کنند به مقابله بپردازند پس خود عبارت دلیل بر این است که به چه کاری اجازه داده شده است.

فلسفه این اجازه هم همین است که مشرکین آغاز به این عمل کرده بودند و

(۲۳۶) تاریخ تشریع دین اسلام

اصولاً خواستار جنگ و نزاع بودند، و مسلمانان را می‌کشتند و کتک می‌زدند، عبارت «بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا...» سبب این امر را صراحت می‌بخشد، و همین خود علت اذن را می‌فهماند، و می‌رساند که اگر مسلمانان را که همواره از مشرکین تосری می‌خوردند اجازه قتال دادیم به خاطر همین است که ظلم می‌شدند.

دفاع یا جنگ تهاجمی (۲۳۷)

و اما این که چگونه ظلم می‌شدند؟

در ادامه آیه این مظلومیت مؤمنین را بیان می‌کند، و می‌فرماید که چگونه کفار بدون هیچ حقی و مجوزی مسلمانان را از دیار و وطنشان مکه بیرون کردند، آن هم نه این طور که دست ایشان را بگیرند و از خانه و شهرشان بیرون کنند بلکه آن قدر شکنجه و آزار کردند، و آن قدر برای آنان صحنه‌سازی نمودند تا آن که ناگزیر شدند با پای خود شهر و زندگی را رها کردند و در دیار غربت منزل گزیدند، و از اموال و هستی خود چشم پوشیدند، و به فقر و تنگدستی گرفتار شدند، و عده‌ای به حبشه گریختند، و جمعی بعد از هجرت رسول الله صلی الله علیه و آله به مدینه، آن جا رفتند.

دلیل اخراج آن‌ها چه بود؟

(۲۳۸) تاریخ تشریع دین اسلام

دلیل اخراج آن‌ها تنها این بود که می‌گفتند: پروردگار ما الله است، نه بت‌ها!

این تعبیر اشاره می‌کند به این که مشرکین آن قدر نفهم و منحرف از حق بودند که این کلمه حق را از مسلمانان جرم می‌دانستند،

و همان را مجوز این می‌دانستند که ایشان را از وطن مألوف و دیار خود بیرون کنند! (۱)

تشریع جهاد و منابع مالی آن

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...!» (۲۴۴ تا ۲۵۲ / بقره)

۱- المیزان ج: ۲۸، ص: ۲۶۳.

تشریع جهاد و منابع مالی آن (۲۳۹)

این آیه جهاد را واجب می‌کند، و مردم را دعوت می‌کند به این که در تجهیز یکدیگر و فراهم نمودن عده و قوه، اتفاق کنند. در این آیه، و در سایر موارد، فریضه جهاد مقید به عبارت «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» شده است. این به خاطر آن است که به خیال کسی نیاید که این وظیفه دینی مهم صرفاً برای این تشریع شده که امتی بر سایر مردم تسلط پیدا کرده، و اراضی آنان را ضمیمه اراضی خود کند (همان‌طور که برخی نویسندگان تاریخ تمدن اسلام، چه جامعه‌شناسان و چه غیر ایشان این گونه خیال کرده‌اند!)

حال آن که چنین نیست، و عبارت «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» می‌فهماند که منظور از تشریع جهاد در اسلام برای این است که دین الهی که مایه صلاح دنیا و آخرت مردم است، در عالم سلطه یابد!

(۲۴۰) تاریخ تشریع دین اسلام

در این آیات مؤمنین را زنهار می‌دهد که مبدا در این سیر خود قدمی بر خلاف دستور خدا و رسولش بردارند، و کلمه‌ای در مخالفت بگویند، و حتی نفاقی در دل مرتکب شوند، آن طور که بنی اسرائیل کردند. در میان این آیات، داستان طالوت و جالوت را بیان می‌کند تا نفاقی که در بنی اسرائیل پیش آمده بود، تکرار نشود - آنان که در موقع جنگ از رهبرشان نافرمانی کردند ولی عاقبت فقط گروهی اندک به جنگ رفتند ولی با امداد الهی بر گروه کثیر پیروز شدند!

خدای تعالی هزینه‌ای را که مؤمنین در راه او خرج می‌کنند قرض گرفتن خودش نامیده، و این به خاطر همان است که می‌خواهد مؤمنین را بر این کار تشویق کند، و هم برای این است که انفاق‌های مورد نظر برای خاطر او بوده و نیز برای این است که خدای سبحان به زودی عوض آن را چند برابر به صاحبانش بر می‌گرداند. (۱)

تشریع جهاد و منابع مالی آن (۲۴۱)

۱- المیزان ج: ۴، ص: ۱۲۷.

(۲۴۲) تاریخ تشریع دین اسلام

جنگ با اهل کتاب

«قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ...!» (۲۹ / توبه)

قرآن مجید در آیه زیر مسلمین را امر می‌کند که با اهل کتاب جنگ کنند: - «با کسانی که از اهل کتابند و به خدا و روز جزا ایمان نمی‌آورند، و آنچه را خدا و رسولش حرام کرده، حرام نمی‌دانند، و به دین حق نمی‌گروند؛ کارزار کنید، تا با دست خود و به ذلت جزیه بپردازند!»

در ادامه آیه چگونگی انحراف آن‌ها را از حق، هم در مرحله اعتقاد و هم در مرحله عمل، شرح می‌دهد و می‌فرماید:

جنگ با اهل کتاب (۲۴۳)

- «یهودیان گفتند: عَزِيزِ پسر خداست؟! و نصاری گفتند: مَسِيحِ پسر خداست!؟»

این عقیده ایشان است که به زبان هم جاری می‌کنند. آن‌ها در عقیده مانند همان کسانی شدند که قبلاً کفر ورزیده بودند. خدا ایشان را بکشد! چگونه افتراءات کفار در ایشان اثر می‌گذارد!

به جای خدا، احبار و رهبانان خود را، و مسیح پسر مریم را، پروردگار خود دانستند، و حال آن‌که دستور نداشتند مگر به این که معبودی یکتا پرستند که جز او معبودی نیست، و او از آن‌چه که شریکش می‌پندارند منزّه است!» (۳۰ و ۳۱ / توبه)

دلایل جنگ با اهل کتاب

(۲۴۴) تاریخ تشریع دین اسلام

۱ - اولین وصفی که خداوند اهل کتاب را با آن توصیف کرده - ایمان نداشتن به خدا و روز جزاست!

سوالی پیش می‌آید که - این توصیف چگونه با آیاتی درست در می‌آید که اعتقاد به الوهیت خدا را به ایشان نسبت می‌دهد؟ یا در آیات دیگر اعتقاد به معاد را به ایشان نسبت می‌دهد، و آن‌گاه در این آیه می‌فرماید که - ایشان به روز جزا ایمان ندارند! جواب این است که خدای تعالی در کلام مجیدش میان ایمان به او، و ایمان به روز جزا، هیچ فرقی نمی‌گذارد، و کفر به یکی از آن دو را کفر به هر دو می‌داند، و هم‌چنین درباره کسانی که به خود خدا و بعضی از پیغمبران ایمان آورده و به بعضی دیگر ایمان نیاورده‌اند، حکم به «کفر» نموده است. (مانند آیه ۱۵۰ سوره نساء)

بنابراین، اهل کتاب هم که به نبوت پیامبر گرامی اسلام «حضرت محمد بن عبدالله

دلایل جنگ با اهل کتاب (۲۴۵)

صلوات الله علیه و آله» ایمان نیاورده‌اند، «کفار حقیقی» حساب می‌شوند، ولو این که اعتقاد به خدا و روز جزا داشته باشند!

(توجه کنید که این کفر را به لسان «کفر به آیتی از آیات خدا» که همان آیت نبوت باشد، نسبت نداده است بلکه به لسان «کفر به ایمان خدا و روز جزا» نسبت داده است، عیناً مانند مشرکین بت‌پرست که به خدا کفر ورزیدند و وحدانیتش را انکار کردند، هر چند وجودش را اعتقاد داشته و او را معبودی فوق معبودها می‌دانستند.)

اهل کتاب، اعتقادشان به خدا و روز جزا هم اعتقادی صحیح نیست و مسئله مبدأ و معاد را بر وفق حق تقریر نمی‌کنند، مثلاً در مسئله مبدأ که باید خدا را از هر شرکی بری و منزّه بدانند، مسیح و عَزَّوَجَلَّ را فرزند او می‌دانند، و در نداشتن توحید با مشرکین فرقی ندارند. هم‌چنین در مسئله معاد، که یهود قائل به «کرامت» هستند، و مسیحیان قائل به

(۲۴۶) تاریخ تشریع دین اسلام

«فدیّه» هستند!

۲ - دومین وصفی که برای ایشان کرده، این است که ایشان محرمات الهی را حرام نمی‌دانند؛

- یهود عده‌ای از محرمات را که خداوند در سوره بقره و نساء ذکر می‌کند حلال دانسته‌اند.

- مسیحیان خوردن شراب و گوشت خوک را حلال دانسته‌اند، حال آن‌که حرمت این‌ها در دین موسی و عیسی و خاتم الانبیاء مسلم است!

- هم‌چنین اهل کتاب مال مردم خوری را حلال می‌دانند که قرآن مجید آن را به روحانیون این دو ملت (احبار و رهبانان) نسبت داده است. (۳۴ / توبه)

۳ - سومین وصفی که خدای تعالی از اهل کتاب کرده، مسئله دین

دلایل جنگ با اهل کتاب (۲۴۷)

است، که فرموده آن‌ها دین حق را سنت و روش زندگی خود نمی‌گیرند!

«دین حق» آن است که حق اقتضاء می‌کند که انسان آن دین را داشته باشد، و انسان را به پیروی از آن دین وادار می‌سازد. وقتی گفته می‌شود که اسلام دین حق است، معنایش این است که اسلام سنت تکوین و طریقه‌ای است که نظام خلقت مطابق آن است، و فطرت بشر او را به پیروی از آن دعوت می‌کند، همان فطرت که خداوند بر آن فطرت انسان را آفرید، و در خلقت و آفریده خدا تبدیلی نیست، و این است دین استوار!!

از آنچه گذشت، خلاصه‌اش این می‌شود که اولاً ایمان نداشتن اهل کتاب به خدا و روز جزاء به معنای این است که ایشان ایمانی که نزد خدا مقبول باشد، ندارند! و جرم ندانستن ایشان محرمات خدا و رسول را، معنی‌اش این می‌شود که ایشان در تظاهر به گناهان و منهیات اسلام، و آن محرماتی که تظاهر به آن اجتماع بشری

(۲۴۸) تاریخ تشریع دین اسلام

را فاسد و زحمات حکومت حق حاکم بر آن اجتماع را بی‌اثر و خنثی می‌سازد، پروا و مبالاست ندارند! - المیزان ج: ۱۸، ص: ۷۱.

و تدین نداشتن ایشان به دین حق، معنایش این می‌شود که ایشان سنت حق را که منطبق با نظام خلقت، و نظام خلقت منطبق بر آن است، پیروی نمی‌کنند!

این اوصاف سه گانه، دلیل و حکمت خدا را در امر قتال با اهل کتاب بیان می‌کند، و با بیان آن مؤمنین را بر جنگ با همه آنان (نه با بعضی از آنها) تحریک و تشویق می‌نماید، و می‌فرماید:

- با اهل کتاب کارزار کنید! زیرا آنها به خدا و روز جزا ایمان نمی‌آورند، ایمانی که مقبول باشد، و از راه صواب منحرف نباشد، آنها محرمات الهی را حرام نمی‌دانند، و به دین حق که با نظام خلقت الهی سازگار باشد، نمی‌گروند،

دلایل جنگ با اهل کتاب (۲۴۹)

- با آنها کارزار کنید، و کارزار را ادامه دهید! تا آنجا که ذلیل و زبون و زیردست شما شوند، و نسبت به حکومت شما خاضع گردند، و خراجی را که برای آنها بریده‌اند، پرداخت کنند، تا ذلت خود را در طرز ادای آن مشاهده نمایند، و از سوی دیگر با پرداخت آن حفظ ذمه و خون خود و اداره امور خویشتن را تأمین نمایند! (۱)

جنگ‌های تهاجمی اسلام (شمشیرهای سه گانه)

۱- المیزان ج: ۱۸، ص: ۷۱.

(۲۵۰) تاریخ تشریع دین اسلام

جنگ‌های صدر اسلام تقریباً همگی جنگ‌های دفاعی بودند، و مسلمین قریب پنجاه و دو جنگ با کفار و مشرکین عرب یا با یهود اطراف مدینه، و قبایل دیگر، کرده‌اند، که آنها را غزوه و سریه می‌گویند.

غزوه، جنگ‌هایی است که رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در آن شخصاً حضور داشته است، و سریه جنگ‌هایی است که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در آن حضور نداشته است. در میان این جنگ‌ها می‌توان گفت که سه مورد زیر جنگ‌های تهاجمی بوده است که در این سه مورد، خداوند متعال دستور قتال و کارزار برای مسلمین صادر فرموده است. در روایات اسلامی حدیثی است از امام صادق علیه‌السلام به نام «حدیث شمشیرها» که از پدر بزرگوارش نقل کرده و فرموده است:

۱ - شمشیری که علیه مشرکین عرب به کار می‌رود، و لزوم به کار بردنش

جنگ‌های تهاجمی اسلام (شمشیرهای سه گانه) (۲۵۱)

آیه زیر است که می‌فرماید:

فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ...! (۵ / توبه)

۲- شمشیر دوم، شمشیری است که علیه اهل ذمه به کار می‌رود و لزوم به کار بردن آن آیه زیر است که می‌فرماید:
 - قَتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ! (۲۹ / توبه)

(این آیه ناسخ آیه «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا!» / ۸۳ / بقره "می‌باشد.)

پس، از اهل کتاب هر کس که در کشور اسلامی باشد از او پذیرفته نیست مگر - جزیه دادن یا کشته شدن، و در صورت جنگ و قتال، اموالشان غنیمت مسلمین، و زن و

(۲۵۲) تاریخ تشریع دین اسلام

بچه‌هایشان اسرای آنان خواهد بود و اگر چنانچه حاضر به پرداخت جزیه شدند البته در آن صورت بر ما مسلمین حرام است که اموالشان را بگیریم و ایشان را اسیر خود سازیم، در این حالت می‌توانیم از آنان زن بگیریم و با آنان ازدواج کنیم.

۳- شمشیر سوم، در مورد کسانی از اهل کتاب است که در کشورهای زندگی می‌کنند که با ما سر جنگ دارند، هم می‌توانیم اسیرشان کنیم و هم اموالشان را بگیریم، ولی نمی‌توانیم با زنان ایشان وصلت کنیم. ایشان بین سه چیز اختیار دارند: به کشورهای اسلامی کوچ کنند، یا جزیه پردازند، یا آن‌که کشته شوند.» (نقل از کافی) (۱)

شش فرمان جنگی

شش رمز پیروزی اسلام

۱- المیزان ج: ۱۸، ص: ۹۵.

شش فرمان جنگی: شش رمز پیروزی اسلام (۲۵۳)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا...!»

(۴۵ تا ۴۷ / انفال)

در قرآن مجید نکات مهمی به صورت فرامین نظامی وجود دارد که در جنگ‌های صدر اسلام نازل شده است، که این فرامین در فتح و پیروزی آنان مؤثر بوده است. از آن جمله شش فرمان تاریخی است که در آیات فوق در جنگ بدر نازل گردیده، و رعایت آن‌ها را خداوند متعال در جنگ‌های اسلامی در مصاف با دشمن بر مسلمین واجب گردانیده است:

۱- ثبات،

(۲۵۴) تاریخ تشریع دین اسلام

۲- ذکر کثیر خدا،

۳- اطاعت خدا و رسول الله،

۴- اجتناب از نزاع،

۵- اجتناب از غرور و شادمانی و خودنمایی در حرکت به سوی جنگ، ۶X- اجتناب از جلوگیری از راه خدا،

مجموعه این امور شش گانه، دستور نظامی جامعی است که هیچ دستور مهم جنگی از آن بیرون نیست. اگر انسان در جزئیات وقایع تاریخی جنگ‌های صدر اسلام، که در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله اتفاق افتاد، از قبیل جنگ بدر و احد و خندق و حنین و غیر آن، دقت کامل نماید، این معنا برایش روشن می‌شود که سر غلبه مسلمین، در آن جا که غالب شدند، رعایت مواد این دستورات

بوده است، و علت شکست خوردن آنان نیز، هر جا که

شش فرمان جنگی: شش رمز پیروزی اسلام (۲۵۵)

شکست خوردند، رعایت نکردن و سهل انگاری در آنها بوده است!

اینک شرح کامل آیات در توضیح نکات فوق و رموز آن:

خود آیات چنین معنی می‌دهد:

۱ - «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، وقتی برخوردید به گروهی از دشمن، پس پایداری کنید، و خدا را زیاد یاد کنید و به یاد

او باشید، باشد که رستگار شوید!» (۴۵ / انفال)

۲ - «و فرمانبرداری کنید خدا و فرستاده‌اش را، و نزاع نکنید که سست شوید و در نتیجه نیرویتان تحلیل رود، و خویشتن‌داری کنید

که خدا با خویشتن‌داران است!» (۴۶ / انفال)

۳ - «و مانند مشرکین و آن کسانی مباشید که با غرور و خودنمایی از دیار خود خارج شدند، و باز می‌داشتند از راه خدا، و خدا به

آن‌چه می‌کنید محیط است!» (۴۷ / انفال)

(۲۵۶) تاریخ تشریع دین اسلام

فرمان اول: ثبات قدم در جبهه

عبارت «فَاصْبِرُوا» فرمان و دستور مطلق است برای ایستادگی در مقابل دشمن و فرار نکردن. این فرمان با فرمان بعدی «فَاصْبِرُوا» فرق

دارد، که در آیه بعدی آمده است، و تکرار آن نیست. در آیه بعدی امر به صبر می‌فرماید - «وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ!» (۴۶ /

انفال)

صبر، نوعی ثبات خاص است، و آن عبارت است از ثبات در مقابل مکروه، هم به قلب - به این که دچار ضعف نگشته، و جزع و

فزع نکند؛ و هم به بدن - به این که کسالت و سهل انگاری ننموده، و از جا در نرود؛ و در مواردی که عجله پسندیده نیست،

شتابزدگی ننماید.

فرمان اول: ثبات قدم در جبهه (۲۵۷)

در مورد آیه فوق، فرمان: «صبر پیشه کنید، خدا با صابران است!» به این معنا است که همواره در برابر مصایب و ناملایمات جنگی،

که دشمن به وسیله آن تهدیدتان می‌کند، ملازم خویشتن‌داری بوده، و اکثراً در ذکر خدا و اطاعت او و رسولش، بوده باشید.

حوادث و سنگینی بار اطاعت شما را از جای نکند و از پای در نیاورد، و لذت معصیت و عجب و تکبر شما را گمراه نسازد!

تأکیدی که در عبارت فوق وجود دارد برای این است که صبر قوی‌ترین یاوری است در شداید و محکمترین رکنی است در برابر

تلون در عزم و سرعت تحول در اراده! و همین صبر است که به انسان فرصت تفکر صحیح می‌دهد، و به منزله خلوتی است که در

هنگام هجوم افکار پریشان و صحنه‌های هول‌انگیز و مصایبی که از هر طرف روی می‌آورد، به انسان فرصت می‌دهد که صحیح فکر

کند و رأی مطمئن و صد در صد اتخاذ

(۲۵۸) تاریخ تشریع دین اسلام

کند. پس خدای سبحان با مردم صابر است!

فرمان اول: ثبات قدم در جبهه (۲۵۹)

فرمان دوم: ذکر و یاد خدا

ذکر خدا فرمانی است که در آیه «وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا» (۴۵ / انفال) صادر شده، و به معنای یاد خدا در دل و در زبان است، چه این هر دو قسم ذکر است.

معلوم است آن چیزی که مقاصد آدمی را از یکدیگر مشخص و جدا می‌کند، آن حالات درونی و قلبی انسان است، حالا چه این که لفظ هم با آن حالت مطابق باشد، مثل کلمه «یا شافی!» از مریضی که از مرض خود به خدا پناه می‌برد، و یا مطابق نباشد، مثل این که همان مریض به جای آن دو کلمه بگوید: «ای خدا!» چون همین «ای خدا» از مریض به معنای «ای شفا دهنده» است، چون مقتضای حال و آن احتیاجی که او را به استغاثه و اداشته، شاهد این است که مقصودش از «ای خدا» جز این نیست،

(۲۶۰) تاریخ تشریع دین اسلام

و این خیلی روشن است.

کسی هم که به جنگ رفته و با دشمن روبه‌رو شده، می‌داند که در جنگ خون‌ها ریخته می‌شود، و دست و پاها قطع می‌گردد. و خلاصه، به منظور رسیدن به هدف باید از خود گذشت کرد و پیه همه ناملازمات را به تن مالید، چنین کسی فکرش همه متوجه پیروزی و رسیدن به هدف و غلبه بر دشمنی است که او را به مرگ و فنا تهدید می‌کند، و کسی که حالش چنین و فکر و ذکرش این است، ذکر خدایش هم ذکری است که با حالت و فکرش تناسب دارد.

و این خود بهترین قرینه است بر این که مراد از آیه «وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا» این است که مؤمن متذکر آن معارفی باشد که مربوط به این شأن و این حالت است، و آن این است که خدای تعالی معبود او و پروردگار اوست، و آنکسی است که مرگ و حیات به دست فرمان دوم: ذکر و یاد خدا (۲۶۱)

اوست، و او می‌تواند انسان را در این حال یاری کند، و او سرپرست اوست، و چه سرپرست و یاور خوبی است!

چنین کسی که پروردگارش وعده نصرت داده و فرموده: «اگر خدا را یاری کنید او هم شمارایاری می‌کند، و قدم‌هایتان را استوار می‌کند،» (۷/محمد) و نیز فرموده: «خداوند اجر آن کس را که عمل نیکی کند ضایع نمی‌سازد،» یقیناً به نصرت پروردگارش اطمینان داشته و می‌داند که سرانجام کارزارش به یکی از دو وجه است، که هر دو نیک است، چون یا بر دشمن غلبه می‌کند که در این صورت رایت دین را بلند کرده و محیط را برای سعادت‌مند شدن خود و دیگران مساعد کرده است، و یا کشته می‌شود، که در این صورت به جوار اولیاء مقربین در گاه پروردگارش شتافته است!

این گونه معارف حقیقی است که مربوط به حالت یک نفر مجاهد است، و سرانجامش

(۲۶۲) تاریخ تشریع دین اسلام

را به سعادت واقعی و کرامت دائمی منتهی می‌کند!

اگر در آیه بالا «ذکر» را به «کثیر» مقید کرد، برای این بود که در میدان‌های جنگ هر لحظه صحنه‌هایی تکرار می‌گردد که انسان را به دوستی زندگی فانی و شیرینی زخارف دنیوی علاقمند می‌سازد، و شیطان هم با القاء وسوسه خود آن را تأیید می‌کند، لذا فرموده: خدا را زیاد یاد کنید تا بدین وسیله روح تقوی در دل‌ها هر لحظه تجدید و زنده‌تر شود!

فرمان سوم: اطاعت خدا و رسول

فرمان سوم می‌فرماید: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ» - خدا و رسولش را اطاعت کنید!

(۲۶۳)

مراد به این اطاعت، اطاعت دستوراتی است که از ناحیه خدا و رسول راجع به امر جهاد و دفاع از حریم دین و بیضه اسلام صادر می‌شود، و آیات جهاد و دستورات نبوی مشتمل بر آن است، مانند: دستوراتی درباره اتمام حجت با دشمن در مرحله اول، صادر

شده است، و یا دستوراتی که تعرض به زن و فرزند دشمن را در حین جنگ منع می‌کند، و یا شیخون زدن به دشمن را اجازه نمی‌دهد و یا سایر احکام جهاد.

(۲۶۴) تاریخ تشریع دین اسلام

فرمان چهارم: نهی از اختلاف

فرمان چهارم از نزاع و کشمکش بین مسلمین جلوگیری می‌کند و می‌فرماید «وَلَا تَنزَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (۴۶/ انفال) یعنی با نزاع و کشمکش در میان خود ایجاد اختلاف نکنید، و به واسطه آن خود را دچار ضعف اراده مسازید، و عزت و دولت و یا غلبه بر دشمن را از دست مدهید، چه اختلاف، وحدت کلمه و شوکت و نیروی شما را از بین می‌برد.

در ادامه این فرمان می‌فرماید: «وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» - صبر کنید که خدا با صابران است!

فرمان چهارم: نهی از اختلاف (۲۶۵)

فرمان پنجم و ششم: نهی از اتخاذ رویه مشرکین و سد راه خدا

فرمان پنجم و ششم با آیه زیر صادر شده است که می‌فرماید: «و مانند مشرکین و آن کسانی مباشید که با غرور و خودنمایی از دیار خود خارج شدند و بازمی‌داشتند از راه خدا...!»

در این فرمان، نهی از اتخاذ طریقه مشرکین ریاکار و مغرور صادر شده که هم آنان جلوگیری از راه خدا بودند و مقصود از آنان مشرکین قریش است که دارای این صفات بودند. تقدیر آیه چنین است که می‌فرماید:

– شما مانند کفار با خودنمایی و خودآرائی به تجملات دنیوی به سوی کارزار با دشمنان دین از دیار خود بیرون نشوید، و مردم را با گفتار و کردار ناپسند خود به ترک تقوی و فرو رفتن در گناهان و خروج از اطاعت اوامر و دستورات خدا دعوت نکنید،

(۲۶۶) تاریخ تشریع دین اسلام

و بدین وسیله جلوگیری از راه خدا مباشید! که اگر چنین کنید زحماتان بی‌اثر گشته و نور ایمان در دل‌هایتان خاموش می‌گردد، و آثار ایمان از اجتماعتان رخت بر می‌بندد.

پس اگر بخواهید زحماتان ثمربخش باشد، و در نتیجه شما را به مقصد و هدف برساند، جز صراط مستقیمی که دین قویم آن را برایتان فراهم آورده، و ملت فطری هموارش کرده، راه دیگری ندارید، و خداوند مردم فاسق را به سوی ایده‌های فاسدشان هدایت

نمی‌کند! (۱)

موقعیت تاریخی نزول سوره آل عمران و جنگ‌های اسلام

۱- المیزان ج: ۱۸، ص: ۷۱.

موقعیت تاریخی نزول سوره آل عمران... (۲۶۷)

هر دو یست آیه سوره آل عمران چنان می‌نماید که یک جا نازل شده باشد، زیرا تمامی آیات آن با یک اسلوب تنظیم شده، و مطالب آن‌ها با یکدیگر متناسب، و هدف آن‌ها با هم پیوند کامل دارد.

غرض اصلی این سوره دعوت نمودن مؤمنان است به این که در حمایت دین الهی، توحید کلمه و اتحاد داشته باشند. آیات آن جا به جا موقعیت خطیر و حساس مسلمانان را در برابر یهود و نصاری و مشرکین گوشزد می‌نمایند، تا آنان علیه این دشمنان سرسخت، که هر یک قصد خاموش کردن چراغ روشن اسلام را داشتند، قیام کنند، و صبر و ثبات قدم را شعار خود سازند.

روی همین جهت، به نظر می‌رسد که زمان نزول آن در هنگامی بوده که کار

(۲۶۸) تاریخ تشریع دین اسلام

رسول الله صلی الله علیه و آله تا اندازه‌ای استقرار پیدا کرده، ولی به طور کامل پابرجا نشده است. چون در آیات آن از «غزوه احد» و «مباهله با نصاری نجران» و همچنین درباره بعضی از امور مربوط به «یهود» و «وادیار نمودن مسلمانان به قیام در برابر «مشرکین»، و دعوت نمودن آنان به صبر و ثبات و رابطه، تذکراتی داده شده است.

همه این‌ها مؤید آن است که زمان نزول این سوره در اوقاتی بوده که مسلمانان با تمام قوا به «دفاع دینی» اشتغال داشتند، و در این راه کوشش می‌کردند.

از طرفی در برابر «فتنه یهود و مسیحیان» که موجب سستی ایمان قلبی مسلمانان می‌شد، قیام کرده، و به «مبارزه تبلیغاتی» آنان پاسخ می‌دادند، و از طرف دیگر با «مشرکین عرب» مشغول به زد و خورد شده، و دور از اهل و دیار در حال جنگ و ناامنی به سر می‌بردند.

موقعیت تاریخی نزول سوره آل عمران... (۲۶۹)

این روزها کم‌کم داشت صیت اسلام در دنیا منتشر می‌شد، جهانیان علیه پیشرفت آن قیام کرده بودند. گذشته از یهود و نصاری و مشرکین عرب، از طرف ممالک خارجی هم، مانند دو کشور «روم و ایران» و امثال آن، این مبارزات شروع شده و به جلو می‌رفت. لذا، خداوند متعال در این سوره بعضی از حقایق دینش را به مؤمنین تذکر داده تا قلب آنان را پاکیزه کند، و زنگ شبها و وساوس شیطانی و تسویلات اهل کتاب را از دلشان بزدايد. هم‌چنین به آنان روشن ساخته که خداوند از تدبیر ملکش آنی غافل نشده و در برابر اقدامات مخلوقات خود عاجز نیست، و لکن دینش - اسلام - را اختیار کرده و جمعی را هم به سوی آن از راه عادت جاری و سنت دائمی - که همان سنت علل و اسباب باشد - رهبری کرده است.

(۲۷۰) تاریخ تشریع دین اسلام

پس مؤمن و کافر هر دو بر اساس سنت اسباب جریان دارند، و هر یک روزی جلوه‌گری و غلبه پیدا می‌کنند، روزی روز کافر است، و روزی دیگر روز مؤمنان، و دنیا دار امتحان و روزگار عمل است، و هر کس به نتیجه اعمال و کرده‌های خود در سرای دیگر می‌رسد! (۱)

وجوب جهاد در تورات و انجیل و قرآن

«... وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ...!» (۱۱۱/توبه)

۱- المیزان ج: ۵، ص: ۶. سوره آل عمران

وجوب جهاد در تورات و انجیل و قرآن (۲۷۱)

خدای متعال در آیه فوق وعده‌ای را که در تورات و انجیل و قرآن به جهادگران راه خود داده، متذکر می‌شود:

- «خدا از مؤمنان جان‌ها و مال‌هایشان را خرید، به این بها که بهشت از آتشان باد، در راه خدا کارزار کنند، بکشند و کشته شوند، وعده خداست، که در تورات و انجیل و قرآن، به عهده او محقق است، و کیست که به پیمان خویش از خدا وفادارتر باشد؟ به معامله پر سود خویش که انجام داده‌اید شادمان باشید! که این کامیابی بزرگ است!»

خدای سبحان، در این آیه به کسانی که در راه خدا با جان و مال خود جهاد می‌کنند، وعده قطعی بهشت می‌دهد، و می‌فرماید که این وعده را در تورات و انجیل هم داده است، همان‌طور که در قرآن می‌دهد.

(۲۷۲) تاریخ تشریع دین اسلام

خداوند این وعده را در قالب تمثیل ریخته و آن را به خرید و فروش تشبیه فرموده است. یعنی خود را خریدار و مؤمنین را فروشنده، و جان و مال ایشان را کالای مورد معامله، و بهشت را قیمت و بهاء، و تورات و انجیل و قرآن را سند آن خوانده است و چه تمثیل لطیفی به کار برده است!

و در آخر، مؤمنین را به این معامله بشارت داده، و به رستگاری عظیمی تهنیت گفته است. (۱)

۱- المیزان ج: ۱۸، ص: ۳۳۵.

و جوب جهاد در تورات و انجیل و قرآن (۲۷۳)

شدت عمل مسلمانان در برابر کفار

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...» (۲۹/فتح)

«محمد صلی الله علیه و آله رسول خداست، و کسانی که با اویند علیه کفار شدید و بی رحمند، و در بین خود رحیم و دلسوزند...»

کلام خدا در این صدد است که مؤمنین به رسول الله صلی الله علیه و آله را توصیف کند و شدت و رحمت را، که دو صفت متضادند، از صفات ایشان بشمارد.

شدت به کفار را مقید کرده به رحمت بین خودشان تا توهمی که ممکن بود بشود دفع شود، و دیگر کسی نپندارد که شدت و بی رحمی نسبت به کفار باعث

(۲۷۴) تاریخ تشریع دین اسلام

می شود مسلمانان به طور کلی، و حتی نسبت به خودشان هم سنگدل شوند، لذا دنبال آن فرمود که این ها در بین خود مهربان و رحیمند.

این آیه که آخرین آیه سوره فتح است، پیامبر را توصیف می کند، و آن هایی را که با اویند به اوصافی می ستاید که در تورات و انجیل ستوده است و مؤمنین را که عمل صالح انجام داده اند، وعده جمیل می دهد:

- «این وصف آنان است در تورات، و وصف آنان است در انجیل، که چون زرعی است که شاخه خود را بیرون آورد، و آن را نیرومند کند، پس انبوه گردد، و بر ساق خود راست بایستد، و کشاورزان را خوش آید، و کافران را به خشم آورد، خدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کردند آمرزش و پاداش بزرگ وعده داد!» (۲۹ / فتح)

این آیه به این نکته اشاره می کند که خدای تعالی در مؤمنین برکت قرار داده است، و

شدت عمل مسلمانان در برابر کفار (۲۷۵)

روز به روز به عده و نیروی آنان افزوده می شود. به همین جهت بود که در ادامه کلام فرمود: تا خداوند به وسیله آنان کفار را به خشم در آورد! (۱)

تشریع جهاد، و برخورد دوگانه ترسودلان

«الَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآذِنُوا لِلَّذِينَ يَبِغُوا بِلِهَابِ اللَّهِ وَآيَاتِهِ...» (۷۷ / نساء)

آیه فوق در تاریخ اسلام از دو موقعیت زمانی و از دو گانگی برخورد برخی از

۱- المیزان ج: ۳۶، ص: ۱۵۹.

(۲۷۶) تاریخ تشریع دین اسلام

مسلمانانی که دارای ایمانی ضعیف بودند، حکایت می‌کند:

برخی از مؤمنین اولیه، قبل از آن که دستور جنگ و دفاع صادر شود، بر اثر مشاهده تعدیات و ستم‌هایی که از طرف کفار بر آنان وارد می‌شد، تحمل نداشتند، و نمی‌توانستند صبر کنند و شمشیر نکشند و به مقابله پردازند، ولی خدای تعالی در آن هنگام دستور داده بود که از جنگ خودداری کنند، و به اقامه شعائر دینی از قبیل نماز و زکات پردازند، تا استخوان‌بندی و پی‌ریزی دین سخت و محکم گردد، تا بعداً خداوند اذن جهاد با دشمنان صادر کند، زیرا اگر چنین نمی‌کردند پیکره و ارکان و اجزاء دین از هم می‌گسیخت و خراب و متلاشی می‌گشت.

آیات فوق مردم را ملامت می‌کند که اینان، همان‌هایی هستند که در جنگ با کفار عجله داشتند، و در آن زمانی که افراد و قوای جنگی کافی برای برخورد با

تشریع جهاد، و برخورد دوگانه ترسودلان (۲۷۷)

دشمن نداشتند، قادر به صبر نبودند، و نمی‌توانستند آزار دشمن را تحمل کنند، ولی وقتی که جنگ برایشان واجب گردید، یک عده همان‌طور که از خدا می‌ترسیدند، و بلکه سخت‌تر، از دشمن می‌ترسیدند... در حالی که دشمنان نیز مردمانی مثل خودشان هستند. آیات از آنان چنین نقل می‌کند:

«آیا کسانی را ندیدی که به آنان گفته می‌شد: دست نگه دارید، و نماز بخوانید، و زکات بدهید، ولی هنگامی که برای آنان جنگ واجب شد، فی‌الحال یک عده همان‌طور که از خدا می‌ترسند، و بلکه بیشتر از آن، از مردم می‌ترسیدند، و می‌گفتند: پروردگارا! چرا برای ما جنگ واجب کردی؟ چرا به ما تا مدت نزدیکی مهلت ندادی؟ بگو!

– بهره دنیا کم و آخرت برای کسی که تقوی پیشه کند، بهتر است! و به شما به اندازه شکاف هسته خرما هم ستم نمی‌شود! هر کجا که باشید مرگ شما را در خواهد یافت، هر چند در برج‌های

(۲۷۸) تاریخ تشریع دین اسلام

محکم باشید!» (۷۷ و ۷۸/نساء)

آیات زیر نیز در ملامت مسلمانان ضعیف است، و آنان را موعظه می‌کند که اگر در قرآن تدبیر کنند ایشان را بینا و روشن خواهد کرد:

– «این مردم کلمه «طاعت» را می‌گویند، ولی موقعی که از پیش تو می‌روند یک عده‌شان شبانه برخلاف گفته تو تصمیم می‌گیرند و خدا تصمیم‌های شبانه اینان را ثبت می‌کند،

– پس تو از ایشان روگردان باش! و بر خدا توکل کن، که خدا برای وکالت و سرپرستی کافی است! چرا در قرآن تدبیر نمی‌کنند؟ که اگر از طرف غیر خدا بود اختلاف‌زایی در آن می‌یافتند...

– ای پیغمبر! در راه خدا جنگ کن! صاحب این تکلیف جز نفس تو نیست، و مؤمنین را نیز تحریص بر جنگ کن! امید است که خداوند آزار و آسیب کفار را بازدارد، که خداوند انتقام و

تشریع جهاد، و برخورد دوگانه ترسودلان (۲۷۹)

بازجویی‌اش سخت‌تر و شدیدتر است!» (۸۱ تا ۸۵/نساء)

(البته باید خاطر نشان ساخت که افرادی که مورد عتاب در این آیات هستند غیر از منافقینی هستند که در بین مسلمین بودند.) (۱)

خیانت و جاسوسی در جنگ‌های صدر اسلام

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ...!» (۲۷ / انفال)

۱- المیزان ج: ۹، ص: ۲۷.

(۲۸۰) تاریخ تشریع دین اسلام

در تاریخ اسلام مواردی مشاهده شده که برخی از مسلمین به اسرار و تصمیمات سری رسول الله صلی الله علیه و آله اطلاع پیدا کرده، و به دلایلی آن را برای مشرکین یا دشمنان دیگر فاش کرده‌اند، و در این موارد بیشتر این خیانت‌ها به دلیل حفظ اموال و اولاد خود یا منافع همکیشان خویش بوده است.

نظیر این موضوع در روایات اسلامی در دو مورد پیدا می‌شود:

یکی در آغاز جنگ بدر، که لشکر مسلمین درصدد گرفتن راه مال التجاره ابوسفیان بودند، و کسی از مسلمین نامه‌ای به ابوسفیان نوشته و اطلاع داده بود. مصداق دیگرش، جریان ابی لبابه بود که اسرار رسول الله صلی الله علیه و آله را برای قبیله بنی قریظه فاش کرد.

داستانش این بوده که:

خیانت و جاسوسی در جنگ‌های صدر اسلام (۲۸۱)

«رسول خدا صلی الله علیه و آله یهود بنی قریظه را بیست و یک شب محاصره کرد، و از آن حضرت درخواست صلح کردند، به همان قراری که با برادران یهودی‌شان در بنی النضیر صلح کرده بود. و آن این بود که اجازه دهد از سرزمین خود کوچ کرده و با برادران خود در «اذرعات و اریحات»، که در سرزمین شام قرار دارد، ملحق شوند. رسول خدا صلی الله علیه و آله این پیشنهاد را نپذیرفت، و جز این رضا نداد که به حکم «سعد بن معاذ» گردن نهند. ایشان برای حکمیت ابولبابه را که دوست و خیرخواه بنی قریظه بود، انتخاب کردند، و پیشنهاد دادند، و خیرخواهی ابولبابه برای این بود که زن و فرزند و اموالش در میان آن قبیله بودند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله ابولبابه را نزد ایشان فرستاد، ابولبابه وقتی به میان آن قبیله آمد، از او پرسیدند رأی تو چیست؟ آیا صلاح می‌دانی که ما به حکم سعد بن معاذ گردن نهمیم؟

(۲۸۲) تاریخ تشریع دین اسلام

ابولبابه با دست خود اشاره به گردنش کرد و فهمانید که سعد جز به کشتن شما حکم نمی‌کند، زنهار که زیر بار نروید! جبرئیل نازل شد و داستان ابولبابه را به رسول خدا صلی الله علیه و آله گزارش داد.

ابولبابه می‌گوید: به خدا قسم، هنوز قدم از قدم بر نداشته بودم که منتقل شدم به این که خدا و رسولش را خیانت کرده‌ام، و همین طور هم شد، یعنی چیزی نگذشت که آیه مورد بحث نازل شد. ابولبابه خود را با طناب به یکی از ستون‌های مسجد بست و گفت به خدا قسم آب و غذا نمی‌خورم تا این که یا بمیرم یا خداوند از تقصیرم بگذرد! هفت روز در اعتصاب غذا بود تا این که به حالت بیهوشی افتاد، و خداوند تعالی از گناهش درگذشت. به او گفتند: یا ابولبابه! خدا توبه تو را پذیرفت! گفت: نه به خدا سوگند! خود را از این ستون باز نمی‌کنم تا رسول الله صلی الله علیه و آله خودش مرا باز کند!

خیانت و جاسوسی در جنگ‌های صدر اسلام (۲۸۳)

لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله تشریف آوردند و او را با دست خود باز کردند.

ابولبابه سپس اضافه کرد: از تمامیت توبه من این است که از این به بعد از قبیله و قوم و خانه‌هایشان که در آن خانه این گناه از من سر زد، قطع رابطه می‌کنم، و از اموالی که در آن جا دارم می‌گذرم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از تمامیت توبه تو بس است این که یک سوم اموالت را تصدق دهی! (نقل از امام باقر و امام صادق علیه السلام - در مجمع البیان)

این داستان بعد از مدتی از وقوع جنگ بدر رخ داده است. (۱)

مسئله غنائم در جنگ‌های صدر اسلام

۱- المیزان ج: ۱۷، ص: ۱۰۰.

(۲۸۴) تاریخ تشریع دین اسلام

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ...!» (۱ / انفال)

ارتباط آیات در این سوره (انفال) و تصریح به داستان جنگ «بدر» کشف می‌کند از این که این سوره تمامی‌اش مربوط به جنگ بدر است، و اندکی پس از آن جنگ نازل شده است. حتی ابن عباس هم به طوری که از وی نقل شده، این سوره را «سوره بدر» نامیده بود. آیاتی از این سوره، که معترض مسئله غنائم جنگی است، پنج آیه است که در سه جای این سوره قرار گرفته است، و بر حسب ترتیب آن عبارتند از:

۱ - «از تو از انفال پرسش می‌کنند، بگو! انفال ما خدا و رسول است...!» (۱ / انفال)

۲ - «و بدانید که هر آن چیزی که به غنیمت گرفته‌اید، بی‌گمان پنج یک از آن خداست، و از آن رسول، و از آن خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و راهگذران، اگر به خدا مسئله غنائم در جنگ‌های صدر اسلام (۲۸۵)

ایمان آورده‌اید و بدانچه ما بر بنده خود در روز فرقان، روزی که دو گروه روی در روی هم آوردند، نازل کردیم و خدا بر همه چیز تواناست!» (۴۱/ انفال)

۳ - «برای پیامبری سزاوار نیست که اسیرانی داشته باشد، تا در زمین قتل بسیار کنند، شما متاع دنیا را می‌خواهید، و خدا آخرت را می‌خواهد، و خدا عزیز حکیم است! اگر از خدا کتابی نبود که در پیش برفت، البته در آن چه گرفتید شما را عذاب بزرگی می‌رسید! پس، از آن چه در جنگ غنیمت گرفته‌اید، بخورید، حلال و پاکیزه، و از خدا بترسید، بی‌گمان خدا آمرزگار مهربان است!» (آیه ۶۷ تا ۶۹)

از آیات استفاده می‌شود که پرسش کنندگان از آن جناب درباره امر اسیران پرسش نموده‌اند، و درخواست کرده‌اند تا اجازه دهد اسیران کشته نشوند بلکه با دادن فدیة آزاد گردند. در جواب، ایشان را مورد عتاب قرار داده است.

(۲۸۶) تاریخ تشریع دین اسلام

از این که تجویز کرد خوردن از غنیمت را، و فرمود: «از آن چه در جنگ غنیمت گرفته‌اید، بخورید!» بدست می‌آید که اصحاب، به طور ابهام، چنین فهمیده بودند که مالک غنیمت و انفال می‌شوند، جز این که نمی‌دانستند آیا تمامی اشخاصی که حاضر در میدان جنگ بوده‌اند، مالک می‌شوند؟ و یا تنها کسانی که قتال کرده‌اند؟ و آن‌هایی که تقاعد ورزیده‌اند، از آن بی‌نصیبند؟ و آیا مباشرین که از آن سهم می‌برند، به طور مساوی میانشان تقسیم می‌شود، و یا به طور متفاوت؟ مثلاً سهم سواره‌ها بیشتر از پیاده‌ها و یا امثال آن است؟

چون دستور «بخورید» مبهم بود باعث شد که مسلمین در میان خود مشاجره کنند، و سرانجام به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مراجعه نموده و توضیح بپرسند. لذا آیه فوق‌الذکر نازل شد که فرمود:

مسئله غنائم در جنگ‌های صدر اسلام (۲۸۷)

- «از تو انفال پرسش می‌کنند، بگو! انفال مال خدا و رسول است! پس، از خدا بترسید، و میان خود صلح برقرار کنید، و خدا و رسول او را اطاعت کنید، اگر با ایمان هستید!» (۱/ انفال) با این آیه که بعد از سه آیه فوق نازل شده است، ایشان را در استفاده‌ای که از عبارت «بخورید» کرده بودند و پنداشته بودند که مالک انفال هم هستند، تخطئه نموده، و ملک انفال را مختص به خدا و

رسول کرده، و ایشان را از تخاصم و کشمکش تهی ساخته است.

و وقتی بدین وسیله مشاجره‌شان خاتمه یافت، آن‌گاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آن را به ایشان ارجاع داد و در میان‌شان به طور مساوی تقسیم کرده، و به همان اندازه سهمی برای آن عده از اصحاب که حاضر در میدان جنگ نبودند، کنار گذاشت، و میان کسانی که قتل کرده و آن‌هایی که قتل نکرده بودند، و همچنین میان سوارگان و پیادگان

(۲۸۸) تاریخ تشریع دین اسلام

تفاوتی نگذاشت.

آن‌گاه آیه دوم: «بدانید هر آن‌چه که غنیمت گرفته‌اید، بی‌گمان پنج یک آن از آن خداست و از آن رسول...» (۴۱ / انفال) به فاصله اندکی نازل شد، و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به خاطر امتثال آن، از آن‌چه که به نفرات داده بود، پنج یک را دوباره پس گرفت.

از بررسی آیات روشن شد که سؤال کنندگان، این سؤال را وقتی کردند که پیش خود خیال کرده بودند مالک غنیمت هستند، و اختلاف‌شان در این بود که مالک آن کدام طایفه است؟ و یا در این بود که به چه نحوی مالک می‌شوند؟ و به چه ترتیبی در میان‌شان تقسیم می‌شود؟ و یا در هر دو جهت اختلاف داشته‌اند.

عبارت «بگو انفال از آن خدا و رسول است...!» جواب پرسش ایشان بود، که فرمود: انفال ملک کسی از ایشان نیست، بلکه ملک خدا و رسول اوست، که به هر مصرفی

مسئله غنائم در جنگ‌های صدر اسلام (۲۸۹)

بخواهند می‌رسانند. این بیان ریشه اختلافی را که در میان آن‌ها رخ نهاده بود، به کلی برطرف کرد.

پس، از مجموع سه آیه این معنا استفاده می‌شود که اصل ملک در غنیمت از آن خدا و رسول است، و خدا و رسول چهار پنجم آن را در اختیار جهادکنندگان گذاشته‌اند تا با آن ارتزاق کنند، و آن را تملک نمایند. و یک پنجم آن را به خدا و رسول و خویشاوندان رسول و غیر ایشان اختصاص داده است تا در آن تصرف نمایند.

آیه فوق نشان می‌دهد که خداوند تعالی حکم عمومی «انفال» را صادر فرموده، نه تنها حکم غنیمت جنگی را، بنابراین این یک حکم عمومی است که هم غنیمت را شامل می‌شود، و هم سایر اموال زیادی در جامعه را، از قبیل: سرزمین‌های تخلیه شده، دهات متروک، قله کوه‌ها، بستر رودخانه‌ها، خالصه‌جات پادشاهان، ترکه اشخاص بی‌وارث،

(۲۹۰) تاریخ تشریع دین اسلام

و از همه این انواع، تنها غنیمت جنگی متعلق به جهادکنندگان به دستور پیغمبر است، و مابقی در تحت ملکیت خدا و رسول باقی است! (۱)

۱- المیزان ج: ۱۷، ص: ۱۷.

مسئله غنائم در جنگ‌های صدر اسلام (۲۹۱)

امدادهای الهی و نقش ملائکه در جنگ‌های اسلام

«أَنْ يُمَدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُزْلِينَ!» (۱۲۴ و ۱۲۵ / آل عمران)

خدای متعال در قرآن شریف ضمن بیان تاریخ جنگ‌های صدر اسلام، امدادهای غیبی به وسیله سپاهیان ملائکه و وزش باد و امثال آن را در قبال جهاد و جانفشانی مسلمانان اولیه و پیروزی گروه قلیل و بدون تجهیزات به نیروی عظیم و تا دندان مسلح دشمنان اولیه اسلام، شرح داده است.

چگونگی یاری ملائکه در جنگ‌ها

(۲۹۲) تاریخ تشریع دین اسلام

از آیه شریفه ۱۲۶ سوره آل عمران استفاده می‌شود که ملائکه‌ای که برای کمک مؤمنین آمدند، مستقلاً در امر یاری اثر نداشتند، و صرفاً اسباب ظاهری بودند، که باعث آرامش قلب مؤمنین شدند.

امایاری واقعی صرفاً از خدای سبحان است، زیرا او عزیزی است که مغلوب نمی‌شود، و حکیمی است که جهل در حریم مقدسش راه ندارد.

– «و خداوند آن کمک را انجام نداد مگر مژده‌ای برای شما، تا دل‌هایتان بدان آرام گیرد، و یاری جز از طرف خداوند توانا و حکیم نخواهد بود!» (۱۲۶ / آل عمران)

امداد ملائکه در جنگ بدر

امداد ملائکه در جنگ بدر (۲۹۳)

در آیات ۱۲۲ و ۱۲۵ سوره آل عمران می‌فرماید:

– «آن‌گاه که دو دسته از شما (در آغاز جنگ احد) ترسان شده و به فکر سستی افتادند، و حال آن‌که خداوند یار و ولی آنان بود.

خداوند شما را در «جنگ بدر» یاری فرمود، و حال آن‌که خوار و زبون بودید، پس از خدا بترسید، باشد که شکر او را به جای آورده باشید!

آن دم که به مؤمنین گفتی: آیا بس نیست که پروردگارتان شما را به سه هزار ملائکه نازل شده از آسمان، یاری می‌کند؟

آری، اگر صبر کرده و تقوی کنید، همین لحظه، خداوند شما را به پنج هزار ملائکه نشاندار یاری می‌کند...!»

(۲۹۴) تاریخ تشریع دین اسلام

از این آیات استفاده می‌شود که خداوند متعال در جنگ «بدر» سه هزار ملائکه برای یاری مؤمنین فروفرستاده است. با این‌که در آیه ۹ سوره انفال صحبت از هزار فرشته «ردیف شده» به میان آمده است، ولی از عبارت «مُرْدَفِین» به معنی «مُتَّبِعِین» استفاده می‌شود که این فرشتگان هزار هزار در پی هم ردیف بوده‌اند، و تعداد اصلی آنان سه هزار بوده است.

علاوه بر آن، در همان جنگ بدر، خداوند متعال وعده مشروطی هم به مسلمین داده بود، که اگر صبر کنند و تقوی پیشه نمایند، خداوند پنج هزار ملائکه «نشاندار» نیز بر آنان نازل خواهد کرد.

امداد ملائکه در جنگ احزاب و حنین و اُحد

امداد ملائکه در جنگ احزاب و حنین و اُحد (۲۹۵)

آیه ۹ سوره احزاب نشان می‌دهد که خداوند متعال در این جنگ با نیروهای غیبی مسلمین را مدد فرموده است:

– «هنگامی که سپاهیان فراوانی از دشمن به سوی شما آمد، ما باد تند و سپاه‌یانی که آن را ندیدند، به کمک شما فرستادیم!»

هم‌چنین در آیه ۲۶ سوره توبه می‌فرماید:

– «و فروفرستاد سپاه‌یانی که آنان را ندیدید!»

این آیه درباره جنگ «حنین» است و نشان می‌دهد که ملائکه الهی برای امداد مسلمین در این جنگ نیز نازل شده‌اند.

اما در جنگ احد آیات قرآن نشان نمی‌دهد که فرشته‌ای که برای منظور امداد نازل شده باشد. (۱)

۱- المیزان ج: ۷، ص: ۱۲.

(۲۹۶) تاریخ تشریع دین اسلام

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۳۱-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰۰ IR
۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسير المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

فائمه



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹